



دفتر برنامه‌ریزی و تحقیقات سیمان
دانشگاه صنعتی امیرکبیر



شرکت سهامی عام
سیمان فارس و خوزستان

آثار عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بر صنعت سیمان

جلد هفتم

خلاصه و نتیجه‌گیری

دکتر بیژن بیدآباد

ویرایش دوم ۱۳۸۳

عناوین مجلدات هفتگانه

- | | |
|------------|--|
| جلد اول: | ساختار اقتصادی صنعت سیمان ایران |
| جلد دوم: | سیمان جهان |
| جلد سوم: | سازمان تجارت جهانی و ایران |
| جلد چهارم: | سیمان کشورها و سازمان تجارت جهانی و معاهدات بین‌المللی |
| جلد پنجم: | تعرفه و موانع غیر تعرفه‌ای و گمرکی در بازرگانی خارجی |
| | سیمان ایران و سازمان تجارت جهانی |
| جلد ششم: | آثار کمی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر صنعت سیمان |
| جلد هفتم: | خلاصه و نتیجه‌گیری |

فهرست مطالب

فصل هفتم

خلاصه و نتیجه گیری

۲	مقدمه
۱۱	خلاصه مطالب فصل اول
۳۱	خلاصه مطالب فصل دوم
۴۸	خلاصه مطالب فصل سوم
۸۲	خلاصه مطالب فصل چهارم
۹۸	خلاصه مطالب فصل پنجم
۱۱۵	خلاصه مطالب فصل ششم
۱۳۸	خاتمه

فصل هفتم

خلاصه و نتیجه‌گیری

مقدمه

سیمان یکی از صنایع راهبردی است که نقش مهمی را در توسعه اقتصادی و عمران ملی ایفا می‌کند و در جهان امروز، وسیع‌ترین سطح تولید را بین سایر صنایع به خود اختصاص داده است. سیمان از پرمصرف‌ترین فرآورده‌های صنعتی در جهان می‌باشد و امروزه به عنوان یک کالای آینده ساز، پیش نیاز توسعه، اشتغال و پیشرفت، در همه کشورها مورد توجه ویژه است و این کالا در کشورهای در حال توسعه و برای ساخت زیربنایها، اهمیتی دو چندان دارد. تولید سیمان به عنوان یکی از شاخص‌های رشد و توسعه در هر کشوری شناخته می‌شود.

طبق یک تعریف ساده، سیمان را می‌توان به عنوان ماده‌ای که خواص چسبندگی و انسجام بین سایر قطعات معدنی دارد و در عین حال، از نظر تقاضا به عنوان یک محصول کم‌کشش تلقی نمود، زیرا در ساختمانهای مسکونی و غیر مسکونی، در تاسیسات صنعتی و در راه‌سازی و اسکله‌های بنا و در سایر موارد، به هم چسباندن سنگ‌ها، ماسه، آجر و سایر اجزای متشکله، این کالا را به صورت کالایی غیر قابل جایگزینی درآورده است. به همین علت در جهان امروز، سیمان به عنوان یک کالای استراتژیک برای اجرای عملیات زیر بنایی مثل ایجاد شبکه‌های آبیاری کشاورزی، سدها، احداث بنادر، بزرگراهها، راه آهن و تاسیسات صنعتی و اداری مطرح می‌باشد.

در حال حاضر بسیاری از کشورهای اروپایی با توجه به عوامل زیست محیطی و نیز ساختار خاص اقتصادی به جای تولید سیمان ترجیح می‌دهند از واردات سیمان استفاده نمایند. ایران با توجه به وسعت جغرافیایی و عوامل تولید ارزان قیمت خود، می‌تواند در بازارهای خارجی سیمان نقش مؤثری داشته باشد.

در بررسی ساختار صنعت سیمان، توجه به جهت‌گیری‌های مهم در افزایش ظرفیت تولید و نیز توسعه صادرات، از مهمترین مباحث می‌باشند. در این قسمت پس از نگاهی به کلیات صنعت سیمان، و ملاحظه سابقه این صنعت در کشور، عرضه و تقاضای سیمان در ایران را بررسی نموده و عوامل مؤثر بر آن را بررسی خواهیم کرد. مسائل عدیده‌ای در ارتباط با اقتصاد صنعت سیمان می‌باشند که بررسی هر کدام از آنها نیازمند کتاب مجزائی است ولی برای اینکه کلیات موضوعات مرتبط اقتصادی مد نظر خوانندگان قرار گیرد سعی می‌کنیم به مطالب متنوع در ارتباط با این صنعت پردازیم. در این ارتباط مباحث را با موضوع پیدایش صنعت سیمان آغاز می‌کنیم و به انواع سیمان و استانداردهای آن پرداخته و بر سابقه صنعت سیمان در ایران مروری خواهیم داشت. قسمت بعد به مسائل و ویژگی‌های سمت عرضه و تولید سیمان می‌پردازد. عوامل مؤثر بر توسعه ظرفیت تولید سیمان و پیش‌بینی ظرفیت تولید از طرق بهینه سازی کارخانه‌های موجود و راه اندازی واحدهای جدید همراه با مروری کلی بر تولید کنندگان سیمان و کارگاههای کوچک کانی غیرفلزی و ساختار مالکیت در صنایع کوچک کانی غیرفلزی و کارگاههای بزرگ کانی غیرفلزی و کارخانجات سیمان ایران به الگوی اقتصادسنجی عرضه

سیمان می‌پردازیم و میزان عرضه سیمان را پیش‌بینی می‌نمائیم. تقاضای سیمان و موقعیت منطقه‌ای ایران از لحاظ تقاضای آینده سیمان همراه با مدل اقتصادسنجی تقاضای سیمان موقعیت ایران در صادرات سیمان را در آینده مشخص خواهد نمود. صادرکنندگان سیمان و مباحثی نظیر قیمت، حمل و نقل، مصرف انرژی و آثار زیست محیطی صنعت سیمان و اثر گازهای گلخانه‌ای و روشهای کاهش گازهای گلخانه‌ای از دیگر مباحث این قسمت می‌باشند. سیمان در بورس اوراق بهادار و تأمین مالی سرمایه‌گذاری در سیمان و مقررات عمومی فروش و توزیع سیمان از مطالب مربوط به صنعت سیمان در ایران هستند

در فصل دوم به بررسی تجارت جهانی سیمان می‌پردازیم. اقلام تولید و مصرف و واردات و صادرات سیمان از اهم موضوعات مورد بحث در رابطه با موضوع این فصل می‌باشند. مصرف سرانه سیمان و تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان عمده در جهان بررسی خواهند شد و نهایتاً به بررسی دورنمای تولید سیمان در جهان خواهیم پرداخت.

حمل و نقل بین‌المللی سیمان به دلیل افزایش شدید قیمت حمل دریایی در سال‌های اخیر از موضوعات پراهمیت در تجارت سیمان می‌باشد لذا بخشی را به بررسی این موضوع در این فصل اختصاص داده‌ایم.

بررسی وضعیت سیمان تک‌تک کشورها موضوع بعدی بررسی ما در این بخش است و مروری خواهیم داشت بر صنعت سیمان برخی از کشورهای منتخب جهان و حتی المقدور

ویژگی‌های آنها را از لحاظ مختلف بالاخص شرایط الحاق به سازمان تجارت جهانی بررسی خواهیم کرد.

در فصل سوم به بررسی سازمان سازمان تجارت جهانی در ارتباط با ایران می‌پردازیم. مسئله اساسی ما در این فصل این است که اگر ایران به سازمان تجارت جهانی ملحق شود الزاماً چه تحولاتی در ساختار اقتصادی، حقوقی خود باید بدهد و از این بررسی به دنبال این نتیجه خواهیم بود که بخش سیمان و بطور کلی تر صنعت ایران دچار چه تحولاتی خواهد شد. از این نتایج در فصول بعد برای بررسی‌های مشخص بر صنعت استفاده خواهیم کرد. لذا با مروری بر سازمان تجارت جهانی و ویژگی‌های آن به شرح موافقتنامه‌های اصلی آن می‌پردازیم که به نحوی در ارتباط با صنعت قرار دارد و در این میان پس از مروری کلی بر الزامات ناشی از الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی تک‌تک موافقتنامه‌های این سازمان را با شرایط فعلی ایران مقایسه می‌کنیم. مقایسات انجام شده کلی هستند و شامل همه بخش‌های صنعتی منجمله سیمان می‌شوند. لذا برای جلوگیری از تفصیل مطلب سعی شد تا بسیاری از جزئیات مربوطه درج نشود.

سازمان تجارت جهانی (World Trade Organization WTO) در سال ۱۹۹۵ شکل گرفت، این سازمان یکی از جوانترین سازمانهای بین‌المللی و در حقیقت جانشین موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (General Agreement on Tariff and Trade GATT) می‌باشد که پس از جنگ جهانی دوم تاسیس شده بود. بدین ترتیب می‌توان گفت هر چند سازمان تجارت جهانی هنوز جوان است اما نظام تجارت چند جانبه که تحت گات شکل گرفت قدمتی پنجاه

ساله دارد. طی پنجاه سال گذشته جهان شاهد رشدی چشمگیر در تجارت جهانی بوده است، بطوریکه صادرات کالا هر ساله به طور متوسط رشدی معادل ۶ درصد داشته و کل حجم تجارت در سال ۱۹۹۷، چهارده برابر سال ۱۹۵۰ بود که این روند رشد بی سابقه‌ای داشته است.

نظام تجارت جهانی از طریق یک سری دور مذاکرات تجاری تحت موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گات شکل گرفت نخستین دور مذاکرات اساساً در مورد کاهش تعرفه‌ها بود لکن مذاکرات بعدی سایر زمینه‌ها از قبیل معیارها و ضوابط غیر تعرفه‌های و ضوابط ضد دامپینگ (فروش زیر قیمت) را نیز در بر گرفت، از مهمترین دور مذاکرات که بین سالهای ۹۴ - ۱۹۸۶ بود و به دور اروگوئه معروف است منجر به تشکیل سازمان تجارت جهانی گردید. البته مذاکرات به این مرحله ختم نگردید و برخی از آنها بعد از پایان دور اروگوئه نیز ادامه یافت چنانچه در سال ۱۹۹۷ توافقاتی در زمینه خدمات ارتباطات راه دور حاصل شد که ۶۹ دولت در مورد برقراری معیارهای گسترده آزاد سازی فراتر از موافقتنامه دور اروگوئه در آن به توافق رسیدند.

در همان سال، چهل دولت با موفقیت مذاکرات خود را در زمینه تجارت آزاد تولیدات فن آوری اطلاعات پایان بخشیدند و هفتاد عضو یک تعهدنامه انجام خدمات مالی را در زمینه پوشش بیش از ۹۵ درصد معاملات تجاری بانکها، بیمه و اطلاعات مالی و اوراق قرضه امضاء کردند. در سال ۲۰۰۰ مذاکرات جدید در زمینه خدمات و کشاورزی آغاز شد این دور مذاکرات وارد برنامه‌های وسیعتری در اجلاس توسعه دوحه (DDA) که در چهارمین کنفرانس

وزیران سازمان تجارت جهانی در دوحه، قطر، در نوامبر ۲۰۰۱ بود گردید، بر اساس بیانیه دوحه، دور جدید مذاکرات که از آخر ژانویه ۲۰۰۲ آغاز شده است باید تا پایان ژانویه سال ۲۰۰۵ به پایان برسد. در دور دوحه مذاکرات و سایر کارهایی در زمینه محدودیتهای غیر تعرفه‌ای کشاورزی، تجارت و محیط زیست، برخی مقررات سازمان تجارت جهانی از قبیل اعطای یارانه، قوانین ضد دامپینگ، سرمایه‌گذاری، سیاستهای رقابتی، تسهیلات تجاری، شفافیت در مقررات خریدهای دولتی، حقوق معنوی، مالکیت، و یک سری از مسائلی که تحت عنوان مشکلات کشورهای در حال توسعه در بکارگیری موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی است، صحبت می‌گردد.

در فصل چهارم برخی از کشورهای منتخب جهان را از لحاظ مختلف بالاخص شرایط الحاق به سازمان تجارت جهانی بررسی خواهیم کرد. از جمله مسائل مورد بحث در این بخش کاهش تعرفه‌ها در اثر الحاق به سازمان تجارت جهانی است که از الزامات الحاق به سازمان تجارت جهانی است. این موضوع را با تأکید بیشتر بر بخش کانی‌های غیرفلزی مورد بحث قرار خواهیم داد. ارتباط کشورهای خلیج فارس و سازمان تجارت جهانی از اهمیت ویژه‌ای در منطقه برخوردار است لذا با تفصیل بیشتری اثر الحاق به سازمان تجارت جهانی بر اقتصاد کشورهای منطقه را بررسی خواهیم کرد. یکسان سازی تعرفه‌ها در کشورهای خلیج فارس و مباحث دیگری نظیر موانع غیر تعرفه‌ای و الزامات مربوط به آژانسهای داخلی و محدودیت خرید دولتی و ممنوعیت ورود برخی اقلام و الزام محدود کننده برچسب‌ها و دورنمای تجارت منطقه از جمله

این مباحث هستند.

عدم توانائی انطباق کشورهای در حال توسعه با سازمان تجارت جهانی با تأکید بر مسائلی نظیر آزادسازی تجاری و موضوعات سرمایه گذاری و شفافیت خریدهای دولتی و سیاست رقابت و تعرفه‌های صنعتی از مباحث بعدی در این فصل هستند.

به دلیل اهمیت مسائل محیط زیست در جهان کنونی و اصرار زیاد کشورها بر رعایت موارد زیست محیطی و اهمیت این مباحث در باب صنعت سیمان در قسمت بعد پس از شرحی بر اقدامات کشورهای اروپایی برای حفظ محیط زیست در ارتباط با صنعت سیمان به شرح موافقتنامه ریودوژانیرو، پروتکل کیوتو، کنوانسیون اروهوس و طرح بازار بورس خرید و فروش مجوز تولید گاز انیدرید کربنیک (European Emission Trading Scheme Eu-ETS) می‌پردازیم. طرح اخیر که از سال ۲۰۰۵ به اجرا در می‌آید آثار مهمی بر صنعت سیمان دارد و در سالهای آینده خیلی گسترش خواهد یافت و انتظار می‌رود که این پدیده به بازارهای مالی کشورهای دیگر جهان سرایت کند و لذا ورود به این مبحث بسیار مهم می‌باشد. در ضمیمه مصوبه پارلمان اروپا در این باب آورده شده است.

موانع تجاری به انحاء مختلف می‌توانند در اقتصاد ظاهر شوند ولی اعم آنها در قالب مباحث تعرفه‌ای و موانع غیرتعرفه‌ای و گمرکی قابل طبقه‌بندی هستند. در فصل پنجم به بررسی ماهیت این عوامل در بازرگانی صنعتی و بالاخص سیمان خواهیم پرداخت. موانع غیرتعرفه‌ای

یکی از موارد مهم مورد نظر سازمان تجارت جهانی می‌باشد که در صورت الحاق ایران به آن سازمان باید تغییر شکل یافته و حتی المقدور به تعرفه تبدیل شوند. موانع غیرتعرفه‌ای در بازرگانی خارجی ایران تنوع زیادی داشته و در سالهای اخیر بسیار تقلیل یافته‌اند. در این ارتباط موانع وارداتی و صادراتی را بررسی نموده و سپس به ارزیابی موانع غیرتعرفه‌ای در بازرگانی صنعتی ایران از لحاظ ماهوی خواهیم پرداخت. این بحث را بطور خاص در بخش موانع غیرتعرفه‌ای در کانی‌های غیرفلزی ادامه خواهیم داد. مبحث موانع گمرکی از مباحث مندرج در بخش موانع غیرتعرفه‌ای می‌باشد.

با بررسی ساختار کلی تعرفه در ایران به تعرفه‌های سیمان خواهیم پرداخت. حمایت مؤثر در صنایع و نرخ مؤثر حمایت در صنایع ایران در زمینه تعرفه‌ها از مباحث این بخش می‌باشند. تعرفه‌ها نیز همانند موانع غیرتعرفه‌ای هنگام الحاق به سازمان تجارت جهانی دچار تغییر و کاهش خواهند شد. نظر به اینکه الحاق به سازمان تجارت جهانی مستلزم آزادسازیهای قیمتی است در انتها مروری نیز بر موضوع قیمت‌گذاری سیمان خواهیم داشت.

در فصل ششم به موضوع الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی از دو جنبه کیفی و کمی می‌پردازیم. از لحاظ جنبه کیفی این الحاق عملاً باعث می‌شود که ایران در راستای پذیرفتن موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی الزاماً باید اصلاحاتی را در ساختار حقوقی، مالی و اقتصادی خود بپذیرد که این امر می‌تواند سبب بهبود ساختار اقتصادی ایران شود. از طرف دیگر حرکت ایران با جهت حرکت اقتصاد جهان همسو خواهد شد که در بلند مدت آثار حسن

زیادی بر اقتصاد ایران خواهد گذاشت. از بُعد کمی به دلیل اینکه ایران یک کشور صادر کننده نفت است و نفت از اقلام مشمول مقررات سازمان تجارت جهانی خارج است و نسبت صادرات به واردات ایران بسیار کم و در حدود ربع می‌باشد الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی اگر باعث افزایش نرخ رشد صادرات و واردات به صورت یکسان هم شود چون واردات بسیار بیشتر از صادرات غیرنفتی است نتیجتاً باعث بدتر شدن تراز بازرگانی خارجی ایران نیز خواهد شد. به هر حال علیرغم این وضعیت کلی برای اقتصاد کشور به همه بخش‌ها قابل تسری نیست و الحاق به سازمان تجارت جهانی می‌تواند تراز تجاری برخی از بخش‌ها یا زیربخش‌ها یا حتی کالاها را بهبود دهد.

جنبه‌های کمی آثار الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر بازرگانی خارجی از دو منظر قابل بررسی است. منظر اول از اثر اعمال قیمت‌های جهانی و حذف یارانه‌ها بر عوامل تولید داخلی و نتیجتاً بهای تمام شده محصولات بر قابلیت رقابت کالاهای داخلی و خارجی پیدا می‌شود. منظر دوم اثر کاهش تعرفه‌ها در اثر الحاق به آن سازمان است که قیمت کالاهای داخلی و خارجی را در خارج و داخل کشور تغییر داده و سبب تغییر در میزان صادرات و واردات می‌گردد. در این فصل به اندازه‌گیری این دو اثر اساسی الحاق به سازمان تجارت جهانی بر صنعت سیمان خواهیم پرداخت.

در ادامه مروری مختصر خواهیم داشت بر مطالب ۶ فصل گذشته.

خلاصه مطالب فصل اول

در این فصل به بررسی ساختار اقتصادی سیمان در ایران پرداختیم. سیمان در ایران از قدمت ۷۰ ساله برخوردار است و اولین واحد سیمان در سال ۱۳۱۲ در شهرری با ظرفیت ۱۰۰ تن در روز بنا شد و در حال حدود ۴۰ واحد تولیدی با ظرفیت بیش از حدود ۱۰۰ هزار تن در روز و یا ۳۰ میلیون تن در سال به تولید سیمان اشتغال دارند. صنعت سیمان همواره تحت حمایت دولت بوده، و در حال حاضر ایران از مصرف کنندگان مهم این محصول معدنی در جهان می‌باشد.

روند کند اجرای طرح‌های سیمان و تقاضای روزافزون سیمان همواره به عدم تعادل بین عرضه و تقاضای این کالا منجر شده و با قیمت گذاری‌های دولتی، موجب به وجود آوردن بازار سیاه و سیستم چند نرخ سیمان گردیده است و مسلماً در صورتیکه عرضه سیمان نتواند، تقاضای بازار را اشباع نماید، بازتاب منفی آن بر افزایش قیمت مسکن و نیز تشدید بیکاری نیز تأثیر خواهد گذاشت.

برای ایجاد یک واحد یک میلیون تنی سیمان در سال تقریباً به بیش از ۱۰۰۰ میلیارد ریال سرمایه و حدود ۳-۵ سال وقت لازم است. بخشی از ماشین‌آلات تولید سیمان در ایران تولید نمی‌شوند و بایستی از خارج از کشور وارد گردند. در سال‌های اخیر پیشرفتهای زیادی در زمینه تولید تجهیزات کارخانجات سیمان در ایران صورت گرفته و وابستگی این صنعت را به تجهیزات خارجی تا ۳۰٪ کاهش داده است. سرمایه گذار عمده در بخش سیمان تا کنون دولت

و بانکها بوده‌اند و بخش خصوصی به دلیل حجم زیاد سرمایه و حاشیه سود پایین و قیمت گذاری دولتی تمایل کمتری به سرمایه گذاری در صنعت سیمان دارد.

پیش‌بینی‌های مراجع دولتی نیاز کشور به سیمان را هم اکنون ۳۱ میلیون تن برآورد می‌نمایند. عرضه سیمان کارخانجات سیمان در حال حاضر ۳۰ میلیون تن می‌باشد و کسری یک میلیون تنی باعث تفاوت قیمت بازار آزاد و نرخ‌های مصوب دولت شده است. مراجع رسمی دولتی نیاز کشور برای سال ۱۴۰۰ را حدود ۶۰-۷۰ میلیون تن برآورد می‌نمایند که تأمین این مقدار سیمان سرمایه‌گذاری در ۳۰ تا ۳۳ واحد ۳۰۰۰ تنی در روز را لازم دارد.

مباحث بیشتری راجع به پیدایش سیمان و انواع آن و استانداردهای سیمان در ایران برای اطلاع فنی این بحث درج شده است. تاریخچه و تحولات سیمان کشور از جمله مباحث بعدی این فصل است.

طبق برنامه حداقل افزایش ظرفیت تولید تا حد ۶۰ میلیون تن در دستور کار قرار گرفته است. توسعه صنعت سیمان از دو جهت مورد تأکید می‌باشد، یکی افزایش طبیعی جمعیت است که بنظر می‌رسد تا سال ۱۳۸۵، از مرز یکصد میلیون نفر تجاوز نماید و دیگر جوان بودن جمعیت کشور است که بنظر می‌رسد با ورود نیمی از جمعیت که در حال حاضر در دالان سنی زیر ۲۰ سال قرار دارند، نیاز به واحدهای مسکونی، تقاضای این کالا را نیز به شدت افزایش داده و در صورت عدم برنامه‌ریزی مطلوب، کشور را با مسائل و مشکلات سیاسی و اجتماعی روبرو

خواهد ساخت. سرانه مصرف سیمان در کشور چیزی در حدود ۳۶۰ کیلوگرم است در حالیکه برای ۲۰ سال آینده، این رقم در حد ۶۰۰ کیلوگرم برای هر فرد پیش بینی می‌شود.

در بخش بعدی به جزئیات عرضه سیمان پرداختیم و عوامل مؤثر در عرضه سیمان را بررسی کردیم. بطور کلی می‌توان نوسانات نرخ بهره‌برداری از ظرفیتهای تولید سیمان را تابعی از متغیرهای مدیریتی و محیطی دانست و در این میان نقش متغیرهای محیطی در فقدان امکان بهره‌برداری از ظرفیتهای خالی موجود، ارتباط بیشتری داشته است. می‌توان گفت از جمله عوامل مؤثر محیطی، موقعیت مکانی کارخانه تولید سیمان نسبت به مراکز و بازارهای مصرف است. در اینحال تقاضای سیمان نیز تابعی از رونق و رشد فعالیت‌های ساخت و ساز، عمرانی و بازار مسکن می‌باشد که تا حد زیادی بستگی به شرایط محیطی و آب و هوایی و اقتصادی دارد. با توجه به اینکه از یک طرف ویژگیهای شیمیایی سیمان امکان ذخیره بلند مدت آنرا سلب می‌نماید و خواص فیزیکی آن امکانات و فضای پر حجم و گسترده‌ای را برای ذخیره سازی می‌طلبد، نرخ بهره‌برداری از ظرفیتهای نیز با تبعیت از این شرایط در فصول سرد رو به کاهش گذاشته و در فصول گرم، معمولاً با افزایش مواجه است. اگرچه می‌توان با در نظر گرفتن تنوع آب و هوایی کشور، با حمل محصول به مناطق دارای تقاضای بیشتر، در فصول کاهش تقاضا، از شدت اثرگذاری پدیده فصلی کاست، لیکن تحمیل هزینه‌های بالای حمل و نقل و بسته بندی، این امکان با محدودیت مواجه می‌شود.

معمولاً تولید سیمان در واحدها بین ۳۰۰ تا ۳۳۰ روز از سال و در سه نوبت کاری صورت می‌گیرد و بهمین علت با توجه به استهلاک و عمر ماشین‌آلات و کوره‌ها، توقف یک تا دو ماه از سال برای انجام تعمیرات و بازسازی اجتناب‌ناپذیر است. البته این دوران توقف همواره در محاسبه ظرفیت اسمی مد نظر قرار می‌گیرد. در صورتیکه برنامه‌ریزی عمومی برای دوره بازسازی کارخانه‌ها وجود نداشته باشد، ممکن است تفاوت ناگهانی عرضه و تقاضا، قیمت‌ها را بیش از حد واقعی نشان دهد و همین امر موجب دخالت دولت شده و نهایتاً منجر به نوسانات ناخودآگاه در ظرفیتهای تولیدی گردد.

عرضه سیمان در سالهای آینده تحت تاثیر دو عامل قابل پیش‌بینی است، یکی از طریق افزایش ظرفیت بهینه‌سازی کارخانه‌های موجود سیمان و دیگر از طریق راه‌اندازی واحدهای جدید تولید سیمان. با بدست آوردن ظرفیت اسمی تولید سیمان نهایتاً به پیش‌بینی تولید سیمان خواهیم پرداخت.

با توجه به فرسودگی ماشین‌آلات صنعت سیمان، برنامه بهبود ظرفیتهای تولیدی را در واحدهای سیمان ارائه شده است. تا سال ۱۳۸۵، افزایش ظرفیت اسمی از طریق بهبود خطوط فرسوده به میزان ۸/۷ میلیون تن افزایش خواهد یافت. عرضه تولید سیمان از طرف دیگر از طریق راه‌اندازی واحدهای جدید نیز قابل در سالهای آتی افزایش قابل پیش‌بینی خواهد داشت. در این حال طبق برنامه‌های منتشره می‌توان افزایش توان تولید را از این طریق نیز ملاحظه کرد. در این

حال نیز می‌توان امیدوار بود که با توجه به راه اندازی واحدهای جدید ظرفیت تولید سیمان کشور تا سال ۱۳۸۵ حدود ۱۱/۵ میلیون تن افزایش یابد.

مبحث عرضه را با بررسی تولید کنندگان کانی‌های غیرفلزی در قالب کارگاههای کوچک و بزرگ و از لحاظ شاخصهای مختلف ارزش افزوده و اشتغال و مالکیت بررسی می‌نماییم و با برشماری کارخانجات سیمان اشاره‌ای به فرآیند و استاندارد تولید سیمان در آنها داریم.

برای بررسی عرضه سیمان با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی و بکارگیری آمار سری زمانی ۴۰ ساله، عوامل مختلف در رابطه با عرضه سیمان مورد بررسی قرار گرفتند که خلاصه آن در الگوی اقتصادسنجی عرضه سیمان درج گردید. ملاحظه می‌شود که ظرفیت سازی، مهمترین نقش را در عرضه سیمان داشته در حالیکه قیمت عمده فروشی سیمان نقش ضعیف‌تری را در عرضه سیمان بازی می‌نماید و این امر حاکی از نقش عوامل برونزا و مشکلات ناشی از قیمت گذاری دولتی در راه توسعه این صنعت بوده است.

عرضه سیمان را با استفاده از اطلاعات روند بهینه سازی کارخانه‌های موجود سیمان و روند افزایش ظرفیت تولید از طریق راه اندازی واحدهای جدید سیمان با استفاده از رگرسیون دیگری که قیمت در آن مطرح نیست پیش بینی نمودیم و با استفاده از اطلاعات افزایش ظرفیت در سالهای آینده رگرسیون فوق را برای سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ حل می‌کنیم. به عبارت دیگر با

حل این معادله عرضه سیمان برای سالهای مزبور پیش‌بینی می‌شود.

در مبحث بعدی به تقاضای سیمان می‌پردازیم تا در نهایت بتوان عرضه و تقاضای سیمان در سالهای آیه را با یکدیگر مقایسه نمود. در بخش تقاضای سیمان سهم مصرف سیمان در هر یک از بخشهای کشور و مصرف مناطق را ملاحظه می‌نماییم و ضمن نگاهی بر موقعیت سیمان ایران در منطقه تقاضای آینده سیمان را بررسی می‌کنیم. ایران در حوزه خاورمیانه، بعد از مصر، دومین مقام تولید در خاور میانه را داراست.

با استفاده از مدل اقتصادسنجی سیمان، تقاضای سیمان را بررسی و پیش‌بینی می‌نماییم. تقاضای سیمان علاوه بر قیمت، تحت تاثیر عوامل مختلفی مثل افزایش درآمد سرانه و توسعه کمی و کیفی مسکن و ساختمان همواره با یک روند صعودی رو به افزایش بوده است. پیش‌بینی‌های مختلف حاکی از افزایش تقاضای سیمان در سالهای آتی است و با توجه به اهمیت ساختمانهای بتنی در سالهای آینده و به خصوص تحکیم این ساختمانها در مناطق زلزله‌خیز مختلف ایران، تقاضا برای سیمان بیش از پیش از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. نظر به اینکه متغیر قیمت در پیش‌بینی روندهای بلندمدت کاربرد زیادی ندارد لذا از الگوی دومی برای پیش‌بینی مصرف سیمان استفاده نمودیم. طبق برآوردهای مدل‌های متعدد تاثیرپذیری تقاضا ناشی از افزایش ارزش افزوده بخش ساختمان در تولید ناخالص داخلی غیرنفتی محسوس ملاحظه شدند. براساس افزایش تولید ناخالص داخلی در برنامه چهارم و با استفاده از الگوی مزبور، تقاضای سیمان پیش‌بینی شد.

با توجه به توسعه صنعت سیمان و پیش بینی تقاضای داخلی این محصول می توان صادرات سیمان در ایران را پیش بینی نمود. لذا در مبحث بعد به صادرات و صادرکنندگان سیمان پرداختیم. با توجه به افزایش ظرفیت کارخانه های سیمان، و جدول زیر، عرضه و تقاضای سیمان در کشور باعث ایجاد مازاد عرضه به میزان جدول زیر خواهد شد که امکان صدور آن به خارج از کشور باید فراهم شود. جدول زیر از مقایسه پیش بینی های بخشهای قبلی در مورد عرضه و تقاضای سیمان بدست آمده و در آن روند عرضه و تقاضا و تولید قابل صدور سیمان برای سال های آینده مشخص گردیده است. لازم به ذکر است که ارقام تولید سیمان مبتنی بر ظرفیت سازی های مقرر در برنامه های ارائه شده برای سالهای مذکور در جدول زیر است و چنانچه این ظرفیت سازیها طبق برنامه پیش نرود نه تنها مازاد قابل صدور نخواهیم داشت بلکه کسری هم در سیمان کشور وجود خواهد داشت.

برآورد عرضه، تقاضا و تولید قابل صدور سیمان (میلیون تن)

سال	تولید سیمان	مصرف سیمان	مازاد قابل صدور
۱۳۸۳	۳۳/۲	۲۹/۲	۴/۰
۱۳۸۴	۳۷/۸	۳۱/۴	۶/۴
۱۳۸۵	۴۲/۱	۳۳/۸	۸/۳
۱۳۸۶	۴۶/۸	۳۶/۵	۱۰/۳
۱۳۸۷	۵۱/۷	۳۹/۵	۱۲/۲

در حال حاضر بیش از ۳۰ میلیون تن سیمان در سال در ایران تولید می‌شود که این رقم، ایران را در رده تولیدکنندگان مهم سیمان قرار داده است. طبق برآورد فوق، اضافه تولید سیمان در ایران تا سال ۱۳۸۷، به بیشتر از ۲۵ میلیون تن خواهد رسید، و با توجه به نیاز کشورهای همسایه، امکان صدور این صنعت بیش از پیش فراهم می‌گردد. علاوه بر بازارهای صادراتی کشورهای حوزه خلیج فارس و نیز دریای خزر، امکان پیوستن افغانستان و عراق به کشورهای واردکننده سیمان از ایران کاملاً قابل پیش‌بینی است و بنابراین توسعه و رشد تولید سیمان نیازمند الزاماتی است که همچنان باید در مورد آن برنامه‌ریزی نمود. برنامه‌ریزی دقیق و جدی برای امکانات خاص بارگیری و تجهیز بنادر و نیز امکانات نگهداری و دپوی مناسب با توجه به شرایط آب و هوایی مد نظر قرار گیرد زیرا در غیر این صورت کارخانه‌های تولیدکننده سیمان، با کاهش قیمت سیمان ناشی از عرضه زیاد سیمان در سالهای آینده، ناگزیرند ظرفیتهای تولیدی ممکن را کاهش داده و یا با رقابتی ناسالم در بازار فعالیت نمایند. در این حال احتمال بحران در این صنعت استراتژیک افزایش خواهد یافت.

در وضعیت فعلی فقط ۲۰ تا ۳۰ درصد تجهیزات و ماشین‌آلات مورد نیاز تولید سیمان از طریق واردات تامین می‌شود، در حالیکه می‌توان با ارتقاء فناوری، این نسبت را که شامل جعبه دنده، سنگ شکن‌ها و موتورهای برقی است، با استفاده از تخصص داخلی به حداقل ممکن نزدیک نمود. یکی از مباحث مهم در تسخیر مداوم بازارهای صادراتی امکان دستیابی متخصصین داخلی به دانش لازم برای تولید ماشین‌آلات مورد نیاز وارداتی است.

موضوع بعدی قیمت سیمان است. بازار فعلی سیمان شاهد قیمت گذاری دولتی و نتیجتاً وجود بازار موازی فروش سیمان است. این پدیده ناشی از همان اشتباه قدیمی سیاستگزاری در ایران است که نفع اقتصاد کشور را حمایت از مصرف کننده می داند. در صورتی که حمایت از مصرف کننده به نوعی زیان مصرف کننده خواهد بود. تاکنون اقدام مؤثری جهت اجرای مصوبات مربوط به آزادسازی قیمت سیمان صورت پذیرفته است و این در شرایطی است که صنعت فولاد که تقریباً صنعت جایگزین سیمان می باشد و تمام سهام آن متعلق به دولت است از سال گذشته نیز به نرخ تعادلی و بیش از ۵۰ درصد قیمت جهانی مورد معامله قرار گرفته و اخیراً نیز در بورس فلزات به قیمت لحظه ای و روزانه براساس مکانیزم عرضه و تقاضا مورد داد و ستد قرار می گیرد. تنظیم عرضه و تقاضای سیمان، بایستی هماهنگ با قیمت فولاد که در مواردی به عنوان کالای جایگزین سیمان می باشد، توأم گردد. در حال حاضر قیمت فولاد نسبت به قیمت سیمان در معیار جهانی، حدود ۵ به ۱ است. در حالی که این قیمت در ایران، حدود ۱۸ به ۱ بوده و بیانگر بیش از حد ارزان بودن قیمت سیمان و به تبع، مصرف غیرکارای سیمان خواهد شد. قیمت سیمان در ایران در سال ۱۳۷۹ برای هر تن ۲۰ دلار بود در حالیکه این قیمت برای ارزانترین کشورها مثل هندوستان، روسیه و چین در همان سال به ترتیب برابر ۳۱، ۳۸، ۳۶ دلار گزارش شده است. قیمت سیمان هندوستان در سال ۱۳۸۳ به ۳۸ دلار افزایش یافت و این در حالی است که قیمت مصوب سیمان ایران (فروش داخلی) برابر حدود ۳۳ دلار می باشد که همچنان ارزانتر از قیمت های بین المللی است. قیمت سیمان هندوستان در سال ۱۳۸۳ به ۳۸ دلار

افزایش یافت و این در حالی است که قیمت مصوب سیمان ایران (فروش داخلی) برابر حدود ۳۳ دلار می‌باشد که همچنان ارزانتر از قیمت‌های بین‌المللی است. با توجه به اینکه مواد اولیه تولید سیمان، آهک، خاک رس و سنگ گچ، در ایران به وفور وجود دارد و معمولاً کارخانه‌های سیمان در نزدیکی این معادن فعالیت می‌نمایند هزینه تولید سیمان بسیار ارزان‌تر از دیگر کشورها می‌باشد. هزینه‌های انرژی شامل هزینه‌های برق، مازوت، گاز، نفت گاز است که معمولاً با قیمت یارانه‌ای در اختیار کارخانه‌ها قرار می‌گیرد.

متوسط قیمت بازار آزاد سیمان خاکستری و سفید در مقایسه با قیمت‌های رسمی در همه مناطق یکسان نیست و بنابراین زمان توقف تولید کارخانه‌ها، می‌تواند نوسانات قیمتی را در مناطق مختلف بیشتر نماید. در عین حال هر چه دخالت دولت در تعیین قیمت سیمان کمتر شود و قیمت‌گذاری سیمان بر عهده نیروهای بازار گذاشته شود، تعادل قیمتی باثبات‌تری برقرار می‌شود، بلکه این امر می‌تواند نقش مهمی در توسعه ظرفیت قابل بهره‌برداری و نیز نوسازی کارخانه‌های قدیمی‌تر سیمان داشته باشد. این امر، یعنی برقراری قیمت تعادلی برای سیمان، نه تنها بخش خصوصی را برای سرمایه‌گذاری در این صنعت تشویق خواهد نمود، بلکه به تدریج بازار سیاه سیمان را نیز محدود خواهد ساخت. به عبارت دیگر قیمت‌گذاری دولتی باعث از بین رفتن انگیزه‌های سرمایه‌گذاران نهادی و خصوصی در این صنعت خواهد شد. لازم به ذکر است که طبق برآوردهای انجام شده توسط وزارت صنایع و معادن، با توجه به رشد جمعیت و جوان بودن جمعیت آن و اجرای پروژه‌های عمرانی در آینده ایران در سال ۱۴۰۰ به ۷۰ میلیون تن

سیمان احتیاج خواهد داشت. به عبارت دیگر بر طبق ارقام فوق می‌بایست سالانه دو میلیون تن به ظرفیت سیمان کشور افزوده شود. این در حالی است که هم اینک برای سرمایه‌گذاری در ساخت یک کارخانه یک میلیون تنی در سال به سرمایه‌ای بالغ بر یک هزار میلیارد ریال احتیاج دارد که با توجه به سنگین بودن هزینه فوق عملاً دولت قادر به سرمایه‌گذاری نخواهد بود؛ لذا باید زمینه لازم برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنعت فوق فراهم شود.

سیمان روی شبکه حمل و نقل کشور دارای تأثیر زیادی بوده و در رتبه اول قرار دارد. در سالهای آتی که ظرفیت تولید سیمان افزایش نیز خواهد یافت این اهمیت بیشتر نیز خواهد شد. در سال ۱۳۸۱، ۲۳/۲ میلیون تن سیمان در سطح کشور حمل شده است که ۱۴٪ از کل حمل و نقل کالا در آن سال را تشکیل می‌دهد. متوسط هزینه هر تن - کیلومتر طی شده در سطح کشور ۱۳۳ ریال است که به طور متوسط هزینه هر تن کیلومتر طی شده در سطح درون استان ۲۳۷ ریال و در سطح برون استانی ۱۲۶ ریال در سال ۱۳۸۱ می‌باشد. هزینه هر تن - کیلومتر طی شده در سطح کشور برای حمل سیمان ۱۷۱ ریال است. حدود ۲۳۱۵۸ میلیون تن حمل و نقل کالا در کشور در سال ۱۳۸۱ متعلق به سیمان بوده و هزینه‌ای معادل ۳۹۶۰ میلیارد ریال هزینه حمل سیمان در سال ۱۳۸۱ بوده است. قیمت حمل سیمان بالاتر از متوسط قیمت حمل سایر کالاها می‌باشد.

اکثر کارخانجات در مناطق شمال، شمال غربی، غرب و جنوب غربی مستقر هستند. حجم بالای تولید سیمان مربوط به کارخانه‌های تهران و سپاهان اصفهان می‌باشد و این در حالی

است که حجم بالای تقاضای سیمان مربوط به استان خوزستان بوده است، همچنین از جمله استانهایی که بیشترین تقاضای سیمان را داشته‌اند استانهای تهران، اصفهان، فارس، مازندران و گیلان را می‌توان نام برد. بطور مثال میزان تولید کارخانجات سیمان در استان خوزستان در سال ۱۳۷۹، ۱/۷۶ میلیون تن بوده است (۷/۴ درصد از کل کشور)، این در حالی است که مقدار تقاضای استان در سال مذکور ۳/۰۵ میلیون تن (۱۵ درصد از کل کشور) می‌باشد. و یا در استان فارس با وجود چهار کارخانه سیمان و تولید سالانه نزدیک به ۱/۴ میلیون تن (۵/۶ درصد از کل کشور)، در سال مذکور تقاضای ۱/۶ میلیون تن (۸ درصد از کل کشور) را داشته است به همین دلیل نزدیک به ۴۰۰ هزار تن سیمان به استان وارد نموده که با متوسط مسافت طی شده ۵۳۸ کیلومتر در هر سفر نشانگر عدم برنامه ریزی در حمل و نقل این کالا و صرف هزینه‌های اضافی در سطح منطقه می‌باشد.

وضعیت حمل سیمان از نظر بعد مسافت در سطح کشور بدون در نظر گرفتن مبادی، در وضعیت نسبتاً مناسبی است بطوریکه هر چقدر طول مسافت سفر سیمان افزایش می‌یابد، میزان حمل آن کاهش یافته است. حدود ۹۰ درصد حمل سیمان در زیر ۵۰۰ کیلومتر انجام شده است که البته نباید به این مسئله زیاد خوش بین بود چرا که می‌بایست این رقم (بعد مسافت) را تا حد امکان کاهش داد. گزارشات حمل سیمان به تفکیک مبادی بر حسب کیلومتر طی شده نشان می‌دهند که تعدادی از استانها در مسافت‌های بالا حتی بالای ۱۰۰۰ کیلومتر دارای حمل سیمان با تناژ بالا می‌باشند. اگر با برنامه‌ریزی‌های لازم بتوان شعاع مسافت سفرهای سیمان را تا

۲۰۰ کیلومتر کاهش داد، ۳۵ درصد از حمل مضاعف سیمان در سطح کشور کاسته می‌شود که آن نیز موجب کاهش حجم بالایی از هزینه‌های ناشی از حمل و نقل سیمان در مسافتهای بالا خواهد بود. در منطقه جنوب غربی تولید سیمان به میزان تقاضای آن نیست و در منطقه شمال غربی با مازاد تولید سیمان نسبت به مقدار تقاضای آن مواجه هستیم. این امر باعث سفرهای حمل و نقل سیمان از مناطقی که دارای مازاد تولید هستند به مناطقی که تقاضای بیشتری دارند می‌شود. بیش از سه چهارم سیمان کشور در فاصله‌های کمتر از ۲۰۰ کیلومتر حمل می‌شود و فقط به استان تهران اشاره می‌نمائیم که ۱۱/۸٪ از سیمان حمل شده در ایران در فاصله کمتر از ۱۰۰ کیلومتر در استان تهران اتفاق افتاده است. در حال حاضر علیرغم اینکه برنامه‌های توزیع سیمان برای کارخانجات سیمان تهیه می‌شود ولی همچنان طولانی بودن سفرهای سیمان را باز با برنامه‌ریزی بیشتر می‌توان کوتاه نمود.

در صنعت سیمان، هزینه انرژی سهم بالایی را نسبت به کل هزینه‌های تولید دارا می‌باشد. از لحاظ مصرف انرژی استانهای اصفهان، خوزستان، تهران در اولویت هستند. در بررسی‌های بهینه‌سازی سوخت در صنعت سیمان در سال ۱۳۷۹ اداره بهینه‌سازی مصرف سوخت به منظور شناسایی میزان مصرف انرژی، نوع تجهیزات و تکنولوژی‌های تولید، مصرف ویژه انرژی و آگاهی یافتن از اقدامات انجام شده و یا قابل انجام در صنعت سیمان، بررسی‌هایی در قالب پروژه‌های تحقیقاتی انجام داد که منجر به تهیه بانکهای اطلاعات انرژی و تکنولوژی در

صنعت سیمان گردید. در اثر انجام اقدامات بهینه‌سازی مصرف انرژی در صنعت سیمان، صرفه‌جویی قابل ملاحظه‌ای در مصارف انرژی الکتریکی و حرارتی حاصل شده است.

استفاده از تکنولوژی روز دنیا در فرایند تولید سیمان کشور می‌تواند میزان مصرف سوخت در این بخش را از یک هزار کیلو کالری به ۶۸۰ کیلو کالری برای تولید هر کیلوگرم سیمان کاهش دهد. میزان مصرف انرژی حرارتی صنعت سیمان کشور، تا هزار کیلوکالری و میزان مصرف انرژی الکتریکی این بخش حول و حوش ۱۱۵ کیلووات ساعت برای تولید هر کیلوگرم سیمان است که مجموعاً شدت مصرف انرژی در این صنعت حدود ۷/۴ گیگاژول بر تن برآورد می‌شود. استفاده از تکنولوژی فرایند خشک در تولید سیمان و استفاده از گریت فن در فرایند خنک‌سازی کلینکر اثر بسیار زیادی بر مصرف انرژی در تولید سیمان خواهد داشت. شدت مصرف انرژی صنعت سیمان (انرژی حرارتی و الکتریکی) کشور حدود ۷/۴ گیگاژول بر تن برآورد شده است که حدود ۵/۱ گیگاژول با سطح استاندارد جهانی خود فاصله دارد.

بیشترین هزینه تولید سیمان مربوط به هزینه انرژی می‌باشد و با گازسوز شدن سوخت این صنعت و کوتاه‌تر شدن پروسه تولید می‌توان انتظار داشت که موانع قابل پیش‌بینی از طرف سازمان محیط زیست کاهش یافته و در صورت اعمال تعرفه‌های متناسب گاز، قیمت تمام شده این محصول نیز بیش از پیش کاهش یابد.

بخش سیمان یکی از مهمترین بخش‌های تولید کننده گاز دی اکسید کربن می‌باشد که اثرات محیط زیستی مهمی را بر اکوسیستم دارد. از سوی دیگر مصرف انرژی در صنعت سیمان به دلیل انرژی‌بر بودن این صنعت و از طرف دیگر حمل و نقل سیمان در شرایط فعلی که بزرگترین قلم کالا در حمل و نقل کشور می‌باشد، سهم بخش سیمان را در آلودگی محیط زیست مهم کرده است لذا در بخش مسائل محیط زیستی سیمان به تفصیل بیشتری به این موضوع می‌پردازیم و مصائب و مشکلاتی که از بابت افزایش گازهای گلخانه‌ای باعث آسیب به محیط زیست می‌شود را بررسی می‌نماییم. پتانسیل کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در کشور بدلیل فرسودگی صنایع مصرف کننده حامل‌های انرژی بالاست. افزایش بهره‌وری انرژی یکی از اقتصادی‌ترین گزینه‌ها برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای با پتانسیلی در حدود ۳۱٪ تا سال ۱۴۰۰ است. با استفاده بهینه از حامل‌های انرژی و افزایش سهم گاز طبیعی در سبد تقاضا می‌توان نرخ رشد انتشار سالانه دی اکسید کربن را از ۴/۲٪ در سال ۱۳۷۸ به ۲/۴٪ در سال ۱۴۰۰ کاهش داد. سیاست‌های کاهش در بخش انرژی کشور بسیار موثرتر از سیاست‌های کاهش در سایر بخش‌ها می‌باشند. در حال حاضر سهم منابع انرژی تجدیدپذیر در تولید برق اندک و هزینه برق تولیدی از آنها بسیار بالاست. از این رو عمده سیاست‌های کاهش بایستی بر جایگزینی سوخت‌های سنگین با گاز طبیعی، برق آبی، سیکل ترکیبی، تولید همزمان گرما و برق از انرژی هسته‌ای متمرکز شود. جایگزینی سوخت و بهینه سازی مصرف انرژی در صنعت سیمان و بخصوص صنایع تولید آهن و فولاد به عنوان سیاست‌های موثر در کاهش انتشار پیشنهاد می‌گردند به گونه‌ای که نرخ بازگشت

سرمایه در صنعت سیمان با اجرای بهره‌وری انرژی و تغییر سوخت به ترتیب ۷۰٪، ۵۰٪ و در صنایع آهن و فولاد به ترتیب ۱۳۴٪ و ۱۸۲٪ است.

در تولید سیمان به ازای تولید هر تن کلینکر حدود یک تن گاز دی‌اکسید کربن در هوا منتشر می‌شود. کاربرد مواد مکمل سیمان و عدم استخراج مواد اولیه خام مانند سنگ آهک و خاک رس برای تولید سیمان، به هم زدگی اکوسیستم را به حداقل می‌رساند. البته مواد مکمل سیمان مصنوعی که اغلب محصولات فرعی و زائدات کارخانه‌های مختلف هستند نیز به نوعی محیط زیست را آلوده می‌کنند ولی مصرف آنها در بتن و یا دفن آنها آلودگی محیط زیست را کاهش می‌دهد. گفتنی است، با مصرف مواد مکمل سیمان عمر مفید سازه‌های بتنی افزایش یافته و خرابیهای زودرس این سازه‌ها نیز کنترل می‌شود.

در حال حاضر میزان تولید گاز دی‌اکسید کربن توسط کارخانجات سیمان حدود ۳۰ میلیون تن در سال می‌باشد و با افزایش ظرفیت‌های تولید سیمان در حد ۷۰ میلیون تن در سال ۱۴۰۰ میزان تولید دی‌اکسید کربن به رقمی معادل تولید سیمان در آن سال خواهد رسید که با توجه به توضیحات ارائه شده در مورد اثر گازهای گلخانه‌ای سهم بخش تولید سیمان ایران در ایجاد آسیب‌های محیط زیستی قابل توجه خواهد بود. از طرفی ۱۴٪ از حمل بار کشور اختصاص به سیمان دارد و لذا ۱۴٪ از آلودگیهای ناشی از شبکه حمل و نقل کشور برعهده بخش سیمان می‌باشد. از طرف دیگر صنایع سیمان کشور حدود ۸۱٪ از انرژی خود را از

سوخت فسیلی تأمین می‌کنند که عاقبت این کار اثرات نامطلوب دیگری بر تولید گازهای گلخانه‌ای دارد.

در مبحث بعدی نگاهی بر سیمان در بازار بورس سهام خواهیم داشت. مزیت اوراق سهام شرکتهای سیمان عبارتند از: در دسترس و ارزان بودن و فراوانی منابع اولیه تولید و امکان نزدیکی کارخانه‌ها به مراکز انبوه مواد اولیه که به این ترتیب ریسک عدم حصول مواد اولیه برای کارخانه را منتفی می‌نماید. بهره‌برداری از سوخت ارزان و انرژی قابل دسترس فراوان که موجب کاهش قیمت تمام شده تولید می‌گردد. برای مثال در صنعت سیمان، هر لیتر مازوت معادل ۷۰ ریال، هر کیلو وات برق ۲۰۰ ریال، هر لیتر گازوئیل ۱۶۰ ریال مصرف می‌شود در حالیکه فقط بهای جهانی هر لیتر مازوت چیزی معادل ۴۵۰ ریال می‌باشد.

بازده نسبتاً مطلوب شرکتهای سیمان در نتیجه سودی است که از بهای تمام شده پایین این کارخانجات بدست آمده که از سوخت ارزان قیمت و هزینه پائین دستمزد برخوردارند. ایجاد یک کارخانه دو هزار تنی، مستلزم حدود ۳۰ میلیون دلار هزینه ارزی و حدود ۳۰ میلیون تومان منابع ریالی است که در صورتیکه به طور یکجا این هزینه را با توجه به ارزش فعلی دلار مورد محاسبه قرار دهیم، می‌توان گفت که هزینه ایجاد این کارخانه، چیزی حدود ۶۰۰ میلیارد ریال خواهد بود. اکنون اگر نرخ تنزیل متوسط را ۳۰ درصد و مدت احداث کارخانه را حدود ۴ سال فرض نمائیم در اینصورت، ارزش حال این سرمایه‌گذاری حدود یک هزار میلیارد ریال می‌شود و در اینصورت با مقایسه ارزش سرمایه‌گذاری و قیمت سهام، می‌توان گفت که برخی از

طرحهای تولید سیمان فاقد توجیه اقتصادی است و صرفاً نمیتوان بر اساس EPS به آینده سهام مطمئن بود. به طور کلی در رابطه با بورس سیمان باید توجه داشت که صرفاً بر اساس مجموع سود سهام، یعنی EPS به اضافه ارزش افزوده سهام، نمیتوان آینده مالی این شرکتها را تضمین نمود.

در حال حاضر شرکتهای سیمان پذیرفته شده در بورس تهران اکثراً قدیمی میباشند و بر مبنای نرخ دلار ۷۰ ریال ایجاد شدهاند. از این رو مبالغ ثبت شده در دفاتر و صورتهای مالی بر مبنای ارزش دفتری آنها میباشد. از آنجایی که صنعت سیمان سرمایه بر بوده و متکی به ماشینآلات سرمایه‌ای میباشد، هزینه استهلاک ماشینآلات بخش مهمی از قیمت تمام شده محصول سیمان را تشکیل می‌دهد. این واحدها هزینه‌های استهلاک کمتری را نسبت به واحدهای جدید التاسیس در قیمت تمام شده سیمان منظور می‌کنند. بنابر این سودهای را که در صورتهای مالی خود نشان می‌دهند این واقعیت را نشان نمی‌دهد. حال اگر این واحدها ماشینآلات خود را به قیمت‌های روز تجدید ارزیابی کنند نه تنها به سوددهی نمی‌رسند بلکه زیانده هم می‌شوند.

سرمایه مورد نیاز برای ایجاد یک واحد یک میلیون تنی سالانه حدود ۱۰۰۰ میلیارد ریال می‌باشد این در حالیست که ارزش روز شرکتهای سیمان در بورس حدود دوتا سه برابر ارزش اسمی آنها به قیمت روز می‌باشد. این مسئله از انحراف بازار از واقعیت حکایت می‌کند.

هر چند عملکرد بازار بورس، کمک بیشتری به ورود بخشهای غیردولتی و عمومی به این صنعت می‌نماید، لیکن باید توجه داشت که با توجه به ارزش افزوده بالای این صنعت و در مجموع قیمت تمام شده پائین تولید، فرصت مطلوبی را برای بهینه سازی تکنولوژی در این صنعت فراهم ساخته است. در حال حاضر مالکیت عمده صنعت سیمان به انحاء مختلف در اختیار دولت و مؤسسات وابسته به دولت است. همانطور که در همه کشورهای ملاحظه شده دولتی بودن مالکیت تولید عملاً باعث گران شدن بهای تمام شده محصولات می‌شود. سیاستهای خصوصی سازی در سیمان به نحو عمده به طوری که مدیریت را از بخش دولتی سلب و در اختیار بخش خصوصی قرار دهد می‌تواند تحولات عمده‌ای در بخش سیمان پدید آورد.

در سرمایه گذاری‌های سیمان می‌توان به دریافت تسهیلات ارزی از طریق صندوق ذخیره ارزی اشاره نمود. بسیاری از بانک‌ها به عنوان بانک عامل در زمینه‌های تولیدی و کارآفرینی به متقاضیان حائز شرایط بخش غیردولتی (خصوصی و تعاونی) اعم از حقیقی و یا حقوقی، بر اساس ضوابط مندرج در آئین‌نامه اجرایی ماده ۶۰ اصلاحی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران طبق شرایط ذیل تسهیلات ارزی پرداخت می‌کنند که در بخش مربوط به تأمین مالی سرمایه گذاری در سیمان نمونه‌ای از این تسهیلات ذکر شده است.

مقررات عمومی فروش و توزیع سیمان توسط کلیه کارخانجات سیمان کشور از سال ۱۳۸۱ توسط دفتر صنایع معدنی به کارخانجات سیمان ابلاغ شده است. کلیات این مقررات در متن آورده شده است که مواردی چون طرحهای عمرانی و ملی، صنایع سیمان بر، عاملین فروش

و سایر موارد را شامل می‌شود. ضوابط فروش سیمان به خریداران و میزان سیمان تحویلی به خریداران از موارد مطرح در این بخش هستند.

جدا از مباحث فوق نکته دیگری که می‌تواند به تعادل عرضه و تقاضای سیمان کمک نماید تنظیم زمانهای بازسازی و توقف کارخانه‌ها به نحوی که توقف تعداد بیشتری از واحدهای سیمان در یک زمان همزمان اتفاق نیافتند. باید ترتیبی اتخاذ نمود که هر واحد در زمان خاصی برای بازسازی و تعمیرات متوقف شود. این تمهیدات نیازمند ائتلاف تولیدکنندگان سیمان است که اگر مالکیت آنها به بخش خصوصی منتقل گردد، در عوض برنامه‌ریزی برای ثبات بازار می‌تواند جهت برنامه‌ریزی برای تلاطم بازار و استفاده بیشتر قرار گیرد. مسلم است در صورت انتقال مالکیت به بخش خصوصی سیاستهای ضد انحصار و قوانین مرتبط با این موضوع در جهت ایجاد ثبات بازار سیمان بسیار مهم است.

خلاصه مطالب فصل دوم

در این فصل به بررسی تجارت جهانی سیمان پرداختیم. با اشاره‌ای به تجارت جهانی محصولات معدنی بحث را آغاز می‌نماییم. حجم تجارت جهانی محصولات معدنی در سال ۲۰۰۲ بالغ بر ۷۸۸ میلیارد دلار بوده و در خلال سال‌های ۲۰۰۰ - ۱۹۹۵ از رشد متوسط ده درصدی برخوردار بوده است. سهم تجارت محصولات معدنی در کل تجارت جهانی کالا معادل ۱۲/۶ درصد و سهم تجارت آن در صادرات محصولات اولیه بیش از ۵۷ درصد بوده است. تجارت جهانی سیمان نیز همگام با تجارت سایر محصولات معدنی از اهمیت ویژه‌ای در تجارت مواد معدنی برخوردار بوده است. اطلاعات ارائه شده حاکی از روند روبه رشد تجارت جهانی سیمان و کلینکر است.

ایالات متحده، ژاپن، آلمان و فرانسه بزرگترین واردکنندگان سیمان به لحاظ ارزش در سال ۲۰۰۱ بوده‌اند. طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۰ اروپا بزرگترین واردکننده سیمان جهان خواهد بود و پس از آن آفریقا به لحاظ رشد واردات سیمان در رده دوم قرار خواهد گرفت. واردات سیمان در کانادا و ایالات متحده روند نزولی خواهد داشت اما در کشورهای جنوب شرقی آسیا از افزایش نسبتاً اندکی برخوردار خواهد بود. کشورهای ایتالیا، چین، و اسپانیا در سال‌های گذشته بزرگترین صادرکنندگان سیمان بودند.

مصرف جهانی سیمان در خلال سال‌های اخیر از افزایش چشمگیری برخوردار بوده

است و طی سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰ به طور متوسط از رشد سالانه‌ای معادل ۴/۳ درصد برخوردار بوده است. تقاضای اروپا طی سال‌های مذکور از رشد کمتری نسبت به کشورهای شرق آسیا مواجه بوده است. در کشورهای جنوب شرقی آسیا نیز تقاضای سیمان از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. مصرف سیمان در کشورهای شرق آسیا بالاترین سهم را داشته است به طوری که ۴۸٪ مصرف سیمان جهان را به خود اختصاص داده است. کشورهای اروپایی با اختصاص ۱۹٪ مصرف جهان پس از کشورهای شرق آسیا بالاترین سهم را داشته‌اند. آمریکای شمالی با ۸ درصد مصرف جهان و آسیای جنوب غربی با ۷ درصد مصرف جهان در رده‌های سوم و چهارم قرار گرفته‌اند.

مصرف سرانه سیمان در سال ۲۰۰۰ در کشورهای پرتقال، اسپانیا و یونان در بالاترین سطح بوده در حالی که مصرف سرانه سیمان هندوستان، ونزوئلا، برزیل، مکزیک و مراکش در نازل‌ترین سطح قرار داشته است. در مجموع در کشورهای دانمارک، ایالات متحده، آلمان و سوئیس که از درآمد سرانه بالاتری برخوردار بوده‌اند مصرف سرانه سیمان در سطح پایین‌تری قرار گرفته است ولی کشورهای اروپایی با درآمد سرانه متوسط، شاهد مصرف سرانه بالاتر سیمان بوده‌اند.

میزان تولید جهانی سیمان در خلال سال‌های گذشته رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. کشور چین در خلال سال‌های مزبور با تولید ۳۰ درصد تولید جهان بزرگترین تولیدکننده سیمان محسوب می‌شود. پس از چین آسیا و سپس اروپا و پس از آن آمریکا بزرگترین مناطق تولید

سیمان در جهان می‌باشند .

بسیاری از کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی در حال تغییر رویه تولید و ارتقاء ظرفیت‌های تولیدی هستند و به دلیل استفاده از انرژی ارزان تر روش‌های تولید خود را تغییر دادند. ایران و ترکیه دارای تقاضای بالقوه بسیار بالایی می‌باشند. در قاره آسیا بیشترین افزایش ظرفیت تولید در کشورهای جنوب شرقی آسیا بوده. در آمریکای لاتین ظرفیت تولید برخی کشورها نظیر برزیل و مکزیک در حال افزایش بود. منطقه دیگری که رشد سریعی در صنعت سیمان را ملاحظه کرد ناحیه آسیا به خصوص چین، هندوستان، اندونزی و فیلیپین بود. ژاپن و تایوان از جمله معدود کشورهای آسیایی بودند که کاهش تولید را تجربه کردند. ژاپن به دلیل افزایش هزینه‌های تولید و رکود اقتصادی و تایوان به دلیل استخراج بیش از حد منابع اولیه برای صنعت سیمان شاهد رشد این صنعت بودند.

پیش‌بینی‌ها حاکی از رشد صنعت ساختمان در جهان هستند. ساختمان در جهان از متوسط ۴/۶٪ رشد سالانه تا سال ۲۰۰۷ برخوردار خواهد بود. در مجموع انتظار می‌رود که تقاضای جهانی و تولید سیمان در خلال دهه آینده با نرخ رشد ۲ الی ۴ درصدی رشد یابد. تقاضا برای سیمان حتی ممکن است در شرایطی که مصارف جدیدی برای سیمان کشف شود بیش از این رشد یابد. مسائلی از قبیل گرم شده کره زمین و بالا آمدن سطح آب دریاها می‌تواند اثرات مهمی بر افزایش نیاز به سیمان داشته باشد.

در مجموع روندهای جهانی دورنمای صنعت سیمان را اینگونه نشان می‌دهند که:

در اتحادیه اروپا: در فرانسه و بلژیک ثبات، در اسپانیا کاهش رشد در شمال ایتالیا بازار رو به گسترش و در جنوب و مرکز ایتالیا شاهد کاهش رشد تولید و در یونان رشد پایدار را شاهد خواهیم بود. اسپانیا و ایتالیا مصرف کنندگان عمده سیمان اروپا هستند. در بسیاری از کشورهای اروپا هنوز ظرفیت خالی تولید زیادی وجود دارد.

در آمریکای شمالی: شاهد روند بطئی تولید سیمان خواهیم بود. انتظار می‌رود تولید و تقاضای سیمان در ایالات متحده با نرخ معتدلی رشد یابد. در کوتاه‌مدت علت عمده رشد صنعت سیمان نرخ‌های بهره است که منجر به رونق مسکن خواهد شد.

در بازارهای نوظهور: در مراکش رشد ادامه می‌یابد در ترکیه با نا اطمینانی مواجه هستیم، در بلغارستان بازار رو به رشد می‌باشد، در هندوستان بازار در حال توسعه است اما قیمت روند کاهشی داشته، در تایلند فعالیت و رشد ادامه دارد اما قیمت‌ها روند صعودی گرفته‌اند و در مصر شاهد وضعیت نااطمینانی هستیم اگرچه صادرات به بازارهای بین‌المللی شدیداً افزایش یافته است.

روند فزاینده مصرف جهانی و حجم رو به رشد تجارت جهانی سیمان ایجاب می‌کند که ارزیابی دقیقی از عملکرد صنعت سیمان در ایران به عمل آید و آثار عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت برای این بخش مورد مذاقه قرار گیرد. بررسی تجارب سایر کشورها

بالاخص کشورهای منطقه پس از عضویت در سازمان جهانی تجارت می‌تواند افق گسترده‌تری را بر روی دست اندرکاران سیمان کشور باز نماید تا با دید عمیق‌تر و آگاهانه‌تری به بررسی آثار عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی صنعت سیمان پرداخته شود.

شروع افزایش ناگهانی هزینه حمل و کشتیرانی از سال ۲۰۰۱ و بالاخص اواخر سال ۲۰۰۳ و ادامه آن در سال ۲۰۰۴ اثر مهمی را بر قیمت مصرف‌کننده سیمان گذاشت. نرخ حمل در این مدت برای برخی از کشتی‌های باری نسبت به اواسط ۲۰۰۳ به بیش از دو برابر افزایش یافت و نسبت به سال ۲۰۰۱ بیش از ۴۰۰٪ افزایش داشت.

در سالهای اخیر حدود چهار پنجم تجارت سیمان از طریق کشتیرانی حمل و جابجا شده است. به عبارت دیگر هزینه حمل بین‌المللی سیمان یکی از عوامل مهم در تجارت بین‌المللی سیمان محسوب می‌شود.

در این فصل صنعت سیمان برخی از کشورهای منتخب جهان را مرور نمودیم و حتی‌المقدور ویژگی‌های آنها از لحاظ مختلف بالاخص شرایط الحاق به سازمان تجارت جهانی بررسی شد.

- چین عمده‌ترین تولیدکننده سیمان در جهان است و در سال ۲۰۰۱ تولیدش به ۶۵۲ میلیون تن رسید. این صنعت در سال‌های آتی از رشد چشمگیری برخوردار خواهد بود. سرمایه‌گذاری خارجی در حال رشد روزافزون در صنعت سیمان چین است. چین دومین صادرکننده سیمان

جهان است و حدود ۱۷٪ تجارت جهانی سیمان را به خود اختصاص داده است. عضویت چین در سازمان جهانی تجارت تأثیر چندانی بر صنعت سیمان نداشته است و تعرفه‌های سیمان کوره‌ای از ۱۲٪ به ۱۰٪ کاهش یافت است و قرار نیست بیش از این نرخهای تعرفه کاهش یابد. انتظار می‌رود چین مهمترین تولیدکننده سیمان تا سال ۲۰۴۰ باشد. چین از سال ۱۹۸۵ بزرگترین تولیدکننده سیمان جهان بوده است. در مجموع سیمان چین از کیفیت بالایی برخوردار نیست و این امر ناشی از استفاده گسترده از پروسه‌های تولید کوره‌های عمودی است. ۶۰۰۰ کارخانه در میان مدت قرار است تعطیل شوند و ۴۰۰۰ واحد در سال ۲۰۰۱ تعطیل شده‌اند. با این تعطیل‌ها میزان تولید در حدود ۱۰۰ میلیون تن (۲۰٪) کاهش خواهد یافت. مالکیت در صنعت سیمان چین مختلطی از مالکیت دولتی، خصوصی و خارجی است. چین حدود ۳۵٪ سیمان جهان را مصرف می‌کند و انتظار می‌رود این رقم تا سال ۲۰۱۰ به ۴۰ درصد افزایش یابد. اگرچه عضویت در سازمان جهانی تجارت در وهله اول ممکن است تأثیر محسوسی بر واردات و صادرات سیمان نداشته باشد، اما ممکن است بر مصرف داخلی سیمان تأثیر بگذارد چرا که بخش ساختمان بر روی سرمایه‌گذاران خارجی در خلال سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۱ باز خواهد شد. در حال حاضر موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای مانع از ورود بیش از حد سیمان به کشور می‌شود و تعرفه وارداتی بر کلینکر در محدوده ۸-۶٪ است و این نرخ پس از عضویت در سازمان تجارت جهانی کم و بیش همچنان حفظ شده است.

- تولید سیمان تایوان حدود ۸ میلیون تن در سال است. در سال ۲۰۰۱ یک برنامه تعرفه‌ای

جامع بر مبنای مذاکرات تایوان با سازمان تجارت جهانی وضع شد. متوسط نرخ تعرفه در تایوان از سطح ۸/۲ درصد قبل از عضویت به ۷/۱ درصد در سال ۲۰۰۲ کاهش یافت و انتظار می‌رود که این نرخ تا سال ۲۰۰۷ به سطح ۴/۲ درصد برسد. علاوه بر عوارض گمرکی، واردکنندگان باید ۵ درصد مالیات بر ارزش افزوده بپردازند. مالیات بر ارزش افزوده بر هفت گروه کالا شامل سیمان تعلق می‌گیرد.

- تولید سیمان سیمان در ژاپن در سال ۲۰۰۲ به ۷۶/۴ میلیون تن رسید که عمده آن صرف مصرف داخلی می‌شود. صادرات سیمان در سال مذکور ۸/۳ میلیون تن بوده است.
- در حال حاضر ۲۰ تولیدکننده سیمان در فیلیپین وجود دارد. بروز بحران آسیا منجر به رکود صنعت سیمان در فیلیپین شد. در سال ۲۰۰۰-۱۹۹۹ متوسط ظرفیت بهره‌برداری کمتر از ۶۰٪ بوده است. هنگامی که فیلیپین به GATT ملحق شد دسترسی به بازار در شکل تعرفه‌های محدودکننده متبلور شد. نرخ تعرفه محدودکننده نرخی است که کشور متعهد می‌شود از آن نرخ‌ها فزونی نگیرد. عضویت در سازمان تجارت جهانی اثرات نامطلوبی بر تولیدات محصولات صنعتی و مواد معدنی شامل سیمان بر جای نگذاشت. شایان توجه است که محصولات صنعتی حساس شامل سیمان غالباً مشمول به کاهش تعرفه‌ها به صورت محدودکننده نیستند. اگر چه فیلیپین متعهد و ملزم به اجرای تعرفه‌های محدودکننده (WTO) بوده است اما این تعهدات تأثیر چندانی بر تولید محصولات صنعتی بالاخص سیمان بر جای نگذاشته است.

• افزایش مخارج سرمایه‌ای در صنعت سیمان استرالیا، و تغییر تکنولوژی از تر به خشک منجر به افزایش کارایی و کاهش متوسط هزینه کل تولید سیمان گردید. سرمایه‌گذاری در خلال سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۷ معادل ۲۰ درصد کل فروش این صنعت بوده است. تقاضای سیمان در استرالیا به دلیل توسعه صنعت ساختمان رشد چشمگیری یافت. تقاضای انرژی صنعت سیمان در خلال دهه گذشته کاهش یافت چرا که کارخانجات کارآتری وارد بازار شده‌اند.

• در سال ۲۰۰۰ ظرفیت تولید سیمان اندونزی ۴۸ میلیون تن بود. صنعت سیمان از بسیاری از جنبه‌ها نظیر قیمت‌های خرده‌فروشی، سهمیه‌های صادراتی، و جواز توسعه به شدت تحت کنترل دولت می‌باشد اما در عین حال به برنامه‌های آزادسازی و حذف قیمت‌های دستوری و سهمیه‌های صادراتی اقدام نموده است. در خلال چند سال گذشته بسیاری از پروژه‌های زیربنایی و مسکن متوقف شده و لذا تقاضا برای سیمان کاهش یافته است. انتظار می‌رود مصرف سیمان تا سال ۲۰۰۷ با نرخ ۱/۱۰-۹/۵ درصد رشد یابد و مصرف کل را به سطح ۴۳/۳ میلیون تن در سال ۲۰۰۷ برساند. در حال حاضر ظرفیت مورد استفاده صنعت سیمان در سطح ۷۵ درصد است در زمان بحران اقتصادی در سال ۱۹۹۸ ظرفیت بهره‌برداری به ۵۰ درصد کاهش یافت و لذا منجر به صادرات سیمان با قیمت‌های نازل‌تر از بازارهای داخلی شد. اتحادیه سیمان اندونزی بروز بحران را در عرضه سیمان در سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۵ به دلیل رشد نازل‌تر ظرفیت داخلی نسبت به رشد تقاضا در سطح ۵-۳ درصد در سال پیش‌بینی کرده است.

- بنگلادش متکی به واردات سیمان برای تأمین تقاضاهای داخلی است. مصرف سیمان در سال ۱۹۹۸، ۳/۱ میلیون تن متریک بود. بنگلادش ۱/۶ میلیون تن متریک سیمان در سال تولید می‌کند

- در هندوستان مصرف سرانه سیمان معادل ۸۵ کیلوگرم است که در مقایسه با استانداردهای جهان ۲۵۶ کیلوگرم در سطح بسیار نازلی قرار دارد. ۵۵ الی ۶۰ درصد از هزینه‌های تولید به وسیله دولت پرداخت می‌شود. تولید در این کشور در سطح متوسط سالانه ۸۷/۸ میلیون تن برآورد شده است. هزینه‌های حمل و نقل بالا بوده و حدود ۱۷ درصد از هزینه تولید را تشکیل می‌دهد. انتظار می‌رود ظرفیت تولیدی تا سال ۲۰۰۴ به ۱۲۶/۹ میلیون تن برسد.

- صنعت سیمان پاکستان مشمول بالاترین نرخ مالیات است. مالیات بر فروش سیمان معادل ۶۶۰ روپیه در هر تن می‌باشد که در مقایسه با هندوستان (۳۲۰ روپیه) در سطحی معادل دو برابر می‌باشد. عوارض گمرکی معادل ۱۰۰۰ روپیه در هر تن است که ۱۸۶ درصد بیش از عوارض گمرکی هندوستان است. وجود چنین مالیات‌ها و عوارض گمرکی منجر به ۴۰٪ افزایش قیمت در مقایسه با قیمت سیمان در هندوستان شده است. تولید سالانه سیمان در پاکستان حدود ۱۰ میلیون تن و مصرف سرانه سیمان در سطح ۷۲ کیلوگرم در سال است. این سطح تقاضا از پایین‌ترین موارد مصرف سرانه سیمان در جهان است. به عنوان مثال مصرف سرانه سیمان در هندوستان ۸۹ کیلوگرم، در سریلانکا ۱۰۶ کیلوگرم، در اندونزی ۱۳۹ کیلوگرم، در ویتنام ۱۲۶

کیلوگرم، در ترکمنستان ۱۵۹ کیلوگرم، در السالوادور ۱۷۱ کیلوگرم در فیلیپین ۲۲۰ کیلوگرم، در مکزیک ۲۵۱ کیلوگرم، در ایران ۲۷۴ کیلوگرم، در سوریه ۳۶۹ کیلوگرم در چین ۴۱۰ کیلوگرم، در ترکیه ۵۱۲ کیلوگرم، در تایلند ۶۰۰ کیلوگرم در مالزی ۸۷۰ کیلوگرم و در تایوان ۱۰۰۴ کیلوگرم می‌باشد. تقاضای سیمان در کشورهای همسایه که تولیدکننده سیمان نیستند، دورنمای روشنی را برای صادرات سیمان پاکستان فراهم کرده است. مالیات بر سیمان در پاکستان ۳۷ درصد است. این مالیات در ایران ۴ درصد، در تایلند ۷ درصد، در مصر ۱۰ درصد، در فیلیپین ۱۰ درصد، در اندونزی ۱۰ درصد و در هندوستان ۱۸ درصد است. علاوه بر بازار افغانستان که صنعت سیمان پاکستان را زنده نگه داشته، بازارهای بالقوه‌ای نظیر بنگلادش با تقاضایی معادل ۵ میلیون تن، سری لانکا ۳ میلیون تن، سنگاپور ۵ میلیون تن، مصر ۴ میلیون تن، میانمار ۱ میلیون تن، ویتنام ۱ میلیون تن، مالزی ۲ میلیون تن، و نپال ۰/۵ میلیون تن می‌تواند نقش عمده‌ای در صنعت سیمان پاکستان ایفاء کند چرا که این کشورها تولیدکننده سیمان نبوده و نیازهای خود را از طریق واردات تأمین می‌کنند.

- ترکیه یکی از تولیدکنندگان عمده جهان در محصولات معدنی شامل سیمان است. ترکیه در ارتباط با سازمان تجارت جهانی عنوان کرده است که از آنجا که محدودیت‌های کمی واردات ماهیتاً موقتی هستند و از آنجا که تحت توافقنامه ATC تمامی محدودیت‌ها بایستی تا اول ژانویه ۲۰۰۵ حذف شود ترکیه خواستار حفظ این محدودیت‌ها شده اگر چه با توافقنامه‌های WTO ناسازگار باشد. ماده بیست و چهارم توافقنامه WTO عنوان می‌کند که حتی کشورهای

عضو یک اتحادیه گمرکی باید نسبت به حذف محدودیت‌های کمی اقدام نمایند اما ترکیه اعلام کرده است از آنجا که تاکنون چنین قانونی توسط توافقنامه‌های تجاری اتحادیه اروپا وضع نشده اقدامات آن کشور به لحاظ وجود برخی محدودیت‌های کمی سازگار با قوانین WTO است. بعلاوه ترکیه اعلام کرده است که تاکنون هیچ کشور عضو WTO نسبت به وجود چنین حمایت‌هایی اعتراض نکرده است.

- در سال ۱۹۸۰ صنعت سیمان بزرگترین صادرات صنعتی لبنان محسوب می‌شد. صدور سیمان به سوریه در آن سال حدود ۴۰ درصد صادرات سیمان لبنان بود. تصمیم سوریه مبنی بر عدم ورود سیمان از لبنان و عدم ثبات سیاسی و مشکلات ناشی از یافتن بازارهای جدید، دورنمای احیاء صنعت سیمان در لبنان را با مشکل مواجه ساخت. در سال ۱۹۹۵ تولید سیمان در لبنان به سطح ۳ میلیون تن افزایش یافت. دورنمای تولید سیمان در این کشور نسبتاً روشن می‌باشد.

- ظرفیت سالانه صنعت سیمان در یمن بالغ بر ۱۲۵۰۰۰۰ تن است که حدود ۷۰٪ تقاضای داخلی را تأمین می‌کند. صنعت سیمان در یمن چهارمین صنعت بزرگ مؤثر در تولید ناخالص داخلی است. این کشور نیازی به واردات سیمان ندارد.

- بلغارستان صنایع معدنی بلغارستان در مقایسه با استانداردهای جهانی بسیار کوچک بوده و صرفاً به لحاظ منطقه‌ای حائز اهمیت می‌باشند و کشور اساساً متکی به واردات آهن و فولاد

است. رشد سرمایه‌گذاری‌های خارجی توسط اتحادیه اروپا و ایتالیا در بلغارستان در اواخر دهه ۱۹۹۰ منجر به مالکیت خارجی در صنعت سیمان بلغارستان شد. به منظور تسهیل صادرات سیمان به کشورهای اتحادیه اروپا دولت استانداردهای اتحادیه اروپا برای مواد ساختمانی و صنعت سیمان را پذیرفت.

- در اسپانیا از اواسط دهه ۱۹۹۰ نرخ رشد مصرف سیمان بیش از دو برابر رشد اقتصادی کشور قرار داشت. مصرف سیمان در سال ۲۰۰۳ به ۴۶/۱ میلیون تن بالغ گردید. در سال ۲۰۰۴، رشد کمتری در مصرف و تولید سیمان پیش‌بینی می‌شود. واردات به کنده افزایش خواهد داشت و صادرات کمتر خواهد شد زیرا درصد استفاده از ظرفیت در حد بالای ۹۶٪ قرار دارد. پیش‌بینی می‌شود که به دلیل رشد مصرف و استفاده از ظرفیت تولید نزدیک به ظرفیت اسمی واردات سیمان در اسپانیا بیش از پیش افزایش یابد. صادرات سیمان سفید ثابت و صادرات سیمان خاکستری افت خواهد نمود.

- فرانسه دارای ظرفیت تولید ۲۷/۲ میلیون تن سیمان است. مصرف سیمان در سال ۲۰۰۳، ۲۰/۳ میلیون تن بود و کارخانه‌های سیمان با ظرفیت ۷۰٪ مشغول تولید می‌باشند. تولید سیمان در سال ۲۰۰۳ برابر ۱۹/۱ میلیون تن بوده است. مصرف و تولید سیمان فرانسه در سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ با اندکی کاهش روبرو است و واردات و صادرات هر دو تنزل خواهند داشت.

- آلمان بزرگترین بازار ساختمان در اروپای غربی است. برای اولین بار پس از رکود ۴

سال گذشته افزایش کمی در ساخت و ساز مشاهده و پیش‌بینی می‌شود. بر این اساس بعد از کاهش ۸ درصدی و ۲/۴ درصدی سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ رشد ۰/۷٪ در سال ۲۰۰۴ مورد انتظار است. تولید نیز رو به افزایش خواهد گذاشت. استفاده از ظرفیت تولید سیمان در آلمان حدود ۶۲٪ است. قیمت سالهای گذشته مهمترین عامل کار در زیر ظرفیت تولید بوده است. از طرفی برخی شرکتها نیز ظرفیت تولید خود را نیز افزایش داده‌اند.

- ایتالیا در واردات مواد خام و تبدیل آن به کالاهای مصرفی و صادرات محصولات معدنی از شهرت به سزایی برخوردار است. ایتالیا دومین تولیدکننده عمده سیمان پس از آلمان در اتحادیه اروپا است و صادرکننده خالص سیمان است. مصرف و تولید سیمان ایتالیا از سال ۱۹۹۷ روبه رشد بوده است. در سال ۲۰۰۳ نرخ رشد حدود ۱/۷٪ افزایش نشان می‌دهد و رشد سال ۲۰۰۴ با کمی کاهش به میزان ۱/۲٪ پیش‌بینی می‌گردد. واردات سال ۲۰۰۴ نسبتاً ثابت است و صادرات به میزان ۴/۵٪ کاهش خواهد داشت. از جمله چالش‌های پیش روی صنایع سیمان ایتالیا، منطقی ساختن ساختار تولید و مدیریت، بهینه‌سازی وجوه و بازاریابی در جنوب شرقی آسیا، خاورمیانه و هندوستان می‌باشد.

- صنعت مواد معدنی در سوئیس شدیداً به وسیله دولت کنترل می‌شود ولی برخی از آنها در مالکیت بخش خصوصی است.

- تولید محصولات معدنی در انگلستان از بیست سال پیش به دلیل کاهش ذخایر مواد

معدنی رو به کاهش بوده است. با این وجود پردازش مواد معدنی به عنوان پایه و مبنای صنعت مواد معدنی باقیمانده است و این صنعت از تولید محصولات فلزی معدنی به سمت تولید رس، کائولین و گچ روی آورده است. انگلستان جز مهمترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان clay و کائولین می باشد.

- ظرفیت تولید کلینکر کانادا در سال ۲۰۰۱، ۱۵/۸ میلیون تن بوده که از حدود ۱۵/۱ میلیون تن آن استفاده می شود. متوسط میزان صادرات سالانه سیمان به ایالات متحده ۴/۴ میلیون تن بوده که حدود $\frac{1}{3}$ کل تولید سیمان کانادا است. میزان واردات سیمان به کانادا به طور متوسط سالانه بالغ بر ۰/۶ تا ۰/۸ میلیون تن بوده است در حالیکه میزان واردات سیمان آمریکا در سال ۲۰۰۲ حدود ۲۳ میلیون تن بوده است. کشورهای آسیایی شامل چین، تایلند و کره جنوبی قسمت عمده سیمان و کلینکر وارداتی کانادا را بخصوص از سال ۱۹۹۸ تأمین کرده اند. استفاده از مواد زائد، جانشین مناسبی برای سوخت در صنعت سیمان است چرا که پروسه تولید کلینکر حدود ۸۰٪ نیاز به انرژی دارد که ۳۰ تا ۴۰ درصد هزینه تولید را تشکیل می دهد. مدیریت انرژی در صنعت سیمان بر منافع حاصل از کارآیی مبتنی بر تغییر سوخت متکی است. انتظار می رود که صرفه جویی های هزینه ناشی از جایگزینی سوخت فسیل با مواد زائد باشد. واردات سیمان و کلینکر پورتلند از ایالات متحده آمریکا و بر اساس توافقنامه MFN از پرداخت تعرفه معاف بوده است در حالیکه آجر و بلوک های ساختمانی و اجزاء ساختمان و لوله و ... مشمول ۵٪ نرخ تعرفه می باشد. در عین حال واردات سیمان آمریکا از کانادا نیز از پرداخت تعرفه معاف می

باشد.

- آمریکا سومین تولیدکننده عمده سیمان جهان است. بر خلاف تولید، مصرف سیمان در ایالات متحده افزایش بطنی داشته و افزایش واردات کاهش تولید را جبران کرده است. عمده ترین سیاست‌های دولت در بخش سیمان شامل سیاست‌های واردات و موضوعات محیط زیست می‌باشند. علاوه بر استخراج معادن سیمان به میزان ۱۲۵-۱۲۰ میلیون تن در سال که آثار زیست محیطی را بدنبال دارد بیشتر موضوعات محیط زیستی به تولید کلینکر مرتبط می‌شود. محدودیت‌های دولت بر گازهای ناشی از سوخت (SO_x, NO_x) و نیز گرد و غبار کوره سیمان وضع شده است.

- موضوع تعرفه‌های حمایتی از صنایع سیمان حوزه کار آئیب موضوعی است که بحث و جدل زیادی را برانگیخته است. سیمان وارداتی ارزان حدود ۲۰ درصد بازار را فرا گرفته است و این امر باعث شده شرکت سیمان Sega جامائیکا از کمیته ضد دامپینگ و حمایت برای اقدامات حمایتی سازمان تجارت جهانی تقاضای کمک کند. عملیات ضد دامپینگ شرکت‌ها را هدف قرار می‌دهد در حالی که اقدامات حمایتی کشورها واردات محصول خاص را از تمامی کشورهای دیگر محدود می‌کند. اگر از نرخ تعرفه استفاده می‌شود باید بیش از نرخ‌های محدود کننده باشد (بالغ بر ۵۰ درصد). از جمله اقدامات دیگر سهمیه‌ها و سهمیه نرخ تعرفه است که بسته به موقعیت خاص به کار گرفته می‌شود. اقدامات حمایتی بسیار پرهزینه است چرا که در

پایان سال سوم کشورهای بی که واردات آنها محدود شده است باید از طریق واگذاری تجاری جبران شوند.

- صنعت سیمان در کوبا در دولت کاسترو ملی شد. برای تولید هر تن سیمان یک بشکه نفت مورد نیاز است و بدین لحاظ مصرف نفت حدود ۶۰ درصد هزینه‌های تولید را تشکیل می‌دهد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ و قطع عرضه نفت، سیمان کوبا با بحران مواجه شد. انتظار می‌رود با آغاز روابط تجاری میان ایالات متحده آمریکا و کوبا، صنعت سیمان از طریق خصوصی شدن و افزایش سرمایه‌گذاری و رونق صنعت هتلداری و توریسم (افزایش تقاضای سیمان) و بالاخره از طریق توسعه صادرات به بازارهای ایالات متحده آمریکا منتفع شود.

در گواتمالا، ظرفیت تنها کارخانه سیمان به ۲/۵ میلیون تن در سال ۱۹۹۹ رسید. سیمان گواتمالا نیز از سوخت نفتی به سوخت ذغال سنگ روی آورده تا در مصرف انرژی صرفه‌جویی کند. مشاجره مکزیکی و گواتمالا زمانی آغاز شد که گواتمالا علیه عملیات دامپینگ واردات سیمان پورتلند از مکزیکی به سازمان تجارت جهانی شکایت کرد. در ۱۶ اوت سال ۱۹۹۶ گواتمالا عوارض ضد دامپینگ معادل ۳۸/۷۲٪ بر واردات سیمان پورتلند خاکستری کروم آزول مکزیکی وضع نمود. در ۱۷ ژانویه ۱۹۹۷ این عوارض به ۸۹/۵۴٪ رسید. در ۱۳ فوریه ۱۹۹۷ پس از وضع عوارض ضد دامپینگ مکزیکی درخواست رسیدگی به عملیات ضد دامپینگ گواتمالا را در قالب

توافقنامه ADP مطرح نمود. یکی از راه‌های مقابله با دامپینگ وضع عوارض ضد دامپینگ است که عوارض خاص به منظور جبران صدمات وارده به صنایع داخلی وضع می‌شود. کشور واردکننده می‌تواند عوارض ضد دامپینگ را براساس توافقنامه‌های GATT و WTO وضع کند.

خلاصه مطالب فصل سوم

در این فصل به بررسی سازمان سازمان تجارت جهانی در ارتباط با ایران پرداختیم. مسئله اساسی ما در این فصل این بود که اگر ایران به سازمان تجارت جهانی ملحق شود الزاماً چه تحولاتی در ساختار اقتصادی، حقوقی خود باید بدهد و از این بررسی به دنبال این نتیجه خواهیم بود که بخش سیمان و بطور کلی تر صنعت ایران دچار چه تحولاتی خواهد شد. از این نتایج در فصول بعد برای بررسی های مشخص بر صنعت استفاده خواهیم کرد. لذا با مروری بر سازمان تجارت جهانی و ویژگی های آن به شرح موافقتنامه های اصلی آن می پردازیم که به نحوی در ارتباط با صنعت قرار دارد. مقایسات انجام شده کلی هستند و شامل همه بخش های صنعتی منجمله سیمان می شوند.

سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ شکل گرفت و در حقیقت جانشین موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت می باشد. نظام تجارت جهانی از طریق یک سری دور مذاکرات تجاری تحت موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گات شکل گرفت. نخستین دور مذاکرات اساساً در مورد کاهش تعرفه ها بود لکن مذاکرات بعدی سایر زمینه ها از قبیل معیارها و ضوابط غیر تعرفه های و ضوابط ضد دامپینگ (فروش زیر قیمت) را نیز در بر گرفت. مهمترین دور مذاکرات بین سالهای ۹۴ - ۱۹۸۶ به دور اروگوئه معروف است که منجر به تشکیل سازمان تجارت جهانی شد. مذاکرات دور دوحه از آخر ژانویه ۲۰۰۲ آغاز شد و تا پایان ژانویه سال ۲۰۰۵ به پایان خواهد رسید. در دور دوحه مذاکرات و سایر کارهایی در زمینه محدودیت های

غیرتعرفه‌ای کشاورزی، تجارت و محیط زیست، برخی مقررات سازمان تجارت جهانی از قبیل اعطای یارانه، قوانین ضد دامپینگ، سرمایه‌گذاری، سیاستهای رقابتی، تسهیلات تجاری، شفافیت در مقررات خریدهای دولتی، حقوق معنوی، مالکیت، و یک سری از مسائلی که تحت عنوان مشکلات کشورهای در حال توسعه در بکارگیری موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی است، صحبت می‌گردد.

از لحاظ نظری اقتصاد بین‌الملل با روابط اقتصادی میان کشورها سروکار دارد وابستگی متقابل حاصل از این روابط از جهت رفاه اقتصادی اکثر کشورها اهمیت زیاد دارد. در بخش مباحث نظری به ذکر نظریات اقتصادی در این مورد به اهمیت این موضوع و آثار آن بر رفاه جامعه می‌پردازیم. ولی باید توجه داشت که تحلیلی‌های نظری مباحثی آزمایشگاهی از رفتار واقعی انسانهاست و در همه شرایط صادق نیست و فقط شرایط مهیا شده آزمایشگاهی را تأیید می‌کند. لازم به ذکر است که در این بحث به معایب و مضار سازمان تجارت جهانی نمی‌پردازیم و مسئله اساسی در این مورد که آیا سازمان تجارت جهانی به نفع کشورهای توسعه یافته است یا در حال توسعه را بررسی نمی‌نماییم و همچنین به این موضوع که آیا الحاق ایران به این سازمان به نفع ایران است یا نه نیز وارد نمی‌شویم. به هر حال از لحاظ نظری اگر هر کشوری مبادرت به صدور کالایی نماید که در تولید آن، عوامل تولید نسبتاً فراوان و ارزان بکار می‌برد و کالایی را وارد کند که در تولید آن عوامل تولید کمیاب و گران مصرف می‌کند باعث رفاه هر دو کشور خواهد شد.

کشورهای در حال توسعه کمتر از یک چهارم تجارت جهان را به خود اختصاص داده‌اند و بیشتر کشورهای جهان نیز در زمره این کشورها به حساب می‌آیند. تجارت آنها بیشتر شامل صادرات مواد اولیه، سوخت، مواد معدنی و محصولات غذایی به کشورهای صنعتی، غنی و توسعه یافته است و در مقابل عمدتاً کالاهای ساخته شده وارد می‌کنند. به دلیل الگوی تجارت و شرایط خاص داخلی و نیز نحوه عملکرد نظام پولی بیشتر منافع حاصل از رشد این کشورها از طریق بهبود مستمر رابطه مبادله به جیب کشورهای توسعه یافته می‌رود. کشورهای در حال توسعه سعی می‌کنند از طریق بالا بردن قیمت کالاهای صادراتی خود، طرحهای تثبیت عواید صادراتی و صنعتی شدن از طریق جانشینی واردات یا ایجاد محدودیتهای تجاری که به محدودیتهای تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تقسیم می‌شود و اصلاح نظام پولی منافع را تا حدی متوجه خود نمایند. تعرفه‌های گمرکی که بر حسب ارزش واردات تعیین شده‌اند بیش از سایر محدودیتهای مورد توجه قرار می‌گیرند و معمولاً برای محدود کردن مقدار واردات وضع می‌شوند. سهمیه وارداتی یک محدودیت کمی مستقیم است که بر واردات کالا وضع می‌شود و بسیاری از اثرات تعرفه وارداتی را دارد.

تجربه سالهای بین دو جنگ ۱۹۲۱-۱۹۳۹ نشان می‌دهد که در طی این دوره تجارت بین‌المللی بواسطه تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و سایر موانع تجاری شدیداً محدود شده بود که دلایل اصلی آن رکود و بیکاری حاکم بر کشورهای توسعه یافته بود. رکود اقتصادی دهه ۱۹۳۰ باعث شد تا کشورها با وضع برخی سیاستهای اقتصادی همانند افزایش تعرفه‌های وارداتی با تبعیض بین

کشورها، اصول مربوط به آزادی تجارت را خدشه‌دار سازند. در این راستا هر چند آمریکا و انگلیس توانستند بطور کوتاه مدت بر برخی مشکلات اقتصادی خود فائق آیند ولیکن مواجهه با اقدامات تلافی جویانه از سوی سایر کشورها گردیدند، که نتیجتاً حجم تجارت بین‌الملل شدیداً کاهش یافت و بر وخامت اوضاع اقتصادی افزوده شد. این امر منجر به آن شد که کشورها در جهت رفع موانع تجاری خود برآیند و قراردادهای چندجانبه‌ای در این راه تنظیم کنند.

در کنفرانس برتون وودز مشکلات تجارت بین‌الملل مطرح شد و پیشنهاد گردید به منظور منع محدودیتهای تجاری و کاهش حقوق گمرکی، سازمانی تحت عنوان سازمان تجارت بین‌المللی تاسیس شود. هدف اولیه این بود که نهاد ثالثی ایجاد شود تا همکاری اقتصادی بین‌المللی را هدایت کند و به مؤسسات برتن وودز (بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) ملحق شود. این سازمان تجارت بین‌الملل (ITO) عملاً تحقق نیافت ولی یکی از موضوعات منشور این سازمان پیشنهادی به موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت یا گات معروف گردید که از سال ۱۹۴۸ به اجرا درآمد.

از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) قواعدی را برای بخش زیادی از تجارت جهانی وضع کرد. موفقیت گات در کاهش تعرفه‌ها با رکودهای اقتصادی در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ همراه بود. این باعث شد تا دولتها تدابیر دیگری را برای حمایت از بخشهایی که با افزایش رقابت خارجی مواجه بودند بیاندیشند. نرخ بالای بیکاری و بسته شدن مداوم کارخانه‌ها، دولتهای اروپای غربی و آمریکای شمالی را بر آن داشت تا

ترتیبات دو جانبه مشارکت در بازار را با رقبا در پیش گیرند و برای حفظ تجارت یارانه‌ها را دنبال کنند.

مذاکرات طولانی دور اروگوئه هفت سال به طول انجامید و موافقتنامه مقدماتی آن در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ توسط اعضاء امضاء گردید. تعرفه‌ها، موانع غیر تعرفه‌ای، محصولات منابع طبیعی، منسوجات و پوشاک، کشاورزی محصولات گرمسیری، مواد گات، مجموعه مقررات دور توکیو، ضد دامپینگ، یارانه‌ها، دارائیهای فکری، اقدامات سرمایه گذاری، حل و فصل اختلاف، سیستم گات، خدمات در دستور کار دور اروگوئه بود. آنان همچنین در مقررات حل و فصل اختلاف تجدید نظر کردند و خواستار ارائه گزارشات منظم در مورد سیاستهای تجاری اعضا برای شفاف ساختن رژیمهای تجاری در سطح دنیا شدند که بسیار مهم بود.

گات به عنوان کارگزاری بین‌المللی دیگر وجود ندارد و هم اکنون جای خود را به سازمان تجارت جهانی داده است امروز موافقتنامه گات وجود دارد اما مجموعه مقررات آن همان مقررات اصلی اولیه برای تجارت بین‌المللی نیست و به روز شده است. سازمان تجارت جهانی سه موافقتنامه گات به روز شده و موافقتنامه عمومی تجارت خدمات و موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی را در یک سازمان گرد هم می‌آورد. و یک مجموعه مقررات و یک سیستم واحد برای حل اختلافات در این سازمان وجود دارد. به طور خلاصه سازمان تجارت جهانی امتداد ساده‌ای از گات نیست بلکه بسیار بیشتر از آن است. متن قدیمی گات، گات ۱۹۴۷ نامیده می‌شود و متن به روز شده آن گات ۱۹۹۴ نامگذاری شده است. اصول

کلیدی گات را موافقتنامه‌های خدمات و مالکیت فکری تشکیل می‌دهد. این اصول شامل اصل عدم تبعیض، اصل شفافیت و اصل قابلیت پیش‌بینی هستند. در حقیقت سازمان تجارت جهانی به شکل کامل‌تری از درون گات بیرون آمد.

الزامات عضویت در سازمان تجارت جهانی برای کلیه کشورها به دو دسته الزامات

عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود اهم الزامات عمومی عضویت عبارتند از:

- ۱- عدم تبعیض عمومی و رفتارهای مبتنی بر آن
- ۲- مخالفت با پرکردن بازار و عوارض بازدارنده
- ۳- رویه‌های اعطای تخفیف و تعرفه بندی
- ۴- ارزش گذاری برای مقاصد گمرکی
- ۵- حقوق و تشریفات وابسته به صادرات و واردات
- ۶- تدوین و اداره مقررات تجاری
- ۷- پذیرش شرط حذف عمومی محدودیت‌های مقداری
- ۸- پذیرش موافقتنامه راجع به یارانه
- ۹- پذیرش چهارچوب مربوط به بنگاههای تجاری دولتی که این مؤسسات را به رفتاری غیرتبعیض آمیز و رعایت اصل شفافیت در تبادل اطلاعات مکلف می‌کند
- ۱۰- توافق‌هایی که اتحادیه گمرکی مرزی و مناطق آزاد تجاری را شامل می‌شود

۱۱- پذیرش موارد استثناء از مقررات عمومی گات

الزامات خصوصی جهت عضویت در سازمان تجارت جهانی نیز برای هر کشور متفاوت است و در مورد الزامات خصوصی و قانونی عضویت ایران در این سازمان در قسمتهای بعدی اشاره شده است.

موضوعاتی که در دوردوچه در دستور کار مذاکرات قرار دارند شامل دسترسی به بازار محصولات کشاورزی، جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، سرمایه‌گذاری و تجارت ارتباط میان تجارت و سیاست‌های رقابتی، شفافیت در خریدهای دولتی، تسهیل تجاری، مقررات سازمان تجارت جهانی، تجارت و محیط زیست، ظرفیت‌سازی و همکاری فنی، تجارت الکترونیکی، تجارت و انتقال فن‌آوری، برخورد ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه، کم توسعه‌یافته‌ترین کشورها و اقتصادهای کوچک و مسائل و موضوعات مربوط به اجرای موافقتنامه‌های قبلی سازمان تجارت جهانی می‌باشد.

در حال حاضر ۱۴۷ کشور تا ۲۴ آوریل ۲۰۰۴ عضو سازمان جهانی بازرگانی هستند که تقریباً ۹۰ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند.

اینکه این مقررات عادلانه است یا نه جای بحث دارد. در سالهای اخیر، همزمان با نشست‌های متعدد این سازمان در نقاط مختلف جهان مانند سیاتل، آمریکا، ایتالیا و یونان، اعتراض‌های توأم با خشونت نسبت به جهانی شدن اقتصاد مشاهده می‌گردد. پایه و اساس این

سازمان بر تفکر اقتصاددانان غرب پی‌ریزی شده است.

لکن اصول بنیادین سازمان تجارت جهانی به صورت زیر می‌باشد:

- (۱) اصل عدم تبعیض که خود به دو قسمت دول کامله الوداد (MFN) و رفتار ملی تقسیم می‌شود. شرط دولت کامله الوداد (MFN) اعطای بهترین وضعیت تجاری اعطا شده به هر عضو به دیگر اعضاست و شرط رفتار ملی بدین معنی است که پس از عبور از مرز و پرداخت حقوق و عوارض مربوطه تبعیضی بین کالا و عرضه‌کننده کالای خارجی با کالا و عرضه‌کننده کالای داخلی صورت نگیرد.
- (۲) اصل آزادسازی تجارت: هیچ یک از اعضاء حق ندارند جز تعرفه‌های گمرکی و مالیات‌ها، محدودیت‌های دیگری را در واردات و یا صادرات کالاها به وجود آورند.
- (۳) اصل کاهش تعرفه‌های گمرکی: هر کشور عضو سازمان تجارت جهانی می‌شود علاوه بر الحاق به موافقت‌نامه‌های چند جانبه سازمان وارد مذاکرات دو یا چند جانبه با دیگر اعضا می‌گردد و تعرفه‌های خود را کاهش می‌دهد. حداکثر میزان تعرفه در جدول تعرفه‌های کشور وارد می‌شود و حق ندارد بیش از آن تعرفه‌ای اخذ نماید. کشورها متعهد می‌گردند بتدریج تعرفه‌ها را کاهش دهند.
- (۴) اصل شفافیت بخشیدن به مقررات تجاری: کلیه قوانین و مقررات و تصمیمات قضایی و دستورالعمل‌های اداری که به وسیله هر یک از کشورها برقرار شده است و به نحوی در فروش، توزیع و حمل و نقل و بیمه و انبارداری و مونتاژ کالاها تاثیر داشته باشد باید شفاف شود.

(۵) اصل تجارت عادلانه یا منصفانه: این اصل برای ایجاد زمینه‌ای برای رقابت کارآ با حذف موانع مختل‌کننده تجارت همچون یارانه‌های غیر مجاز، فروش زیر قیمت کالا و موارد آسیب‌زننده به تولید و تجارت کشورهاست. ارائه راه‌حلهای در مقابل تجارت غیر عادلانه نیز از طریق ابزارهای دفاعی همچون وضع عوارض جبرانی یا اقدام ضد قیمت شکنی (ضددامپینگ) یا اعمال حفاظت‌ها صورت می‌گیرد

(۶) اصل حفظ رفتار ویژه با کشورهایایی که کمترین درجه توسعه یافتگی را دارند. این اصل برای همیاری با کشورهای در حال توسعه در تحمیل تغییرات کمتر و انجام اصلاحات در مدتی طولانی‌تر، و بصورتی یک طرفه مطرح شده است.

(۷) اعمال برخی استثنائات در تعهدات قبول شده برای حفظ نظم عمومی، اخلاق و بهداشت انسان و حیوان و غیره.

مزایای عضویت در سازمان تجارت جهانی را می‌توان در موارد عمومی زیر دانست:

- هر عضو سازمان تجارت جهانی می‌تواند وارد بازار کشوری شود که رسماً عضو این سازمان است.
- هر نوع محدودیتی که برای کالاهایی در یک کشور در نظر گرفته شود، همان محدودیت برای کشور دیگر خود به خود منظور می‌گردد.
- دسترسی مداوم به بازارهای عضو سازمان تجارت جهانی با عوارض گمرکی مطمئن و تثبیت شده.

- تسهیلات تجاری با کشورهای عضو بدون انعقاد قرارداد دوجانبه با تک تک آنها، فراهم می گردد.

یکی از وظایف سازمان تجارت جهانی بررسی متناوب سیاست تجاری کشورهای عضو می باشد و از دو طریق صورت می پذیرد:

- با الزام دولتها به مطلع ساختن سازمان و کشورهای عضو از سیاستها و قوانین خود.
 - انجام بررسی های منظم درباره تک تک کشورهای عضو و سیاست های تجاری آنها.
- اهداف زیر در پس بررسی سیاست تجاری مد نظر سازمان تجارت جهانی است:
- افزایش شفافیت و شناخت سیاست تجاری و رویه های کشورها از طریق نظارت پیوسته.
 - بالا بردن کیفیت مباحثات و بررسی های عمومی و بین دولتی درباره موضوعات مربوطه.
 - امکان پذیر ساختن بررسی ها و ارزیابی تأثیرات سیاستها بر نظام تجاری جهان.
- تفاهمنامه حل و فصل اختلافات نظامی مبتنی بر قواعد شفاف و ضرب الاجلهای مشخص می باشد و حوزه شمول این تفاهمنامه بسیار گسترده و متنوع است و تقریباً کلیه موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی را شامل می شود.

سازمان تجارت جهانی از سه نظر دارای تشکیلات منسجم تر و مناسب تر است:

- ایجاد یک رکن دائمی برای بررسی خط مشی های تجاری

▪ ایجاد یک رکن دائمی برای حل و فصل دعاوی

▪ ایجاد یک رویه منظم برای نشست وزیران کشورهای عضو

هر عضوی در کشور خود اداره‌ای دارد که از تعدادی مشاور، نمایندگان بخش خصوصی، سازمان‌های تجاری، اتحادیه‌های کشاورزان و دیگر گروه‌های صنعتی و تولیدی تشکیل می‌شود.

اعضای سازمان تجارت جهانی به دو دسته اعضای اولیه و اعضای ملحق شده تقسیم می‌شوند. اعضای اولیه همان طرفهای متعاهد گات تا پایان سال ۱۹۹۴ و نیز اعضای اتحادیه اروپا هستند که در مهلت دوساله پس از تاسیس سازمان تجارت جهانی به عضویت این سازمان درآمده‌اند. دیگر کشورها و یا قلمروهای مجزا و خود مختار گمرکی نیز برای عضویت باید فرآیند الحاق را طی کنند.

فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی شامل درخواست عضویت و تشکیل گروه کاری، بررسی رژیم تجارت خارجی کشور متقاضی الحاق (مرحله حقیقت یابی)، مذاکرات دوجانبه (مرحله مذاکرات دسترسی به بازار) جهت تهیه جدول امتیازات و تعهدات مربوط به گات ۱۹۹۴ همچنین جدول تعهدات ویژه مربوط به موافقتنامه عمومی تجارت خدمات برای آن کشور و نهایتاً توافق در مورد گزارش گروه کاری، سند تصمیم در مورد الحاق و پروتکلی (مقاوله نامه‌ای) که شرایط الحاق را معین می‌سازد می‌باشد.

برای کشوری که به عضویت سازمان تجارت جهانی پذیرفته شود، اقدامات زیر از سیاستهای اجرائی مهمی است که باید مد نظر داشته باشد:

۱. آزادسازی تجارت خارجی: شامل برداشتن موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای یا کاهش آنهاست. همچنین وضع موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، غیرقانونی می‌باشد. البته برای کشورهای در حال توسعه در این زمینه استثنائاتی قائل شده‌اند.
۲. آزادسازی نرخ کالاها و خدمات: برداشتن سوبسیدها و کمک‌های دولتی که به تولید کالا و خدمات داده می‌شود، برای تحقق این مورد می‌باشد. البته تعدادی از سوبسیدها مثل سوبسیدهای تحقیق و توسعه، سوبسید مربوط به خصوصی‌سازی و سوبسید کالاهای مصرفی، سوبسید سبز محسوب شده و کشور عضو ملزم به حذف آنها نمی‌باشند.
۳. آزادسازی نرخ ارز: شامل حذف ارایه هرگونه ارز سوبسیددار می‌باشد.
۴. آزادسازی نرخ بهره
۵. لغو انحصارات دولتی و خصوصی در تولید و قیمت‌گذاری کالاها و خدمات
۶. جریان آزاد اطلاعات: شامل در اختیار گذاشتن اطلاعات و مقررات و قوانین تصویبی توسط کشور عضو به سایر اعضا می‌باشد.
۷. تخصیص بهینه منابع به وسیله بازار
۸. جداسازی دو مفهوم اقتصاد و تأمین اجتماعی.

موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی نیز هر یک رفتار ویژه‌ای را با کشورهای در حال توسعه به اشکال مختلف پیش‌بینی نموده‌اند. بطور کلی این مقررات را به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند:

- مقررات ناظر بر تسهیل تجارت کشورهای در حال توسعه
- انعطاف بیشتر برای کشورهای در حال توسعه در پذیرش تعهدات
- ارائه کمک‌های فنی به کشورهای در حال توسعه

هر عضو از اعضای سازمان تجارت جهانی می‌تواند وارد یک ترتیب تجاری منطقه‌ای شود و با شرکای جدید خود رفتار تجاری مطلوب‌تری نسبت به اعضای خارج از آن برقرار نماید.

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) تنها موافقتنامه چند جانبه کالایی در نظام تجارت چند جانبه به شمار می‌رفت و تا پیش از آغاز به کار سازمان تجارت جهانی، اصلاحاتی بر آن صورت پذیرفت و به علاوه پروتکل‌ها و تأییدیه‌های مربوط به امتیازات تعرفه‌ای، پروتکل‌های الحاق و تصمیمات طرفهای متعاقد گات از جمله در موارد معافیت از تعهدات، بدان ضمیمه شد. در دور اروگوئه، ۶ تفاهمنامه در تفسیر مواد گات و پروتکل الحاقی مراکش نیز به گات ۱۹۴۷ افزوده گردید که مجموعه این اسناد گات ۱۹۹۴ خوانده می‌شود. در دور اروگوئه، ۱۲ موافقتنامه چند جانبه جدید کالایی نیز به تصویب رسید که وابسته به گات

۱۹۹۴ تلقی می‌گردند و در ارتباط با موافقتنامه‌های خاص در موضوعاتی چون استانداردها، ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری، قواعد گمرکی، دامپینگ یا قیمت‌شکنی، یارانه‌ها و حفاظت‌ها، و بخش‌های کشاورزی و منسوجات در زمینه تجارت کالا هستند که به همراه گات ۱۹۹۴، ضمیمه موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی را، با عنوان موافقتنامه‌های چند جانبه کالایی، تشکیل می‌دهند. در صورت تعارض میان مواد گات ۱۹۹۴ و موافقتنامه‌های خاص، مورد اخیر مقدم خواهد بود.

ایران نیز عضویت در سازمان تجارت جهانی را در برنامه‌های راهبردی خود منظور کرده و از سال ۱۳۷۵ درخواست عضویت خود را به دبیرخانه این سازمان ارائه نموده است. قبول عضویت ایران با مخالفت حداقل یکی از اعضاء که آمریکا است، مواجه شده است. رأی منفی آمریکا باعث می‌شود اجماع لازم به دست نیامده و پذیرش ایران مورد موافقت قرار نگیرد. البته حتی اگر یک عضو ضعیف هم با پذیرش ایران مخالفت کند، باز هم عضویت ایران در دستور کار سازمان تجارت جهانی قرار نمی‌گیرد. به هر حال در صورت پذیرش ایران، مذاکرات ایران و سازمان تجارت جهانی از زمانی که با درخواست عضویت ایران موافقت شود، حدود ۵-۶ سال پیش‌بینی می‌شود که طول بکشد.

بر اساس موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی، کشورها باید تعرفه‌ها را به تدریج حذف کنند. در حال حاضر نفت از موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی خارج است و موافقتنامه‌های آن مشمول فرآورده‌های نفتی نمی‌شود. بر این اساس ورود کالاهای صادراتی کشورهای صنعتی

به کشورهای نفتی منجمله ایران مشمول حذف تعرفه شده اما واردات نفتی کشورهای صنعتی از کشورهای نفتی و ایران مشمول حذف یا کاهش تعرفه نمی‌شود و نفت بخش بزرگی از صادرات این کشورها را تشکیل می‌دهد. این موضوع بسیار تعیین‌کننده است و به همین دلیل آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی از مطرح شدن بحث نفت و فرآورده‌های نفتی هراس دارند

در صورتی که ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید بایستی معاهدات بین‌المللی زیادی را بپذیرد و تعدیلات زیادی را نیز در قوانین داخلی انجام دهد. منجمله این معاهدات موارد زیر است که باید مورد قبول کشوری باشد که مایل به عضویت در این سازمان است. مسلماً این معاهدات با توجه به نقاط اشتراک و افتراق مفاد آنان با قوانین، مقررات، رویه‌ها و سیاست‌های صنعتی در ایران، در صورت عضویت احتمالی در سازمان تجارت جهانی، تعدیلات زیادی باید در بخش‌های مختلف مرتبط با صنعت کشور صورت گیرد.

رژیم تجاری ایران طی دهه گذشته شاهد تحولات عمده‌ای بود. قانون مقررات صادرات و واردات کاملاً تغییر کرد، مالیات‌های وارداتی یک کاسه شد و گرایش سیاست‌های تجاری به سمت آزادسازی بود. بعلاوه نرخهای متنوع ارز که از جمله موانع عمده صادرات بشمار می‌آید یکسان گردید. یارانه‌های بسیاری تغییر کردند ولی هنوز نیاز به اصلاحات بسیاری در این بخش است. برای بررسی تطبیقی قوانین تجاری ایران با توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی ملاحظه اصول کلی اصل عدم تبعیض و اصل دولت کامله الوداد (MFN) و کاهش تعرفه‌های گمرکی و تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه و ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های

کمی از اهمیت خاصی برخوردارند.

اصل ۷۷ قانون اساسی ایران الزام می‌نماید که کلیه مقاوله نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس برسد که این موضوع شامل موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی نیز خواهد شد. از طرف دیگر طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی، صلح و دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به هر داوری در هر مورد موکول به تصویب هیات وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. در مورد موافقتنامه‌های تجارت جهانی مسئله به این صورت مطرح است که در مرحله اول اختلاف میان اعضاء از طریق مشورت با یکدیگر حل می‌شود و در صورتی که حل نشد به تقاضای شاکی به مرجع بین‌المللی حل اختلاف که به منظور رسیدگی به دعاوی میان کشورهای عضو تشکیل شده است ارجاع خواهد شد و مرجع حل اختلاف حق دارد هیئت‌های رسیدگی تشکیل دهد و برای اجرای احکام و توصیه‌ها نظارت کند. بدین ترتیب در مورد حل اینگونه اختلافات نیازی به دخالت مجالس قانونگذاری در هیچ یک از کشورهای عضو وجود ندارد.

اصل ۴۴ قانون اساسی صنایع بزرگ و مادر، بازرگانی خارجی، بانکداری، بیمه، راه آهن، کشتیرانی، هواپیمایی، معادن بزرگ، سدها و ارتباطات را در اختیار دولت قرار می‌دهد. گرچه در عمل کاملاً این اصل رعایت نمی‌شود و بخشهای خصوصی و شبه خصوصی درگیر فعالیتهای بازرگانی خارجی می‌باشند. در حالیکه طبق اصل ۱۶ اصول و قوانین گات در مورد

دسترسی به بازار، اصل آزاد سازی تجاری از جمله اصول حاکم بر گات است که در مورد پیوستن کشورها به سازمان تجارت جهانی مورد توجه قرار می گیرد.

یکی از موارد مهم در راه الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی اصل ۸۱ قانون اساسی است. به موجب این اصل دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است. بر اساس موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی اعضا می توانند نسبت به ارائه خدمات مرتبط با موارد فوق در سایر کشورهای عضو اقدام نمایند و این موضوع طبعاً با مفاد اصل فوق تعارض دارد.

مقررات صادرات و واردات کالاهای وارداتی و صادراتی به چهار گروه مجاز، مجاز مشروط، غیر مجاز و ممنوع تقسیم می گردد ولی گات دسترسی به بازار کالاها را برای اعضا در چارچوب موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی مجاز می داند. از طرف دیگر گات طرف‌های متعاقد را از وضع محدودیت مقداری برای ورود کالا به کشور خود بر حذر می دارد که برخلاف مقررات صادرات و واردات کشور در خصوص حمایت مؤثر از تولید داخلی که در مورد کالاهایی که تولید داخلی آنها به مقدار نیاز کشور نیست می باشد.

در خصوص کاهش تعرفه‌های گمرکی باید گفت که این اصل محور اساسی تعارضات مقررات گات با مقررات تجارت خارجی ایران به شمار نمی آید. زیرا عوارض وارداتی ایران که قبلاً شامل حقوق گمرکی، سود بازرگانی، سایر عوارض گمرکی، حق ثبت سفارش و ... بوده

ضمن متعدد و پراکنده بودن از موانع واردات محسوب می‌شد، ولی در حال حاضر اصلاحات زیادی بر قانون مقررات واردات و صادرات اعمال شده و بسیاری از مشکلات مربوط به این بخش کاهش یافته است.

موانع غیر تعرفه‌ای نیز با اعمال شفافیت‌های بسیاری کاهش یافته‌اند و می‌توان با تبدیل باقی آنها به تعرفه این مسئله را نیز تا حد زیادی برطرف نمود.

سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان مکلف است بر اساس مصوبات شورای اقتصاد نسبت به پرداخت سوبسید برخی کالاهای اساسی اقدام کند. طبق ماده ۱ موافقتنامه گات درباره سوبسیدها، آمده است که سوبسید عبارت است از کمک مالی دولت یا مؤسسات دولتی که متضمن انتقال مستقیم وجوه مثل برقراری کمک‌های بلاعوض، وام و تزریق سرمایه و یا انتقال تعهدات مثل تضمین وام باشد. بخشیدن مالیات‌ها و عوارض در قالب مشوق‌های مالیاتی و دادن کالا و خدمات دیگری برای امر صادرات از دیگر موارد سوبسید است. طبق این بند بسیاری از تسهیلات مقرر در قوانین ایران از دیدگاه این موافقتنامه سوبسید به حساب می‌آید.

از نظر مقررات گات، سهمیه بندی ارزی و تخصیص ارز جهت ورود کالا برحسب اولویت‌های خاص و نیز نرخهای ارز ترجیحی نیز نوعی محدودیت به شمار می‌رود. حمایت از صنایع و تولیدات داخلی به کمک ابزارهای غیرتعرفه‌ای نظیر سهمیه بندی ارزی و گران کردن

واردات در مقابل محصولات مشابه داخلی با تخصیص ارز به بخشهای اولویت دار و صدور محصولات داخلی به صورت دامپینگ در قالب سیاستهای تشویق صادرات و یا حمایت از شرکتهای داخلی در تجارت خارجی با فروختن ارز ارزان قیمت به آنها از مواردی است که در ایران کم و بیش وجود داشته و برخی از آنها نیز در حال حاضر متداول هستند ولی از سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست یکسان سازی ارز بسیاری از معضلات مربوط به این موانع برطرف یا حداقل کم شده است.

گات در ارتباط با رفتار ملی در مورد وضع مالیات و مقررات داخلی کشورها را الزام به اتخاذ قوانین و رویه‌های یکسان و مشابه و مطلوب در مورد محصولات وارداتی و تولیدات داخلی می‌نماید و تولیدات هر کشور طرف قرارداد که وارد سرزمین متعاقد دیگر می‌شود بطور مستقیم و غیر مستقیم مشمول مالیات داخلی و دیگر انواع مالیات و هزینه‌هایی است که در مورد محصولات مشابه داخلی برقرار می‌گردد و مواردی مازاد بر آن نباید در نظر گرفته شود. برخی مواد قانون مالیات‌های مستقیم نظیر مواد ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۴۲ به اشکال گوناگون اقدام به حمایت از تولید کنندگان داخلی در قالب معافیت‌های مالیاتی می‌نمایند. البته باید گفت که اصولاً گات حمایت از تولیدات و صنایع داخلی را ممنوع نمی‌کند بلکه طبق مقررات خاصی نظیر ماده ۲ اساسنامه مقرر می‌دارد که چنین حمایت‌هایی باید اساساً از طریق تعرفه‌های گمرکی و نه از طریق اقدامات تجاری صورت گیرد. اهداف عمده این اصل، ایجاد شفافیت و وضوح در اجرای سیاست‌های حمایتی و به حداقل رساندن اختلالاتی است که حمایت در تجارت ایجاد می‌کند.

- ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی باید اصلاحات ساختاری متعددی را انجام دهد. از جمله این اصلاحات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱. بسترسازی قانونی از طریق بازنگری در برخی قوانین نظیر قوانین اساسی، کار، تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، بیمه، بانکداری، گمرک، مالیات، و ... و تطبیق آنها با قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی.
 ۲. بسترسازی اقتصادی از طریق شناخت پتانسیل در مزیت‌های نسبی بالقوه و بالفعل در بخش‌های عمده اقتصادی و افزایش قدرت رقابت محصولات صادراتی کشور.
 ۳. توانا ساختن بنگاهها در عرضه محصولات با کیفیت برتر و از لحاظ قیمتی قابل رقابت با محصولات مشابه در بازارهای جهانی.
 ۴. ایجاد ظرفیت اضافی برای صادرات کالاهای صنعتی و بالا بودن سهم این قبیل صادرات در کل صادرات غیر نفتی کشور.
 ۵. ایجاد شرایط ثبات سیاسی و اقتصادی برای کشور.
 ۶. ایجاد هماهنگی در سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری کشور.
 ۷. فراهم ساختن شرایط لازم برای رشد صادرات.
 ۸. اصلاح گمرکات کشور.
 ۹. مشارکت در مذاکرات سازمان تجارت جهانی از طریق مطالعات مستمر و تحقیقات دقیق بازرگانی - حقوقی توسط گروه‌های کاری منسجم و متخصص.

۱۰. ارزش قائل شدن برای تخصص‌ها و اصلاح نظام‌های موجود بر اساس محوریت دانش.

۱۱. نظام آماری بهنگام و کارا

در بخش بعدی با بررسی کلیات موافقتنامه‌های دور اروگوئه آنها را با شرایط قوانین و مقررات ایران مقایسه می‌نماییم.

- اهم موضوعات موافقتنامه گات ۱۹۹۴ عبارتند از: شرط دولت کامله‌الوداد، شرط رفتار ملی، جداول امتیازات، آزادی ترانزیت، مسائل مربوط به ارزشیابی، عوارض و تشریفات گمرکی، شفافیت مقررات تجاری، حذف محدودیتهای مقداری و استثنائات آن، حمایت‌های مجاز بر حسب اقتضای شرایط، یارانه‌ها، بنگاههای تجاری دولتی، استثنائات، حل و فصل اختلافات، ترتیبات منطقه‌ای و ملاحظات کشورهای در حال توسعه. ایران برای الحاق به گات باید موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مصوب ۱۹۴۷ را بپذیرد.

- در مورد موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی ایران باید پس از انجام مذاکرات مربوط به پذیرش موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گات ۱۹۴۷ بعنوان یک طرف متعاقد پذیرفته شود و پس از الحاق به گات ۱۹۴۷، موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت و موافقتنامه‌های پیوست آن را بپذیرد.

- یکی از تبعات مهم عضویت کشورها و منجمله ایران در سازمان تجارت جهانی کاهش تعرفه‌های گمرکی و دسترسی به بازار است که از نتایج اعمال این موافقتنامه می‌باشد. اثر این

کاهش بر وضعیت رقابتی صنایع، اشتغال، تخصیص منابع، بودجه دولت و غیره موضوعی است که در صورت عضویت در سازمان جهانی تجارت از اهمیت بسزائی برخوردار است. در مورد موافقتنامه کشاورزی با ابراز داشت که ایران در زمینه مشوق‌های تولیدی کشاورزی قوانین و مقررات مختلفی به تصویب رسیده که بسیاری از آنان بطور مستقیم تولیدات بخش کشاورزی را حمایت می‌کنند و برخی دیگر بطور غیر مستقیم از طرق مختلف منجر به حمایت بخش کشاورزی می‌شوند. این مشوق‌ها و قیمت‌های تضمینی محصولات اساسی کشاورزی و یارانه‌های کود و بسیاری از خدمات کشاورزی یارانه‌ای نیز در این بخش وجود دارند که همگام با مصوبات گذشته و جاری سازمان تجارت جهانی در این بخش در فرآیند الحاق باید اصلاح گردند.

- موافقتنامه اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی برای حمایت و حفاظت از بهداشت انسانها، حیوانات و نباتات است و در صدد اعمال قیودی است که اقدامات مزبور وسیله تبعیض دلخواه یا غیر قابل توجیه میان اعضا را فراهم نیاورد و یا محدودیت پنهان تجاری ایجاد نکند. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان محیط زیست همراه با مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران به موجب قانون می‌توانند در این زمینه عمل نمایند. در ایران وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در حال حاضر صدور گواهی ورود اکثر کالاهای بهداشتی، آرایشی و دارویی را منوط به اثبات واردکننده مبنی بر مصرف کالای مورد نظر در کشورهای اروپایی کرده. این گواهی که به EU-Sale مشهور شده باعث می‌شود که بطور ضمنی

استانداردهای اروپایی برای مصرف بسیاری از کالاهایی که در این بخش قرار می‌گیرند اعمال شود و هماهنگی خودکار با مقررات فنی-بهداشتی آنجا برقرار شود.

- موافقتنامه منسوجات و پوشاک در پی هدف این موافقتنامه آزادسازی تجاری بازار منسوجات و پوشاک می‌باشد. چنانچه ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید چون از صادرکنندگان عمده منسوجات و پوشاک نیست و عضو موافقتنامه بین‌المللی منسوجات نبوده و طبعاً از سهمیه‌های وارداتی وضع شده در قالب ترتیبات الیاف چندگانه برخوردار نبوده است، لذا موافقتنامه منسوجات و پوشاک مستقیماً و در کوتاه مدت صنایع نساجی ایران را متاثر نمی‌گرداند. افزایش صادرات فرش بعنوان یک کالای نساجی در اثر حذف تدریجی تعرفه‌ها و سهمیه‌های ترجیحی در قالب سیستم عمومی ترجیحات (GSP) هم به بازارهای سنتی و همچنین به بازارهای جدید قابل پیش‌بینی می‌باشد.

- موافقتنامه موانع فنی فرا راه تجارت ضمن تقویت قوانین موجود استانداردها، الزام می‌نماید که موضوعاتی از قبیل مشخصات فنی، استانداردها، رویه‌های مربوط به ارزیابی، مطابقت و آزمایش نباید به شکل ناعادلانه‌ای منجر به ایجاد موانع بر سر راه تجارت گردند. مرجع رسمی و قانونی استاندارد در ایران، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی است. در صورت عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت نمی‌توان ایران را از اعمال و رعایت استانداردهای خود بازداشت. ولی باید هر چه بیشتر استانداردها و مقررات فنی خود را با مؤسسات بین‌المللی استاندارد هماهنگ سازد.

• موافقتنامه ضوابط سرمایه گذاری تجاری شامل اقداماتی است که تجارت کالاها را تحت تأثیر قرار می دهد و با دقت بر این موضوع که برخی اقدامات محدودکننده محل تجارت هستند و کشورهای عضو نباید اقدام تبعیض آمیزی را برای خارجیان و یا محصولات خارجی بکار گیرند اقدامات سرمایه گذاری را که منجر به محدود کردن مقادیر کمی می شود نیز غیرقانونی می دادند. قانون جلب و حمایت از سرمایه گذاری خارجی ایران در حال حاضر تعیین کننده ضوابط سرمایه گذاری خارجی است. در مقایسه موافقتنامه سرمایه گذاری مرتبط با تجارت با قانون سرمایه گذاری خارجی ایران، این موافقتنامه اصول و ضوابطی را برای چگونگی سرمایه گذاری خارجی مقرر نمی دارد، بلکه در آن تصریح شده در فرآیند سرمایه گذاری مرتبط با تجارت، ضوابطی مغایر با گات در رابطه با رعایت اصل رفتار ملی در مورد وضع مالیات و مقررات داخلی و نیز حذف کلی محدودیت های مقداری منظور نگردد و لذا در موافقتنامه از کشورها پذیرش تعهد جدیدی درخواست نشده است. قانون جلب و حمایت از سرمایه گذاری خارجی ایران اساساً متعرض چنین ضوابط و شروطی نگردیده است که بتوان آن را مغایر با موافقتنامه مزبور دانست. اما باید در صورت عضویت ایران و یا عقد قراردادهای سرمایه گذاری دو جانبه ملاحظات قوانین جدید سرمایه گذاری کشور با عنایت به ضوابط موافقتنامه مزبور مد نظر قرار گیرد.

• برخی اوقات صادرکنندگان محصولات خود را زیر قیمت بازار به فروش می رسانند. این عمل اصطلاحاً دامپینگ یا قیمت شکنی نامیده می شود و بعنوان رویه تجاری غیرمنصفانه ای

که باعث اختلال در رقابت می‌شود، در تجارت بین‌الملل مطرح می‌گردد. براساس این موافقتنامه رویه‌های ضد دامپینگ محصولی زیر قیمت (دامپینگ شده) محسوب می‌شود که قیمت صادراتی آن کمتر از قیمت اخذ شده برای همان نوع محصول در کشور صادر کننده باشد. موافقتنامه گات کشورها را مجاز به اتخاذ عملیات ضد دامپینگ می‌نماید یعنی کشورها اصول مربوط به تعرفه‌های محدود کننده را بشکنند. اقدامات ضد دامپینگ از جمله مواردی است که نه تنها پس از الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی فعال می‌شود بلکه در حال حاضر نیز نسبت به برخی از کالاهای ایرانی نیز اعمال می‌گردد. برای مثال اقدامات ضد دامپینگ اروپا در مقابل فولاد صادراتی ایران به آلمان در سالهای اخیر از جمله این موارد است. ایران بایست از همین الآن شرایط لازم برای مقابله حقوقی و فنی با اقدامات ضد دامپینگ و همچنین ارزیابی فنی و حقوقی با اقدامات دامپینگ خارجی را مهیا سازد. گرچه این اقدامات در حال حاضر از ضرورت کمی برخوردار است ولی در آینده و هنگام الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی از اهمیت بسزائی برخوردار خواهد شد.

- موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی یارانه را یک کمک مالی تعریف می‌نماید که توسط دولت یا هر رکن دولتی به شرکت‌ها یا صنایع معینی اعطا می‌شود. این کمک مالی شامل پرداخت مستقیم وجوه، انتقالات مستقیم (نظیر ضمانت‌های وام)، مشوق‌های مالی، اعتبارات مالیاتی، کالاها و خدمات دولتی (باستثنای خدمات زیربنایی) یا هر نوع حمایت قیمتی و درآمدی می‌باشد. سوبسیدهای ممنوع شده عبارتند از سوبسیدهایی است که اهداف صادراتی

مشخص را دنبال می‌کنند و یا تولید کنندگان را ملزم به استفاده از کالاهای داخلی به جای کالاهای وارداتی می‌کنند. در ایران در زمینه مشوق‌های صنعتی قوانین و مقررات مختلفی به تصویب رسیده که بر حسب مورد و موضوع می‌توان آنها را بشرح زیر طبقه بندی نمود:

مشوق‌های صادراتی، مشوق‌های منطقه‌ای، حمایت از صنایع اساسی و تولیدات داخلی، مشوق‌های سرمایه‌گذاری صنعتی، مشوق‌های مشارکتی صنایع، مشوق‌های زیربنایی صنایع (فراهم آوردن تسهیلات زیربنایی)، حمایت از اختراعات و ابداعات و سایر مشوق‌ها. در قوانین و مقررات ایران و مربوط به بخش صنعت باید گفت که در خصوص صادرات هم مشوق‌های گمرکی (معافیت گمرکی) مشوق‌های مالیاتی (معافیت ۵۰ درصد ارزش صادرات از مالیات بر درآمد) و هم اعطاء جوایز و تسهیلات حمل و نقل اعمال می‌گردد، که طبعاً با موافقتنامه یارانه‌ها مغایرت دارد. اما این حمایت‌ها و مشوق‌ها که طبق تعریف یارانه بشمار می‌روند و به حمایت درآمدی و قیمتی از صادر کننده منجر می‌شوند، جنبه خاص ندارند و کلیه صادرات صنعتی را در بر می‌گیرند و در قانون صنعت یا گروه خاصی از صنایع مشمول تسهیلات صادراتی خاص قرار نگرفته‌اند. تحلیل‌های اولیه از مقایسه موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی با رژیم حمایتی صنعتی در ایران (یارانه‌ها، مشوق‌ها و غیره) نشان می‌دهد که اولاً رژیم حمایتی کشور رژیم نامتناسب و بدون هدفی است و صنعت خاصی را بر اساس مزیت‌های نسبی آن صنعت نه از بابت تولید نه از بابت صادرات مورد حمایت قرار نداده است و ثانیاً چنین رژیمی که فاقد حمایت منطقی و جهت دار از صنعت معینی می‌باشد، طبعاً با مفاد موافقتنامه یارانه‌ها نیز مغایرت‌های

شدیدی پیدا نمی‌کند.

- موافقتنامه حفاظت‌ها در کنار موافقتنامه ضد قیمت شکنی (ضد دامپینگ) و نیز بخشی از موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، موافقتنامه‌های ناظر بر اتخاذ اقدامات واکنشی یک جانبه تجاری در سازمان تجارت جهانی را که گاه حمایت‌های اقتضایی نیز خوانده می‌شوند تشکیل می‌دهد. این اقدامات به منظور مقابله با رقابت غیر منصفانه و یا مواجهه با شرایط اضطراری به کار بسته می‌شوند. یک کشور عضو سازمان تجارت جهانی می‌تواند واردات یک کالا را چنانچه صنعت داخلی تهدید شده و یا به دلیل افزایش واردات صدمه ببیند موقتاً محدود کند یا اقدام حمایتی درباره آن وضع نماید. این موافقتنامه پس از الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر تجارت و قوانین تجاری ایران اثر می‌گذارد و قبل از آن مستلزم اصلاحات و پیش‌نیازهایی در فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی نمی‌باشد ولی همانطور که در بخش‌های دیگر به آن اشاره شده باید شرایط حمایت از کالاهای مختلف را طبق موافقتنامه‌های دیگر بالاجسب موافقتنامه یارانه‌ها منطبق با سازمان تجارت جهانی نمود.

- موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی سازمان تجارت جهانی بر روی ارزیابی کالاها در گمرکات با این هدف طراحی شده است که یک سیستم ارزیابی عادلانه، متحدالشکل و بیطرف را در گمرکات اعمال نماید، سیستمی که مطابق با واقعیت‌های تجاری و اعمال رویه‌های خودسرانه و دلخواهانه را در ارزیابی ممنوع می‌کند. بطور کلی مقایسه مفاد موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی با قانون و مقررات گمرکی ایران در خصوص تعیین ارزش کالای وارداتی نشان

می‌دهد که ایران معمولاً برای تقویم کالاهای وارداتی از روش اول یعنی روش معاملاتی و قیمت واقعاً پرداخت شده استفاده می‌نماید که روش اصلی در موافقتنامه مزبور می‌باشد. از سوی دیگر ایران به لحاظ عضویت در شورای همکاری گمرکی و تبعیت از روش‌ها، رویه‌ها و اصطلاحات و تعاریف بین‌المللی این شورا، مشکل خاصی در ارتباط با موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی ندارد.

- هدف از موافقتنامه بازرسی قبل از بارگیری تأمین منافع مالی ملی و جلوگیری از خروج سرمایه، کلاهبرداری‌های تجاری و فرار از پرداخت عوارض گمرکی است و برای جبران عدم کفایت‌های موجود در سازمان‌های اداری گمرکات و بنادر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در صورت عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت و پذیرش مفاد موافقتنامه بازرسی قبل از حمل، انجام اقدامات و تدوین مقرراتی متناسب با مفاد این موافقتنامه که ناظر بر رفتار دولت واردکننده، صادرکننده و موسسه بازرسی باشد، لازم به نظر می‌رسد. اساساً این موافقتنامه بدین منظور در مجموعه موافقتنامه‌های دوراروگونه گنجانده شده که کشورها با توسل به خدمات اینگونه موسسات موانع غیرضروری و ناعادلانه‌ای را بر سر راه تجارت میان یکدیگر ایجاد نکنند و رویه‌هایی که در این موافقتنامه پیش‌بینی شده با هدف به حداقل رساندن فرآیند بازرسی و رفع اختلافات احتمالی تنظیم گردیده است. در حالیکه در تدوین قوانین و مقررات مربوط به موسسات بازرسی در ایران، چنین نگرشی در جهت تسهیل مبادلات تجاری مد نظر نبوده است. به هر حال علیرغم ملاحظات فوق، موافقتنامه بازرسی قبل از حمل از جمله موافقتنامه‌هایی نیست

که مشکلات حادی را متوجه دستگاه‌های مربوطه سازد.

- موافقتنامه قواعد مبدأ ویژگی‌هایی را که برای تعریف این موضوع که کالا در کجا تولید شده است ارائه می‌کند. قوانین مبدأ جزء مهمی از قواعد تجاری است چرا که در برخی سیاست‌ها میان کشورهای صادرکننده تبعیض قائل می‌شود. منظور از کشور مبدأ، کشوری است که در آنجا کالا تولید، مونتاژ، پردازش، فرآوری یا تهیه می‌شود. این تعریف تقریباً همان تعریف سازمان جهانی گمرک است که در حال حاضر برای تعیین مبدأ در ایران، صرف نظر از چگونگی عمل صادرکننده استفاده می‌شود.

- موافقتنامه رویه‌های صدور مجوز ورود موافقتنامه حاوی این نکته است که پروسه جواز باید ساده شفاف و قابل پیش‌بینی باشد. در ایران غالباً مجوزهایی که برای واردات برقرار می‌شوند، محدود کننده می‌باشند. وضع مجوز برای هر ردیف یا گروه کالا، به منزله آن است که ورود آن ردیف یا گروه از کالاها به دلایل اقتصادی (حمایت از تولیدکننده یا مصرف‌کننده) مستلزم بررسی و اعمال ضوابط خاصی تا حصول اطمینان از ساخت یا عدم ساخت یا تولید در داخل، همچنین سقف و میزان معینی که باید هنگام ورود رعایت شود، می‌باشد. مجوزهایی که برای صادرات برقرار می‌شود، بیش از هر چیز به حمایت دولت از مصرف‌کنندگان داخلی اعم از واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی و مصرف‌کنندگان عادی که کالا را مستقیماً برای رفع نیازهای روزمره استفاده می‌کنند مربوط می‌شود. در ایران علاوه بر وزارت بازرگانی که همچون مورد واردات بیشتر مجوزها را در اختیار دارد. وزارتخانه‌های

صنایع و معادن، کشاورزی، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی نیز مرجع صدور مجوزهای صادرات می‌باشند. رویه‌های اداری ایران با مفاد این موافقتنامه فاصله زیادی دارند. اولاً دستگاه‌های زیادی در ایران در صدور مجوز ورود دخالت دارند و ثانیاً گواهینامه‌های متعددی در رابطه با واردات برخی از کالاها مورد نیاز است و این خود تعداد دستگاه‌های اداری را بیشتر می‌کند، رعایت اصل سهولت که در موافقتنامه مورد تاکید قرار گرفته، را دچار مشکل می‌سازد. علاوه بر این مکانیزم صدور اتوماتیک مجوز ورود در رویه‌های اداری ایران وجود ندارد.

- موافقتنامه تجارت خدمات، در برگیرنده اصول و قواعد چند جانبه‌ای برای تجارت خدمات با هدف آزاد سازی تدریجی آن و به عنوان وسیله‌ای برای رشد اقتصادی تمامی طرف‌های تجاری و توسعه کشورهای در حال توسعه می‌باشد. در این موافقتنامه از کشورها خواسته شده ضمن فراهم کردن تسهیلات لازم برای مشارکت بیشتر در تجارت بین‌المللی خدمات، ظرفیت داخلی بخش خدمات و کارآیی و رقابت پذیری آن را تقویت کنند. در ایران آنچه که به بخش صنعت در مجموعه فعالیتهای خدماتی مربوط می‌شود، خدمات فنی و مهندسی است. با توجه به جوان بودن این گونه خدمات در مجموعه فعالیت‌های مهندسی کشور می‌توان گفت که ایران هنوز تا رسیدن به مرحله رقابت پذیری در زمینه صدور خدمات مهندسی در بازارهای جهانی راه درازی در پیش رو دارد و لذا دادن امتیاز در این بخش، پتانسیل‌های اولیه این بخش خدماتی را دچار مشکل می‌سازد. اما از آنجا که از نظر اقتصادی، بهره‌وری صادرات این بخش به مراتب بیش از صادرات کالا است، می‌طلبد که در قالب حمایت‌های منطقی و

جهت دار، زمینه‌های رشد و توسعه آن با هدف حضور در بازارهای بین‌المللی فراهم گردد.

- موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری یکی از مهمترین ارکان اصلی موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی است. این موافقتنامه از نظر پوشش، انواع مختلف حقوق مالکیت فکری از قبیل حق نسخه برداری و حقوق جانبی (حقوق اجرا کنندگان، تولید کنندگان آثار صوتی، و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی)، علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرحهای صنعتی، حق اختراع، طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه چیپ‌ها و اطلاعات افشاء نشده را شامل می‌گردد. در خصوص مقایسه قوانین مالکیت صنعتی در ایران و مفاد موافقتنامه حقوق مالکیت معنوی باید متذکر شد که با توجه به اینکه ایران عضو نظام بین‌المللی کپی رایت نیست، پذیرش تعهدات مندرج در این موافقتنامه الزاماً به معنای پذیرش کنوانسیون برن (۱۹۷۱) و تعهدات مربوط به کپی رایت است که این موضوع می‌تواند یکی از مسائل مهم و حاد در روند الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی باشد.

- «موافقتنامه‌های میان چند طرف» شامل موارد موافقتنامه مربوط به گوشت دام، موافقتنامه مربوط به محصولات لبنی، موافقتنامه تجارت هواپیماهای کشوری یا غیر نظامی، موافقتنامه خریدهای دولتی می‌باشد و مورد قبول برخی از اعضاء می‌باشند. موافقتنامه تجارت هواپیماهای غیر نظامی به همراه موافقتنامه خریدهای دولتی تنها موافقتنامه‌هایی هستند که پذیرش آنها اختیاری است. هدف اصلی این موافقتنامه تجارت آزاد هواپیماهای غیر نظامی و قطعات آن می‌باشد.

- هدف «موافقتنامه خرید دولتی» گشایش بازار خریدهای دولتی کشورهای عضو به روی شرکت‌های تجاری یکدیگر از طریق تضمین شرایط رقابت عادلانه و حاکم ساختن ملاحظات صرفاً تجاری بر خریدهای دولتی می‌باشد. طرفداران این موافقتنامه معتقدند آزادسازی خریدهای دولتی موجب کاهش هزینه‌های دولت‌ها گشته و اقدامی در جهت مقابله با مشکلات مزمن کسری بودجه بشمار می‌آید، لیکن کشورهای در حال توسعه تاکنون استقبال چندانی از این موافقتنامه ننموده و غالب اعضای آن کشورهای توسعه یافته می‌باشند.
- سرفصل‌های آتی اجلاس وزرای سازمان تجارت جهانی شامل موارد تجارت الکترونیک، تسهیل تجاری، شفافیت در خریدهای دولتی، تجارت و محیط زیست، تجارت و سرمایه‌گذاری، تجارت و سیاست رقابتی است.
- در دور ارو گوئه هیچ موافقتنامه‌ای در ارتباط با تجارت و محیط زیست وجود ندارد ولی در بعضی از موافقتنامه‌ها اشاراتی به این موضوع شده است.
- پیشنهاد موافقتنامه چند جانبه سرمایه‌گذاری از طرف کشورهای توسعه یافته مطرح شد. این پیشنهاد با مخالفت کشورهای در حال توسعه روبرو گردید. مذاکرات پیرامون این پیشنهاد ناکام مانده است.
- هنوز تعریف ثابتی از تسهیل تجاری به عمل نیامده است. متداولترین تعریف «ساده سازی و هماهنگ سازی رویه‌های تجاری بین‌المللی» است که منظور از رویه‌های تجاری «فعالیت‌ها، اقدامات و تشریفات مرتبط با جمع آوری، ارائه، تبادل و پردازش داده‌ها برای حرکت کالاها در

عرصه تجارت بین‌الملل» می‌باشد. با این تعریف مجموعه وسیعی از فعالیتها از جمله رویه‌های واردات و صادرات (مانند قوانین گمرکی و صدور مجوز) تشریفات حمل و نقل، پرداختها، بیمه و دیگر اقدامات مالی در دایره شمول مفهوم تسهیل تجاری قرار می‌گیرند. در حال حاضر کمیته تجارت کالایی عمده فعالیت خود را بر دریافت و تحلیل گزارشهای کشوری متمرکز نموده است. کشورهای در حال توسعه عمدتاً علیرغم موافقت با اصول تسهیل تجاری با قبول تعهدات بیشتر در قالب موافقتنامه جدید در قالب تسهیل تجاری با شروع مذاکرات مخالفت نموده‌اند.

- وزیرای سنگاپور (۱۹۹۶) تصمیم به ایجاد «گروه کاری شفافیت خریدهای دولتی» گرفت تا ضمن انجام مطالعاتی در زمینه رویه‌های خرید دولتی مقدمات تدوین یک موافقتنامه چند جانبه را در این زمینه فراهم آورد. تنوع نظرات و اصطکاک منافع کشورهای شرکت کننده در جلسات گروه کاری شفافیت به حدی بوده است که چشم‌انداز حصول اجماع در زمینه تدوین یک موافقتنامه آتی با ابهام مواجه شد.

با توجه به مطالب یادشده می‌توان گفت چنانچه با رفع مسائل سیاسی ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی پذیرفته شود، به عنوان یک کشور در حال توسعه در کوتاه مدت با موانع عمده‌ای مواجه نیست و تحولات عمیقی در رژیم تجاری کشور و مقررات مربوط به تبع این الحاق در کوتاه مدت حادث نمی‌گردد ولی بسیاری از قوانین و مقررات و رویه‌های اجرائی باید اصلاح شوند که این الزام باعث بهبود کیفی نظام‌های اداری، حقوقی، بازرگانی و اقتصادی ایران خواهد شد. اما مفاهیمی نظیر برخورداری از اصل عدم تبعیض، دسترسی مداوم و مطمئن به

بازارها، حل و فصل اختلافات تجاری از طریق مشاوره‌ها، حضور در مجامع تجاری بین‌المللی،

برخورداری از کمک‌های فنی از جمله منافی است که در میان مدت نصیب ایران خواهد شد.

خلاصه مطالب فصل چهارم

تا قبل از عضویت تایوان در سازمان تجارت جهانی متوسط نرخ‌های تعرفه بر واردات کالاهای صنعتی و کشاورزی به ترتیب معادل $۶/۰۳\%$ و $۲۰/۰۲\%$ بود که پس از الحاق به سازمان تجارت جهانی نرخ‌های تعرفه مذکور به $۵/۷۸\%$ و $۱۴/۰۱\%$ کاهش یافت. عضویت تایوان در سازمان تجارت جهانی بر بخش‌های مختلف اقتصادی در زمانی که فقط تعرفه‌ها را در نظر بگیریم باعث $۳/۱$ میلیارد دلار افزایش واردات، و چنانچه موانع غیرتعرفه‌ای نیز کاهش پیدا کند واردات به میزان $۵/۵$ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت.

در بخش بعد به کاهش نرخ‌های تعرفه در کشورهای مختلف در اثر الحاق به سازمان تجارت جهانی می‌پردازیم. نرخ‌های تعرفه برای محصولات معدنی غیرآهنی شامل سیمان در محدود صفر درصد در ایالات متحده، اتحادیه اروپا و تا ۳۵% در هندوستان متغیر بوده است. متوسط نرخ تعرفه محصولات صنعتی از $۲/۷\%$ در سنگاپور تا $۱۴/۹\%$ در اندونزی متفاوت است. در عین حال متوسط نرخ تعرفه صنعتی برای کالاهایی که نرخ تعرفه آنها محدود شده است از $۳/۲\%$ در اتحادیه اروپا تا $۳۶/۹\%$ در اندونزی متفاوت می‌باشد. برای محصولات معدنی میزان نرخ‌های تعرفه محدودکننده برای کالاهایی با نرخ زیر ۱۰% معادل $۴۵/۲\%$ و برای نرخ‌های بالای ۴۰% معادل ۲۰% می‌باشد.

در ادامه این بخش به بررسی نرخ‌های تعرفه در کشورهای مختلف در قبل و بعد از

الحاق به سازمان تجارت جهانی با تأکید بر صنعت کانی‌های غیرفلزی پرداختیم.

- چین نرخ‌های تعرفه را از متوسط ۱۵/۳ درصد به ۱۲ درصد تا پایان ۲۰۰۲ کاهش داد.
- برای ممانعت از دامپینگ مجمع ملی سنگال نرخ‌های تعرفه جدیدی را اجراء نمود. عوارض مالی و گمرکی با یکدیگر ادغام و به عنوان عوارض گمرکی با نرخ‌های صفر، پنج، ده و بیست و پنج درصد بر روی چهار گروه محصول وضع گردیدند که ۵۸٪ کاهش در نرخ‌های تعرفه سنگال است.
- کمبوجیه در پروسه عضویت در سازمان تجارت جهانی است. اغلب موانع غیرتعرفه‌ای تجاری حذف شده‌اند. تعداد نرخ‌های تعرفه از ۱۲ به ۴ و حداکثر نرخ از ۱۲۰٪ به ۳۵٪ کاهش یافت.
- کاهش نرخ‌های تعرفه در محدوده صفر تا ۵۰٪ و کاهش سوبسیدها در الحاق جمهوری قرقیزستان به سازمان تجارت جهانی در نظر گرفته شده است.
- روسیه یک مورد غیرمتداولی را برای دسترسی به بازار کشورهای سازمان تجارت جهانی ارائه می‌کند. اقتصاد روسیه ساختاری متفاوت با سایر اقتصادهای غیربرنامه‌ای دارد. برخی معافیت‌ها وجود نداشتند و مقررات خاص در روسیه وضع نشده بودند. حتی پس از ده سال گذر از دوره انتقال، روسیه فاقد مقررات خاص در گروهی از بخش‌هاست. مشکل دیگر آن که برخلاف سایر کشورها الحاق روسیه به سازمان تجارت جهانی همزمان با اجرای آزادسازی‌های تجاری نبود. بسیاری از بخش‌ها خواستار افزایش نرخ‌های تعرفه همزمان با الحاق به سازمان

تجارت جهانی شدند. علاوه بر نرخ‌های تعرفه، کنترل قیمت‌ها نیز یک مانع اساسی برای گسترش مذاکرات است. الحاق به سازمان تجارت جهانی مستلزم آن است که روسیه مقرراتی را معرفی کند که مقررات موجود در خصوص تجارت بین‌المللی کالاها و خدمات را شفاف تر سازد. این امر مسلماً منجر به بهبود محیط تجاری شده و آثار مثبتی را بر رشد اقتصادی بر جای خواهد گذاشت. تصمیم روسیه برای الحاق به سازمان تجارت جهانی یک تصمیم سیاسی بود و هم اکنون مورد انتقاد احزاب و گروه‌های حمایت‌گرا قرار گرفته است که معتقدند الحاق به سازمان تجارت جهانی منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی خواهد شد.

- جامائیکا سیاست‌های حمایتی را کنار گذاشت و حمایت از واردات را مورد توجه قرار داد. نرخ‌های تعرفه تأثیر بسزایی بر واردات و GDP داشته اما تغییرات صادرات را توضیح نمی‌دهد.

- چک در ارتباط با توافقنامه اروپا ۵ مرحله کاهش نرخ‌های تعرفه را در نظر گرفت. از سال ۲۰۰۰ نرخ‌های تعرفه صفر برای کالاهای وارداتی اعمال می‌شود که از کشورهای با حداقل توسعه وارد می‌شوند و نرخ‌های تعرفه عمومی برای واردات از کشورهایایی اعمال می‌شود که جمهوری چک با آنها توافقنامه دول کامله الوداد را امضا نکرده باشد.

- تایوان متعهد شد که نرخ‌های عوارض گمرکی خود را کاهش داده و برخی از محدودیت‌های وارداتی خود را پس از ورود به سازمان جهانی تجارت حذف کند. در این راستا

نرخ‌های تعرفه از متوسط ۸/۲۲٪ به ۵/۵۴٪ کاهش یافته است

- در هندوستان دسترسی به بازار محصولات غیر کشاورزی یکی از اصول اساسی پیوستن به سازمان جهانی تجارت است. متوسط نرخ‌های تعرفه در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲ برای محصولات خام، شبه صنعتی و کالاهای تمام شده به ترتیب معادل ۶/۲۳٪، ۴/۳۲٪ و ۴/۳۱٪ بوده است.
- توافقنامه اقدامات حمایتی نظیر اقدامات ضد دامپینگ به دلیل حمایت از صنایع داخلی مورد توجه فلیپین قرار گرفته است. قانون اقدامات حمایتی عنوان می‌کند که اقدامات حمایتی باید برای تمام محصولات وارداتی بدون توجه به مبدأ واردات صورت گیرد. اما قانون حمایتی فلیپین هیچ گونه تفاوتی بین محصولاتی که تعرفه‌های آن محدود شده و نشده قائل نشده است. نرخ‌های محدود شده توسط کشورهای عضو قابل تغییر نیستند، اما در خصوص کالاهایی که توسط فلیپین محدود نشده‌اند نظیر سیمان نرخ‌های تعرفه بر روی این کالاها در هر شرایطی قابل افزایش است.

در بخش بعدی با توجه به اهمیت کشورهای خلیج فارس این کشورها را در رابطه با آثار الحاق آنها سازمان تجارت جهانی بررسی می‌نماییم. عضویت در سازمان تجارت جهانی و آزاد سازی تجاری منجر به رشد اقتصادی و تشویق اطمینان سرمایه گذاران خارجی خواهد شد. بحرین، کویت، قطر و امارات عربی متحده و عمان همگی اعضاء سازمان تجارت جهانی هستند. عربستان و یمن تقاضای عضویت نموده و در خصوص شرایط ورود مذاکره می‌کنند. تقاضای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بدلیل مخالفت ایالات متحده تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است. عضویت در سازمان تجارت جهانی محرک مهمی برای اجرای رفرمهای اقتصادی

در این گروه کشورها بوده و هست و منجر به تغییر شرایط موجود آنها شده و خواهد شد. اعضا باید نسبت به حذف موانع غیرتعرفه‌ای نظیر استانداردهای منطقه‌ای، گواهی‌ها، جوازها، بازرسی‌هایی که مطابق با قوانین سازمان تجارت جهانی نیست مبادرت نمایند. از جمله موارد حائز اهمیت برای پیشرفت کشورهای منطقه، حمایت از حقوق مالکیت معنوی است. عضویت در سازمان تجارت جهانی منجر به بازکردن درهای بخشهای خاص بر روی رقابت خارجی در منطقه می‌شود.

- دسترسی عمان به سازمان تجارت جهانی منجر به رفمهای اساسی شد. بطوریکه عمان موافقت نمود نسبت به آزادسازی تعرفه‌ها مبادرت نماید و تعرفه‌های کشاورزی، مواد معدنی، اتومبیل، محصولات تکنولوژی، محصولات شیمیایی و کاغذ را محدود کند و قوانین سازمان تجارت جهانی در خصوص استانداردها و رفرم پروسه ارزش گذاری گمرکی را بپذیرد و تبعیض مالیاتی بین کمپانیهای داخلی و خارجی قائل نشود. درصد مجاز سهم سرمایه گذاری خارجی از ۴۹٪ به ۷۰٪ افزایش یافت و بخشهای جدیدی را بر روی سرمایه گذاران خارجی باز کرده است.

- اقدامات انجام شده توسط عربستان نظیر آزادسازی سرمایه گذاری خارجی در سال ۲۰۰۰ و بهبود قوانین مالیاتی به نفع سرمایه گذاران خارجی است. دسترسی به بازارهای جدید که در اختیار تمامی اعضا سازمان تجارت جهانی قرار می‌گیرد منجر به منافع قابل توجهی برای عربستان خواهد شد. مذاکرات چندجانبه نیز منجر به دسترسی آسان تر به بازارهای عربستان از

طریق کاهش سوبسیدهای بخش کشاورزی، کاهش محدودیتهای کمی، بهبود حقوق مالکیت معنوی، بهبود رویه‌های ارزش گذاری گمرکی و نیز برخورد مالیاتی یکسان با سرمایه گذاران خارجی خواهد شد.

- نرخهای تعرفه در کشورهای منطقه خلیج فارس کاملاً متفاوت است. در جهت یکسان سازی تعرفه‌ها در کشورهای خلیج فارس در نوامبر سال ۱۹۹۹، کشورهای منطقه خلیج فارس تصمیم گرفتند که تعرفه‌های وارداتی را به محدوده ۵/۵ تا ۷/۵ درصد تا سال ۲۰۰۵ محدود نمایند. اثر این توافق بستگی به استثناءها و زمان بندی اجرای آن دارد. اجرای کامل این توافقنامه منجر به کاهش قابل ملاحظه نرخهای تعرفه در عربستان خواهد شد که منجر به دسترسی آسانتر به بازار اصلی در منطقه می‌شود. از طرف دیگر، امارات عربی متحده و کویت باید نرخهای تعرفه خود را افزایش دهند تا نرخهای یکسانی در قالب GCC^۱ اعمال شود. حرکت به سمت ایجاد تعرفه‌های یکسان منجر به انتقال GCC از یک ترتیبات تجاری منطقه‌ای به یک اتحادیه گمرکی خواهد شد و لذا انتظار می‌رود که منوط به بازرسی بیشتر سازمان جهانی تجارت و برخورد با آن در قالب یک اتحادیه گمرکی باشد.

- از موانع غیرتعرفه‌ای مهم کشورهای خلیج فارس می‌توان به موارد: الزام واردات توسط آژانسهای داخلی، محدود کردن خرید دولتی، اقلام ممنوعه وارداتی، الزام محدودکننده برچسب‌ها اشاره نمود.

^۱ - Gulf Countries Custom

بسیاری از کشورهای در حال توسعه قادر به انطباق شرایط خود با شرایط سازمان جهانی تجارت نبوده و حرکت‌های انجام شده در جهت آزادسازی با شکست مواجه شده است. در این بخش به بررسی علل عدم توانایی کشورهای در حال توسعه با شرایط و توافقنامه‌های سازمان جهانی تجارت می‌پردازیم.

اصولاً تناقض ماهوی میان پروسه آزادسازی کشورهای در حال توسعه و رویه‌ای که اقتصاددانان راجع به آن می‌اندیشند وجود دارد. از یکسو می‌شنویم که آزادسازی تجاری اثرات مثبتی را بر رشد اقتصادی برجای خواهد گذاشت. از سوی دیگر همه روزه می‌شنویم که بسیاری از کشورهای در حال توسعه ادعا می‌کنند که آزادسازی تجاری دارای اثرات منفی بر اقتصاد این کشورها گذاشته است. در واقع یکی از دلایل بروز آثار منفی پروسه آزادسازی آن است که آزادسازی سریع تجاری منجر به گسترش کسری تراز تجاری در کشورهای در حال توسعه شده است. در واقع آزادسازی سریع تجاری منجر به رشد سریع واردات شده اما صادرات قادر نبوده با این روند همراهی کند. ثانیاً کشورهای در حال توسعه باید معجز باشند تا به رهبری سازمان جهانی تجارت پردازند و توافقنامه‌های قبلی را مورد تجدید نظر قرار دهند تا از عدم تعادل‌ها و آثار منفی آزادسازی تجاری جلوگیری کنند. از جمله موضوعاتی که در ادوار بعدی باید مورد توجه بیشتری از سوی کشورهای در حال توسعه قرار گیرند، عبارتند از موضوعات سرمایه‌گذاری، خریدهای دولتی، سیاست‌های رقابتی و تعرفه‌های صنعتی.

صنعت سیمان بدلیل تولید گازهای گلخانه‌ای نقش مهمی در آلودگی محیط زیست

دارد. ۵٪ تولید کل گاز CO₂ در جهان متعلق به بخش سیمان است که ۴۵٪ آن ناشی از مصرف انرژی و ۵۵٪ آن ناشی از فرآیند تبدیل بی کربنات کلسیم به اکسید کلسیم و انیدرید کربنیک می‌باشد. بازاء تولید هر تن سیمان ۱-۰/۷ تن گاز CO₂ متصاعد می‌گردد. موضوعات زیست محیطی از جمله مسائل و چالش‌های پیش روی صنعت سیمان بالاخص در کشورهای اروپایی است و در آینده در این صنعت نقش تعیین کننده خواهد داشت.

علیرغم اینکه در مقررات سازمان تجارت جهانی موافقتنامه خاصی برای مسائل زیست محیطی تا به حال به تصویب نرسیده ولی در موافقتنامه‌های مختلف به موضوعات زیست محیطی اشاره شده است. در مقابله بین‌المللی با گرم شدن کره زمین در دسامبر ۱۹۹۷ بیش از ۱۰۰ کشور در کیوتو ژاپن نشستی مبنی بر کنترل و کاهش گازهای گلخانه‌ای بالاخص انیدرید کربنیک داشتند. این اجلاس به دنبال کنوانسیون کلی تغییر آب و هوای زمین سازمان ملل متحد (UNFCCC-1992) صورت پذیرفت. بر اساس موافقتنامه کیوتو کشورهای توسعه یافته موافقت کردند که تولید گازهای گلخانه‌ای خود را به نسبت سطح تولید ۱۹۹۰ محدود نمایند. کشورهای اروپایی بعد از کنفرانس آرهوس، طرح EU-ETS مبنی بر ایجاد بورس خرید و فروش مجوز انتشار گاز Co₂ را در پارلمان اروپا تصویب نمودند.

سوخت‌های اصلی در کوره‌های سیمان شامل موارد زیر هستند:

▪ زغال سنگ (Coal)

- سوخت‌های نفتی (Fuel oil)

- گاز طبیعی (Natural gas)

- کک نفت (Petroleum cokes)

سوخت‌های ثانویه در کوره‌های سیمان شامل موارد زیر هستند. همانطور که گفته شد

این سوخت‌ها اثرات زیست محیطی مطلوبی نسبت به سوخت‌های اولیه یا فسیلی دارند.

- لاستیک چرخ (Tyres)

- ضایعات زباله‌ای جامد شهری (Municipal solid waste)

- پلاستیک (Plastics)

- سوخت‌های مشتق از ضایعات مایع (Liquid waste derived

fuels)

- سوخت‌های ضایعات زیستی (ضایعات غذا، لجن فاضلاب

شهری، چربی و گوشت حیوانات) (Biomass fuels (wood

waste, sewage sludge, animal meal and fat)

- بلژیک در چارچوب کنوانسیون تغییر محیط زیست در ریودوژانیرو و پروتکل کیوتو و

در چارچوب قوانین اتحادیه اروپا، خود را متعهد ساخت که صدور گاز کربنیک را از سال

۱۹۹۰ تا ۲۰۰۸ به میزان ۷/۵ درصد کاهش دهد. رسیدن به اهداف یادشده از طریق سه محور زیر

بر حسب امکانپذیری و قابل دسترس بودن و تکنولوژی صورت می‌گیرد:

- بهبود کارآیی انرژی پروسه تولید
- استفاده از سوخت‌های آلترناتیو از محصولات فرعی و مواد زائد
- استفاده بیشتر از مواد معدنی نظیر سرباره و خاکستر (Fly ash, Slag)
- صنعت سیمان فرانسه و وزیر محیط زیست این کشور توافقنامه‌ای در اکتبر ۱۹۹۶ امضاء کردند که تصاعد گاز CO₂ و مصرف انرژی در صنعت سیمان را برای سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۰ کنترل کنند. بر این اساس، صنعت سیمان فرانسه توافق نمود که تولید CO₂ را به میزان ۲۵٪ در خلال سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۰ کاهش دهد و بعلاوه صدور CO₂ برای هر تن سیمان بمیزان ۱۰٪ کاهش یابد. آنها آمادگی خود را برای اجرای کامل این توافقنامه و وظایفی که باید در چهارچوب توافقنامه کیوتو اجرا نمایند اعلام نموده‌اند.
- در ۱۹۹۵، صنعت سیمان آلمان بطور اختیاری متعهد شد که مصرف انرژی سوخت فسیلی را به میزان ۲۰٪ در خلال سالهای ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۵ کاهش دهد، در واقع این به معنای کاهش انتشار گاز CO₂ به میزان ۳ میلیون تن در سال در خلال دوره مذکور بوده. در مقابل دولت آلمان از وضع مالیات بر گاز CO₂ و یا بر مصرف انرژی خودداری نمود.
- بدنبال توافقنامه کیوتو در سال ۱۹۹۷، صنعت آلمان توافقنامه اختیاری خود را بسط داد و آن را به سطوح بین‌المللی رساند. برای حمایت از دولت آلمان برای رسیدن به هدف ۲۱٪ کاهش CO₂ تا سال ۲۰۱۲، صنعت سیمان هدف خود را تا ۲۸٪ تا سال ۲۰۰۵ افزایش داد و متعهد به ۳۵٪ کاهش انتشار گاز کربنیک تا سال ۲۰۱۲ شد. در عین حال در همین زمان، صنعت

سیمان هدف خود را بازنگری نمود و متعهد به کاهش ۲۸٪ در خلال سالهای ۲۰۱۲-۱۹۹۰ شد که از سوخت‌های خاص شامل فسیلی و الکتریسیته منتشر شود. با در نظر گرفتن تولید CO2 حاصل از مواد خام میزان کل CO2 منتشره از صنعت سیمان آلمان در خلال سالهای ۲۰۱۲-۱۹۹۰ به میزان ۱۶٪ کاهش می‌یابد.

مهمترین ابزار برای کاهش انتشار CO2 و اجرای این توافقنامه عبارتند از :

- بهبود پروسه تولید
- افزایش سوخت جانشین برای سوخت‌های فسیلی از طریق استفاده مواد زائد
- تغییر در ترکیب تولید سیمان (افزایش سهم سیمان blended)
- تحقیق و توسعه در زمینه تکنولوژی، استفاده از مواد جانشین
- انتقال دانش فنی (آموزش کارکنان کارخانجات، مبادله تجربیات مهندسی و مدیریت با سایر کشورها).

- در سال ۱۹۹۲، اتحادیه صنعت سیمان هلند توافقنامه‌ای را با دولت هلند امضاء نمود که مصرف انرژی خود را به میزان ۱۰٪ تا پایان سال ۱۹۹۵ در مقایسه با سال ۱۹۸۹ کاهش دهد. این اولین قدم در جهت بهبود کارآیی انرژی به میزان ۲۰٪ در خلال سالهای ۲۰۰۰-۱۹۸۹ بود.

در توافقنامه دوم صنعت سیمان هلند متعهد شد که کارآیی انرژی را در خلال سالهای

۱۹۸۹-۲۰۰۰ به میزان ۲۱٪ افزایش دهد. کاهش ۱۵ درصدی صدور گاز CO₂ از طریق صرفه جویی انرژی و استفاده از سوخت‌های جانشین برای سوخت‌های فسیلی در کوره‌های سیمان ایجاد شده و به هدف ۲۱٪ افزایش کارآیی انرژی در سال ۲۰۰۰ نائل شد.

از طریق این تعهدات، صنعت سیمان نقش مهمی را در کاهش گاز CO₂ در سطح ملی ایفاء نمود و تا سال ۲۰۰۰، CO₂ بمیزان ۵٪ کاهش یافت. در هر دو توافقنامه کاهش مصرف انرژی از طریق سرمایه گذاری در بهبود تکنولوژی ایجاد شد.

موارد زیر مصرف الکتریسیته را به میزان ۲۵٪ کاهش داده است:

- استفاده از سیستم‌های کامپیوتری برای پروسه تولید خشک
- استفاده از سوخت‌های جانشین در کوره‌های سیمان
- استفاده از مواد جانشین برای خرد کردن سیمان.
- استفاده از تکنولوژی جدید در آسیاب سیمان

با پایان یافتن دو توافقنامه مذکور در اول ژانویه ۲۰۰۱ توافقنامه جدیدی بین اتحادیه صنعت سیمان و سه وزارتخانه امور اقتصادی، و وزارت محیط زیست و مسئولین محلی امضاء شده است. هدف توافقنامه بهبود کارآیی انرژی پروسه تولید تا سال ۲۰۱۲ است بطوریکه در میان ۱۰٪ کارآترین صنایع جهان قرار گیرند. دولت هلند به صناعی که از برنامه‌های صرفه جویی انرژی استفاده می کنند و یا درگیر پروژه‌هایی هستند که به تحقیق و توسعه در خصوص

روش‌های تولید کمتر انرژی بر می‌پردازند کمک‌های مالی ارائه می‌کند.

- قانون سوئیس در مورد انتشار گاز CO₂ که از اول ماه مه سال ۲۰۰۰ به اجراء درآمد الزام کاهش تولید گاز CO₂ به میزان ۱۰٪ را تعیین نموده است. این قانون به عنوان ابزاری برای دستیابی به کاهش ۸٪ صدور گاز کربنیک در قالب پروتکل کیوتو است.
- قانون عوارض تغییر محیط زیست از سال ۲۰۰۱ در انگلستان وضع گردید از گزارش مارشال در خصوص «ابزارهای اقتصادی و استفاده تجاری از انرژی» نشأت می‌گیرد. این عوارض محدودیت‌های کمی بر سوخت وضع نموده است بطوریکه نرخ مالیات ۰/۴۳ پنی در هر کیلووات مصرف الکتریسیته، ۰/۱۵ پنی برای هر کیلووات گازی طبیعی، ۱/۱۷ پنی برای هر کیلوگرم سوخت جامد و ۰/۹۶ پنی برای هر کیلوگرم گاز مایع می‌باشد. سازمانهایی که به توافقنامه عوارض تغییر محیط زیست پیوسته‌اند در بسیاری از موارد ۸۰٪ تخفیف دریافت می‌کنند.

صنعت سیمان انگلستان متعهد به هدف بهبود کارآیی انرژی به میزان ۲۵/۶٪ در خلال سالهای ۲۰۱۰-۱۹۹۰ گردیده است که بیش از تعهد دولت به میزان ۲۰٪ در قالب توافقنامه کیوتو و یا در قالب توافق‌های اتحادیه اروپا به میزان ۱۲/۵٪ می‌باشد.

در سال ۱۹۹۸، اتحادیه اروپا کنوانسیون را در خصوص مسائل زیست محیطی امضا نمود که به نام کنوانسیون Aarhus مشهور شد. این توافقنامه یک کنوانسیون مهم در قوانین

بین‌المللی است. افزایش میزان اوزن هوا موضوع اهمیت دریافت اطلاعات محیط زیست را چندین برابر ساخته است. این توافقنامه بدین منظور تنظیم شد که این اطمینان ایجاد شود که مردم به اطلاعات لازم در خصوص متغیرها و وضعیت محیط زیست دسترسی دارند تا دولتها بتوانند موضوعات حائز اهمیت زیست محیطی را از دیده‌ها پنهان سازند و بدین طریق از بروز حوادثی نظیر چرنوبیل در سال ۱۹۸۶ جلوگیری کنند. بعلاوه این کنوانسیون مردم اتحادیه اروپا را در تصمیم‌گیری‌هایی که مسائل زیست محیطی را متاثر می‌سازد دخیل می‌نماید. بعلاوه این توافقنامه ضمانت به دادگاه کشاندن افرادی را که منجر به آلودگی هوا می‌شوند امکان‌پذیر می‌سازد.

بدنبال مباحث طولانی در مجلس اروپا در ژوئیه ۲۰۰۳، اتحادیه مشورتی اروپا طرحی را تصویب کرد که صدور گازهای آلوده‌کننده را در قالب طرحی محدود سازد. در واقع براساس این طرح تا ژانویه ۲۰۰۵ بورس خرید و فروش جواز انتشار گاز در ۲۵ عضو اتحادیه اروپا بمرحله اجرا گذاشته خواهد شد. چهار صنعتی که تحت تاثیر این توافقنامه قرار می‌گیرند عبارتند از: انرژی، آهن و فولاد، کاغذ و مواد معدنی شامل سیمان و بتون که در حال حاضر ۴۶ درصد از انتشار گازها توسط این چهار صنعت انجام می‌گیرد.

زمان اجرای پروژه از اول ژانویه سال ۲۰۰۵ خواهد بود و برای یک دوره سه ساله تا پایان سال ۲۰۰۷ بمرحله اجرا گذاشته خواهد شد. فاز دوم یک دوره ۵ ساله از اول ژانویه ۲۰۰۸ تا پایان سال ۲۰۱۲ خواهد بود و از آن پس نیز برای دوره‌های ۵ ساله از سال ۲۰۱۳ ادامه خواهد

داشت.

طرح ETS اتحادیه اروپا، تولیدکنندگان صنایع خاص و متصاعدکنندگان گاز CO₂ را ملزم می‌نماید که یک جواز قابل تجارت به اندازه خاصی برای متصاعد کردن گاز دی‌اکسید کربن در طول دوره اجرا دریافت دارند. و اگر بیش از مقدار جواز اقدام به متصاعد کردن گاز کربنیک کردند جریمه بدهند. در هر حال خرید و فروش جواز در بازار بورس امکانپذیر خواهد بود. این طرح تولید گاز کربنیک CO₂ را در فاز اول (۲۰۰۵-۲۰۰۷) پوشش می‌دهد اما ممکن است به سایر گازهای گلخانه‌ای (Green House Gases, GHGs) در خلال فاز دوم سالهای (۲۰۰۸-۲۰۱۲) تسری یابد.

روش عمومی در این طرح به این شکل است که جوازهایی بطور رایگان به تولیدکنندگان اختصاص خواهد یافت. با داشتن هر جواز هر کارخانه می‌تواند میزان معینی CO₂ انتشار دهد.

در هر کارخانه دستگاهی نصب می‌شود که تحت نظر طرح ETS است و میزان تولید CO₂ را در کارخانه اندازه می‌گیرد. انتظار می‌رود که در ۱۵ کشور اتحادیه اروپا حدود ده‌هزار دستگاه نصب شود. چنانچه یک واحد نصب بیش از جواز گاز کربنیک تولید کند با جریمه مالی و زیست محیطی مواجه خواهد شد. جریمه مالی جریمه‌ای است معادل ۴۰ یورو برای صدور هر تن گاز کربنیک در خلال سالهای ۲۰۰۵-۲۰۰۷ که به ۱۰۰ یورو در تن در خلال سالهای

۲۰۰۸-۲۰۱۲ برای هر تن عدم جواز افزایش خواهد یافت.

خلاصه مطالب فصل پنجم

در این فصل به بررسی ماهیت تعرفه و موانع غیر تعرفه‌ای و گمرکی در بازرگانی صنعتی ایران و بالاخص سیمان پرداختیم. در صورت الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی موانع غیر تعرفه‌ای بایست تغییر شکل یافته و حتی المقدور به تعرفه تبدیل شوند. تعرفه‌ها نیز دچار کاهش تدریجی خواهند شد.

بطور کلی موانع غیر تعرفه‌ای نسبت به تعرفه‌ها صدمه زیادی به تجارت جهانی و تک تک کشورهای وارد می‌آورد و عموماً از لحاظ آثار قیمتی و حمایتی ناشفافند و سبب ایجاد انحراف در الگوهای تولید و مصرف و تجارت در اقتصاد می‌شوند. گرچه این موانع می‌توانند اثرات مطلوبی بر حمایت از تولیدکننده داخلی داشته باشند ولی براساس نظریات مختلف تجارت بین‌الملل می‌توان نشان داد که این محدودیتها عملاً باعث کاهش رفاه در جامعه بین‌الملل خواهد شد. از طرفی طبیعت این موانع به گونه‌ای است که پایش یا مانیتور و کنترل آن مشکل است. لذا براساس موافقتنامه‌های دور اروگوئه کشورها می‌بایست موانع غیر تعرفه‌ای خود را که به نحوی در بازرگانی خارجی مؤثر است از میان برداشته و با احتساب رقمی معادل حمایت ضمنی مرتبط با موانع غیر تعرفه‌ای مزبور ارقامی بعنوان تعرفه تعیین و در گمرکات خود اعمال نمایند.

در این بخش به ارتباط موانع غیر تعرفه‌ای در ایران با یکدیگر پرداختیم. بدین منظور موانع غیر تعرفه‌ای بخش صنعت را برشمرده و با استفاده از اطلاعات سری زمانی زیر بخشهای

مختلف صنعت از ابعاد صادرات و واردات همسو نبودن این موانع را بررسی کردیم. چنانچه موانع غیر تعرفه‌ای با هم همسو نباشند می‌توان براحتی استدلال کرد که حذف دسته جمعی این موانع باعث ایجاد اثر قابل توجهی در بازرگانی خارجی ایران نخواهد شد و بلکه کارایی بازرگانی خارجی را نیز افزایش خواهد داد.

سازمان جهانی تجارت توجه قابل ملاحظه‌ای را بر استفاده از محدودیت‌های کمی و سایر اقدامات غیر تعرفه‌ای مطرح نمود. از طرف دیگر تعرفه‌ها و سایر اقدامات غیر تعرفه‌ای برای حمایت از تولید داخلی باید کاهش یافته و در صورت امکان از طریق مذاکرات کشورهای عضو حذف شود و تعرفه‌هایی که بدین صورت کاهش یافته‌اند باید تثبیت شوند و دیگر افزایش نیابند. اصل حاکم بر مبادله امتیازها در مذاکرات تصریح می‌نماید که کشورها در مذاکرات تجاری خود توافق می‌کنند تعرفه‌ها را کاهش داده و افزایش‌های بعدی تعرفه‌ها را منتفی و سایر موانع غیر تعرفه‌ای را حذف کنند. کشوری که از طریق کاهش تعرفه‌ها یا رفع موانع غیر تعرفه‌ای و محدودیت‌های کمی خواستار دسترسی بیشتری به بازار سایر کشورها است باید آماده باشد تا در تعرفه‌ها یا سایر زمینه‌هایی که کشورهای دیگر امتیازاتی داده‌اند، امتیازاتی اعطا کند. این قاعده «عمل متقابل کامل» بر مذاکرات فی‌مابین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه اعمال نمی‌شود و از کشورهای در حال توسعه خواسته می‌شود بر اساس «عمل متقابل نسبی» امتیازاتی را اعطا نمایند.

شرط معروف دول کامله‌الوداد اعلام می‌دارد اگر کشوری عضو سازمان تجارت جهانی

به کشور دیگری هرگونه تعرفه یا امتیاز دیگری برای هر محصولی اعطا کند باید فوراً و بدون قید و شرط آن را به محصول مشابه سایر کشورها تعمیم دهد. تعهد تعمیم این رفتار نه تنها بر واردات بلکه بر صادرات نیز اعمال می‌شود.

اصل رفتار ملی کشورهای عضو را ملزم می‌کند تا با محصولات وارداتی رفتاری کاملاً یکسان و مشابه با کالاهای ساخت داخل داشته باشند. بدین ترتیب هیچ کشوری آزاد نیست بر محصول وارداتی که با پرداخت حقوق گمرکی به کشور وارد شده است مالیات‌های داخلی (مالیات بر فروش یا عوارض دیگر) با نرخ‌های بالاتر از آنچه بر محصولات داخلی مشابه اعمال نموده وضع نماید.

بنگاه‌های صادراتی عموماً تعرفه‌ها را بر محدودیت‌های کمی ترجیح می‌دهند زیرا تعرفه‌ها شفاف هستند و تأثیر آنها بر قیمت قابل پیش‌بینی است، همچنین استفاده از موانع غیرتعرفه‌ای و محدودیت‌های کمی موجب عدم اطمینان در تجارت می‌شود زیرا مقامات اداری (کشور واردکننده) میزان سهمیه‌ها یا موانع غیرتعرفه‌ای را هر وقت که مقتضی بدانند تغییر می‌دهند و اغلب به دلایل گوناگون واردکنندگان را مجبور به اخذ مجوز واردات می‌کنند و این قبیل موانع غیرتعرفه‌ای برای نظارت بر محدودیت‌های کمی در شرایط خاصی برای کشورهای عضو مجاز است و یا ممکن است برای نظارت بر آمارهای تجاری یا قیمت‌های برخی کالاها مورد استفاده قرار گیرد.

بررسیهای بعمل آمده حاکی از آن است که موانع غیر تعرفه‌ای OECD بطور قابل توجهی سهم بیشتر واردات از کشورهای در حال توسعه را نسبت به واردات از سایر کشورهای صنعتی متأثر می‌سازد. تقریباً ۱۸ درصد از صادرات غیرنفتی کشورهای در حال توسعه مواجه با اقدامات غیر تعرفه‌ای است، در حالی که سهم مذکور برای واردات از OECD حدود ۱۰ درصد است. بین ۵۲ تا ۶۴ درصد از صادرات منسوجات و پوشاک کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کمتر از ۱۰ درصد صادرات OECD از کالاهای مذکور مواجه با محدودیت است. نسبت‌های پوشش (نسبت تجارت مواجه با اقدامات غیر تعرفه‌ای به میزان کل تجارت) موانع غیر تعرفه‌ای برای صادرات چرم و کفش کشورهای در حال توسعه ۱۷ تا ۲۷ درصد بیشتر از محصولات کشورهای صنعتی است. نسبت‌های پوشش همواره برای کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته نیست. به طور مثال در مورد اقلام غذایی نسبت پوشش برای کشورهای صنعتی ۲۸ درصد و برای کشورهای در حال توسعه ۱۸ درصد است. در کل از جمله محدودیتهای عمده برای واردات، عوارض متغیر بر واردات است که در گروه مواد غذایی و خوراک با ۵۲ درصد از کل پوشش موانع غیر تعرفه‌ای تجارت را شامل می‌شود. پس از آن محدودیت‌های کمی با پوشش ۳۰ درصد تجارت و سایر اقدامات کنترل قیمت (مانند حداقل قیمت‌های واردات) ۱۷ درصد از کل تجارت را پوشش می‌دهند.

اصول راهنمای زیر برای اندازه‌گیری موانع غیر تعرفه‌ای بکار برده می‌شود:

- اندازه‌گیری اثر موانع غیر تعرفه‌ای باید به گونه‌ای باشد که میزان معادل تعرفه را برحسب

قیمتهای داخلی کالاهای تجاری نشان دهد.

- تنها اثرات مستقیم بر قیمتتهای داخلی باید برای محاسبه تعرفه معادل استفاده شوند.
- یک روش یکتا که بتوان بعنوان روش قابل اتکا برای اندازه گیری تعرفه معادل موانع غیر تعرفه‌ای در تمام بخشها بکار گرفت وجود ندارد.
- جایگزین برای برخی موانع غیر تعرفه‌ای خاص وجود ندارد.
- تأکید اصلی می‌بایست بر روشهایی باشد که اطلاعات خود را از داده‌های منتج از بازار می‌گیرند تا از برآوردهائی از داده‌ها.
- در عمل بسیاری موانع غیر تعرفه‌ای وجود دارند که نمی‌توان برای آنها روشهای با کیفیت مناسب برای معادلسازی تعرفه پیدا نمود.
- با توجه به نااطمینانی مرتبط با اندازه گیری معادل تعرفه موانع غیر تعرفه‌ای بهتر است نتایج درون یک فاصله اعتماد تقریبی ارائه و تحلیل شوند.
- بهتر است برآوردهای تعرفه معادل برای ریزترین سطح ممکن اقلام کالاها محاسبه شوند.

با توجه به الزاماتی، در مورد کالاهای خاص از ابعاد مختلف بهداشت، استاندارد، اعتقادات مذهبی، ملاحظات اجتماعی و فرهنگی، حمایت از تولیدات داخلی، بازگرداندن درآمد حاصل از صادرات، سیاستهای تنظیم واردات در مقابل صادرات و ... موانع غیر تعرفه‌ای متعددی در ایران وضع گردیده است. مازاد بر موانع غیر تعرفه‌ای باید بر ماهیت سیاسی برخی

موانع غیر تعرفه‌ای نیز اشاره نمود که غالباً در درون تصمیمات مختلف مقطعی ظهور پیدا می‌کند و عملاً سبب ایجاد اختلال در امر واردات یا صادرات کشورها می‌شود. برای مثال تبااهی که دولت‌ها در مورد متهم به مسموم بودن برخی مواد غذایی کشوری خاص انجام می‌دهند که سبب ورشکستگی صنایع مرتبط با آن کالا در کشور مزبور می‌شود را می‌توان نام برد. برای مثال عدم بهداشتی تلقی کردن پسته و خرمای ایران در کشورهای اروپایی و آمریکا و یا عدم بهداشتی معرفی کردن محصولات کشاورزی ایران در کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس از جمله نمونه‌های بارزی در مورد ایران می‌باشند. تحریم صدور کالا از طریق فشارهای سیاسی بین‌المللی نیز خود طیف وسیعی از تحولات را در بخش بازرگانی خارجی کشورها ایجاد می‌نماید. برای مثال دوران تحریم اقتصادی ایران مخصوصاً در سالهای جنگ ایران و عراق ماهیت این موضوع را روشن می‌نماید. سهمیه بندیهای ارزی خود یکی دیگر از موانعی است که نمی‌توان آن را در غالب موانع تعرفه‌ای طبقه بندی نمود. این سهمیه بندیها عملاً تخصیص واردات را در کشورها به نفع اولویتهای دولت تغییر می‌دهد. وجود نرخهای ارز چندگانه نیز به انحاء مختلف تخصیصهای واردات و صادرات را بر هم می‌زند. گرچه نرخ ارز عملاً از لحاظ عملکرد جزو موانع تعرفه‌ای بوده و غیرتعرفه‌ای نیست ولی اثر بسزایی در بازرگانی خارجی دارد و این اثر در زمان وجود نرخهای چندگانه از شدت اثر بیشتری در تحدید یا تشویق واردات و صادرات برخوردار است. برخی از موانع غیرتعرفه‌ای جنبه بین‌المللی دارد و مورد ایراد نیست مانند رعایت استانداردهای رسمی و بین‌المللی تا جایی که ایمنی و سلامت نیروی کار و مصرف‌کننده مطرح است یا

بهداشت و قرنطینه حیوانی و دامی، ملاحظات ایمنی و مذهبی ملی و امنیتی و انرژی اتمی در رابطه با مواد آلوده کننده یا مواد پرتوافکن. ولی سایر موانع مثل ممنوعیت یا محدودیت‌ها و مجوزهای ورود، الزامات ثبت سفارش، کارت بازرگانی، عضویت در اتاق بازرگانی، حمل با وسایل نقلیه داخلی، خرید بصورت پیش‌بینی شده و محدودیت و یا ممنوعیت به اعتبار مبداء حمل یا ساخت یا هر دو، منوط به منحصرأ استفاده از ارز دولتی، و بسیاری موارد مشابه دیگر می‌باشد. این قبیل موانع عملاً بر روند واردات اثر می‌گذارند و آن را کند می‌کند ولی با توجه به اینکه همواره راه‌های مختلفی برای جبران این محدودیت‌ها در قالب‌های دیگر نظیر واردات از مناطق آزاد و غیره باز می‌شود می‌توان ادعا کرد که این موانع نیز قادر نبوده‌اند در روند واردات ایران تأثیر چندانی گذارند و یا تهدیدی برای آن محسوب شوند.

پیمان ارزی تقریباً در اکثر سالهای قبل و بعد از انقلاب وجود داشته است. لیکن تفاوتی بین قبل و بعد از انقلاب وجود دارد و این تفاوت، فقدان اختلاف نرخ ارز با نرخ رسمی و حتی در مواردی ارزان‌تر بودن نرخ ارز بازار نسبت به نرخ ارز رسمی در سالهای قبل از انقلاب می‌باشد. علیرغم وجود پیمان ارزی این مانع نتوانسته است تأثیر عمده‌ای در روند بازگشت منابع ارزی بجا بگذارد. در حال حاضر پیمان سپاری ارزی در بازرگانی خارجی ایران حذف شده است.

انواع موانع غیر تعرفه‌ای مذکور در این فصل لااقل در دو الی سه دهه گذشته در اقتصاد ایران مطرح بوده‌اند و بسیاری از آنان نیز در حال حاضر منسوخ می‌باشند. به طور کلی از میان

حدود ۵۱۱۶ ردیف تعرفه‌ای (بدون لحاظ کردن فصل ۷۷) حدود ۹۵/۱۹ درصد مشروط، حدود ۳/۴۸ درصد ممنوع و حدود ۰/۱۶ درصد مجاز می‌باشند، همچنین ۱/۱۷ درصد نیز کالاهایی هستند که از قوانین خاص پیروی می‌کنند. کالاهای مشروط همگی مستلزم رویه‌های خاص اجرائی در روند صادرات و واردات می‌باشند. گونه‌های موانع غیر تعرفه‌ای زیر از اهم موانع می‌باشند:

محدودیت واردات: به اعتبار تولیدات یا محصولات داخلی با هدف حمایت از تولیدکنندگان داخلی یا به لحاظ مشکلات ارزی و به منظور حفظ تعادل بین واردات و صادرات یا به لحاظ عدم برخورداری کالا از اولویتهای تعیین شده یا به لحاظ تولید مشابه داخلی به حد کافی یا به لحاظ تجملی یا لوکس بودن یا غیر ضروری بودن کالا یا به لحاظ مبدأ یا به اعتبار کشور مبدأ یا به لحاظ کیفیت کالا (مستعمل بودن کالا) یا (کهنه بودن کالا مثلاً ایلف کهنه) یا به لحاظ اغفال خریداران در ارتباط با مبدأ کالا (مثلاً کالاهایی که با علائم تجاری و نام کارخانجات معروف یا کشورهای خاص عرضه می‌شود) یا به موجب قوانین خاص و یا ممنوعیتهایی که طبق شریعت مقدس اسلام به اعتبار مصرف کالا وضع شده‌اند.

الزامات قانونی واردات شامل: ثبت سفارش کالا در وزارت بازرگانی، ثبت سفارش کالا در بانک، بیمه باربری نزد شرکتهای بیمه ایرانی، کارت بازرگانی، کارت اقتصادی، تودیع ودیعه برای واردات، الزام به ارائه گواهی بازرسی برای مقامات دولتی نظیر بانکها، وزارتخانه‌های صنعتی و غیره، اخذ گواهی استاندارد حسب مورد، اخذ گواهی بهداشت حسب مورد، اخذ

گواهی قرنطینه و غیره حسب مورد، رعایت ضوابط بانک مرکزی در ثبت سفارش و موعد گشایش اعتبار و غیره، پرداخت حق ثبت سفارش برای واردات به بانک، پرداخت حق ثبت سفارش برای واردات به وزارت بازرگانی و یا رعایت روشهای توصیه شده برای واردات از لحاظ تقسیمات واردات با ارز دولتی (ارز بازرگانی) به نرخهای شناور، صادراتی و غیره، یا با ارز غیر بازرگانی (واردات بدون انتقال ارز)، یا واردات از محل قراردادهای دولت با کشورهای بیگانه (پایپای قراردادی)، یا واردات بصورت پایپای مرزی (پبله وری)، یا واردات به صورت مبادلات مرزی، یا سایر موارد می باشد.

در رابطه با صادرات، محدودیتها و ممنوعیت به لحاظ نیاز داخلی، ممانعت از افزایش قیمتها در داخل، به لحاظ شرعی، ممنوعیت به اعتبار قوانین خاص، ممنوعیت صدور اشیاء عتیقه و میراث فرهنگی وضع می شود. الزامات قانونی صادرات شامل: قیمت گذاری کالای صادراتی توسط کمیسیون نرخ گذاری، کارت بازرگانی، کارت اقتصادی، تودیع پیمان ارزی برای کالای صادراتی، رعایت استانداردهای اجباری، رعایت بهداشت، رعایت مقررات قرنطینه دامی یا نباتی و اخذ مجوزهای ورود یا صدور برای کالای مجاز مشروط و تعیین ارزش کالای ورودی توسط گمرک مبتنی بر معیارهای قانونی تعیین ارزش کالای ورودی در گمرک و تعیین ارزش کالا بدون توجه به مستعمل بودن کالا می باشد.

در سالهای اخیر در جهت مهیا نمودن شرائط الحاق به سازمان تجارت جهانی بسیاری از این موانع غیر تعرفه ای حذف شده اند با ارائه شرحی درباره موانع غیر تعرفه ای مهم و گمرکی در

بخشهای واردات و صادرات مکانیزم‌های عمل این موانع را بررسی می‌نماییم. در بخش واردات به رویه واردات در مقابل صادرات بالاخص در مواردی که برای صادرات تعهد یا پیمان ارزی اخذ نمی‌شود و یا مواردی که صادرات موکول به تودیع تعهد ارزی است این مانع را شرح می‌دهیم. واردات قبل از صادرات به دو صورت متداول واردات موقت برای پردازش به شرط صدور مجدد و واردات قطعی قبل از صادرات قطعی نیز از مباحث مرتبط با این بخش است. واردات بدون انتقال ارز که به شکل یک رویه گمرکی درآمده بود نیز در این قسمت بازبینی می‌گردد.

در بخش صادرات موانع مختلف غیر تعرفه‌ای مهم در صادرات تجاری کالا که حتی به منظور حمایت از صادرات و تشویق صادر کنندگان نیز وضع می‌شود در موارد: قیمت گذاری کالای صادراتی، یارانه صادراتی، معافیت یا تخفیف پیمان ارزی، واردات در مقابل صادرات، بازپرداختهای گمرکی، استرداد حق ثبت سفارش، معافیت گمرکی لوازم بسته‌بندی کالای صادراتی، معافیت گمرکی ماشین‌آلات و دستگاهها تشریح می‌گردد.

لازم به ذکر است که براساس قانون صادرات کالا و خدمات از پرداخت از پرداخت هرگونه عوارض معاف است و هیچیک از وزارتخانه‌ها، سازمانها، نهادها، دستگاههای اجرایی، شهرداری‌ها و شوراهای محلی، استانی و کشوری که بر طبق قوانین و مقررات حق وضع و اخذ عوارض را دارند مجاز نیستند از کالاها و خدماتی که صادر می‌شوند عوارض اخذ نمایند یا مجوز اخذ آن را صادر کنند.

برای اینکه بدانیم آیا موانع غیرتعرفه‌ای وضع شده در ایران محدود کننده یا مشوق بازرگانی خارجی است جهت اثر آنها را از لحاظ کاهندگی یا فزاینندگی صادرات و واردات بررسی می‌کنیم. به عبارت دیگر بررسی نمودیم که آیا وضع و یا رفع موانع غیرتعرفه‌ای یا افزایش نرخ تعرفه اثرات هماهنگی با یکدیگر در یک بخش دارند یا خیر. بر اساس بررسیهای انجام شده، موانع مختلف غیرتعرفه‌ای در واردات چندان هماهنگی با دیگر موانع غیرتعرفه‌ای نداشته‌اند در اکثر اوقات نقیض یکدیگر می‌باشند. از باقی نتایج بدست آمده اینکه همبستگی قواعد و مقررات غیرتعرفه‌ای بسیار پایین بوده و نشان دهنده عدم همخوانی و همسویی قوی سیاستهای موانع غیرتعرفه‌ای می‌باشد.

مشابه نتیجه فوق برای صادرات بدست آمد و نتایج بدست آمده حاکی از عدم همخوانی و همسویی موانع غیرتعرفه‌ای در بخش صادرات برای صنعت ایران می‌باشد.

با توجه به ناهمسو بودن موانع غیرتعرفه‌ای در بازرگانی خارجی ایران در بخش صنعت می‌توان گفت که برداشتن این موانع همگی به کارایی بازرگانی خارجی ایران خواهد افزود زیرا همسو نبودن این موانع به معنی داشتن اثرات مثبت و منفی و بر خلاف جهت یکدیگر در اجرای یک نوع سیاست مثلاً تحدید واردات با تشویق صادرات می‌باشند. لذا با توجه به موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت مبنی بر لزوم تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌ها به نظر نمی‌رسد اشکالات چندانی در جهت حذف موانع غیرتعرفه‌ای بوقوع بپیوندد تا چه برسد به تبدیل آنها به تعرفه‌ها.

بررسی‌های فوق را در مورد بخش کانی‌های غیرفلزی ادامه دادیم. موانع عمده غیرتعرفه‌ای واردات در بخش کانی‌های غیرفلزی شامل موارد واردات با ارزش بازرگانی، واردات بدون انتقال ارزش، واردات در مقابل صادرات، عوارض ثبت سفارش واردات، واردات ارزی محدود، واردات (بدون انتقال ارزش) محدود به موارد خاص، واردات در مقابل صادرات محدود به موارد خاص، واردات مجاز، واردات غیرمجاز، واردات مشروط، ممنوعیتها بسیار محدود می‌شود. موانع عمده غیرتعرفه‌ای در صادرات سیمان و سایر کانی‌های غیرفلزی شامل صادرات مجاز، صادرات غیرمجاز، واردات در مقابل صادرات، مجوزهای خاص حسب مورد، صادرات مشروط، صادرات عمدتاً مشروط، پیمان ارزی، پیمان ارزی صوری است، پیمان ارزی تقریباً صوری، قیمت گذاری الزامی، تخفیف در پیمان ارزی در نظر گرفته شدند.

با انجام محاسبات مشابه مجدداً به وضوح نتیجه گرفتیم که حذف موانع غیرتعرفه‌ای به دلیل ناسازگاری و ناهم جهت بودن آنها تأثیر چندانی بر تجارت خارجی کانی‌های غیرفلزی نخواهد داشت. موانع غیرتعرفه‌ای در این بخش و کل بخش صنعت تعمیم این نتیجه‌گیری نیز را ساده می‌نماید. به عبارت دیگر می‌توان به این نتیجه کلی را هم مد نظر قرار داد که حذف موانع غیرتعرفه‌ای در ابتدا نه تنها اشکالی در تحدید واردات یا تشویق صادرات به عمل نمی‌آورد بلکه با رفع موانع ایجاد شده کارائی نظام تجارت خارجی ایران را بهبود نیز خواهد بخشید. حال چنانچه با روشهای تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای اقدام به برقراری تعرفه بنمائیم قدمی در جهت اعمال نظرات مستقیم سیاستگذار در رسیدن به اهداف تجاری یا حمایتی برداشته شده

است. بدین ترتیب گرچه اخیراً اقداماتی در جهت رفع و حذف موانع غیرتعرفه‌ای برداشته شده تا سازگاری مناسب برای تطبیق با موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت ایجاد شود ولی می‌توان با تاکید این بررسی صحت ادامه این سیاست یعنی حذف تقریباً تمامی موانع غیرتعرفه‌ای اقدام نمود.

در بخش بعد به بررسی تعرفه‌ها پرداختیم. تعرفه‌ها در میان کشورهای خلیج فارس اساساً متفاوت است. در ایران تعرفه بر اساس مقررات صادرات و واردات کلیه کالاهای وارداتی به ۲۱ قسمت و ۹۷ فصل تقسیم می‌شوند. پایین‌ترین نرخ تعرفه مربوط به صنایع شیمیایی است. صنعت کانی غیرفلزی در ردیف پنجم متوسط نرخ تعرفه‌ای معادل ۳۵/۷ درصد را تجربه نموده است. در حقیقت صنعت سیمان در ایران در مقایسه با صنایعی نظیر مواد غذایی و منسوجات کمتر مورد حمایت قرار گرفته اما در مقایسه با بخشهایی نظیر صنایع شیمیایی با متوسط نرخ تعرفه ۱۸/۹ درصد مورد حمایت می‌باشد. ایران درجات حمایت تعرفه‌ای بالاتری را نسبت به سایر کشورها اعمال داشته است. به عنوان مثال متوسط نرخ تعرفه در بخش صنعتی در ترکیه، سنگاپور و فیلیپین بالغ بر ۵/۷، ۲/۷ و ۹/۱ درصد می‌باشد. حتی در مقایسه با تایلند ۴۳/۷ و هندوستان با متوسط نرخ تعرفه ۲۹/۵ درصد، ایران شاهد متوسط نرخهای تعرفه بالاتر بالاخص در بخش صنایع خوراکی و منسوجات بوده است. در واقع شدت سیاستهای حمایتی در ایران در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه منجر به قاچاق کالاها گردیده است که این به معنی این است که متوسط نرخ تعرفه عملی پایین‌تر از مقادیر گزارش داده شده رسمی است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که متوسط ساده تعرفه گمرکی (متوسط ساده مجموع حقوق گمرکی و سود بازرگانی) ایران برای کلیه قسمت‌های و فصل‌ها در حدود ۶۰/۷ درصد می‌باشد. کالاهای اساسی که واردکننده عمده آنها دولت می‌باشد مانند کالاهای اساسی مانند گندم، برنج و گوشت معمولاً از تعرفه معاف بوده و یا دارای نرخ تعرفه پایینی می‌باشند. کالاهای لوکس و رودشان عمدتاً ممنوع بوده و یا دارای نرخ تعرفه بالایی می‌باشند و کالاهایی که جنبه صادراتی دارند و در حال حاضر نیز صادر می‌گردند به دو گروه تقسیم می‌شوند برخی نظیر انواع پوشاک، کفش و پوست دارای نرخ تعرفه بالا بوده و برخی دیگر مانند سوخت‌های معدنی، روغن‌های معدنی، محصولات صنایع شیمیایی و محصولات شیمیایی آلی دارای نرخ تعرفه پایین و یا معاف از تعرفه می‌باشند. تعرفه‌های سیمان در سال ۱۳۸۳ رقم ۴٪ ارزش واردات سیمان می‌باشد که نرخ بالایی نیست این نرخ در مورد آهک‌های مختلف و گچ تا حدود ۱۵٪ ارزش وارداتی آنها نیز وضع گردیده.

حمایت مؤثر در صنایع از طریق اعمال تعرفه‌ها از مباحث بعدی در این زمینه می‌باشد. مهمترین حمایتی که در دهه‌های اخیر از صنعت صورت گرفته، حمایت از طریق تخصیص ارز با قیمت‌های پایین‌تر از نرخ بازار آزاد بوده است. در سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ میزان ارز تخصیص داده شده به صنعت از طریق تسهیلات اعطایی از محل حساب ذخیره ارزی صورت گرفت. میزان تسهیلات اعطا شده از محل این حساب به بخش معدن سهم بسیار ناچیزی بوده است.

چگونگی اثر سیاست‌های تعرفه‌ای و ارزی بر نرخ مؤثر حمایت از صنایع مختلف تحلیل

گردید. نتیجه این بود که صنعت کانی غیرفلزی از کمترین حمایت مؤثر و صنایع تولید فلزات اساسی و شیمیایی از بیشترین حمایتها برخوردار بوده‌اند. از طرفی تا قبل از سال ۱۳۷۲ نرخهای تعرفه نقش قابل توجهی در افزایش نرخ مؤثر حمایت از صنایع نداشته است. این مسئله به دلیل پایین بودن نرخ تعرفه مؤثر بوده است و در سال ۱۳۶۸ نرخ ارز برای واردات نهاده مهمترین عامل افزایش نرخ حمایت مؤثر بوده است. در سال ۱۳۷۴، صنایع تولید فلزات اساسی پوشاک و مواد غذایی، آشامیدنی به ترتیب بالاترین نرخهای مؤثر حمایت را داشته‌اند. در سال ۱۳۷۷ با تغییر مقررات صادرات و واردات، نرخهای تعرفه بار دیگر به حقوق گمرکی و سود بازرگانی تبدیل شد و در اغلب صنایع نرخهای مؤثر حمایت از کالاهای نهایی افزایش پیدا کرد. در همان سال تولید فلزات اساسی، مواد غذایی و آشامیدنی، چوب و محصولات چوبی و پوشاک به ترتیب از بالاترین حمایتها و صنایع نساجی و کانی غیرفلزی از پایین‌ترین نرخ مؤثر حمایت برخوردار بوده‌اند.

بررسی‌های نهائی به عدم وجود یک استراتژی مشخص ارائه حمایت از صنایع مختلف ختم می‌گردد زیرا که تغییرات قابل توجهی که در میزان حمایتهای مؤثر طی سه سال مورد بررسی وجود دارد که نشانگر تغییرات مداوم سیاستها در اولویت‌بندی صنایع مختلف است و مشخص نیست که کاهش و افزایش حمایتها براساس چه اولویتی در سیاستهای صنعتی کشور بوده است.

قیمت گذاری سیمان از لحاظ موانع بازرگانی به عنوان یک مانع مهم شناخته می‌شود.

زیرا این امر نه تنها فعالیت‌های بازرگانی خارجی سیمان را دچار اختلال می‌نماید بلکه به دلیل

قیمت گذاری‌های انجام شده در مکانیزم عرضه و تقاضا جایگاه ضعیفی به دست می‌آورد. از لحاظ مسائل مرتبط با الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی نیز یکی از معضلات در بخش سیمان همین امر خواهد بود. از لحاظ موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی پرداخت یارانه‌ها به انحاء مختلف حتی با اجبار از طریق قیمت گذاری کالاها بایست مرتفع گردد. با توجه به اهمیت این موضوع مروری بر قیمت گذاری سیمان نمودیم. اصولاً قیمت گذاری دولتی سیمان در ایران باعث شده است که دولت سهمیه بندی در توزیع را نیز به عهده بگیرد. اتخاذ چنین روشی موجب گردیده است که قیمت سیمان با نرخ دولتی کمتر از نرخ آن در بازار آزاد شده و این امر موجب اختلال در بازار سیمان گردیده است.

همانگونه که ملاحظه گردید موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای موجود در اقتصاد ایران از جمله موانع موجود بر سر راه الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی است. وجود انواع تعرفه‌ها و نرخهای بالای تعرفه بالاخص در صنعت سیمان، سیاست قیمت گذاری و مداخله سازمانها و کمیته‌های متعدد در امر قیمت گذاری و توزیع سیمان منجر به آن شده که درجه حمایت بالایی از صنعت سیمان بعمل آید. بعلاوه وجود ممنوعیت‌های صادراتی در برخی سالها انگیزه تولیدکنندگان را کاهش داده و لذا افزایش ظرفیت سیمان در سطح ۳۰ میلیون تن اگرچه کمبود تقاضای موجود را جبران خواهد کرد اما بدلیل شدت حمایت‌های بعمل آمده از این بخش و قیمت‌های دستوری و دخالت در نحوه توزیع سیمان، صنعت سیمان و فرآورده‌های آن قادر به رقابت با محصولات مشابه خارجی نبوده و نیست.

دسترسی به سازمان تجارت جهانی مستلزم حذف قیمت‌های کنترل شده، محدودیت‌های کمی و ممنوعیت‌های واردات و صادرات می‌باشد که رفع همگی آنها شرط لازم برای بهبود قدرت رقابتی صنعت سیمان می‌باشد. در واقع الحاق به سازمان تجارت جهانی مستلزم اتخاذ رفرم‌ها و اصلاحات اساسی برای کاهش نرخهای تعرفه و حذف موانع غیر تعرفه‌ای است. شایان ذکر است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه قبل از الحاق به سازمان تجارت جهانی نسبت به حذف موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای مبادرت نموده و بسترهای لازم را جهت الحاق ایجاد نموده اند. چنانکه ایران مصمم است به عضویت این سازمان درآید و از منافع آن بهره مند گردد و ضروریست که نسبت به برطرف نمودن چنین موانعی سریعاً اقدام نماید.

خلاصه مطالب فصل ششم

الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی از دو جنبه کیفی و کمی قابل بررسی است. از لحاظ جنبه کیفی این الحاق عملاً باعث می‌شود که ایران در راستای پذیرفتن موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی الزاماً باید اصلاحاتی را در ساختار حقوقی، مالی و اقتصادی خود بپذیرد که این امر می‌تواند سبب بهبود ساختار اقتصاد ایران شود. از طرف دیگر حرکت ایران با جهت حرکت اقتصاد جهان همسو خواهد شد که در بلند مدت آثار حسن زیادی بر اقتصاد ایران خواهد گذاشت. از بُعد کمی به دلیل اینکه ایران یک کشور صادر کننده نفت است و نفت از اقلام مشمول مقررات سازمان تجارت جهانی خارج است و نسبت صادرات به واردات ایران بسیار کم و در حدود ربع می‌باشد الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی اگر باعث افزایش نرخ رشد صادرات و واردات به صورت یکسان هم شود چون واردات بسیار بیشتر از صادرات غیرنفتی است نتیجتاً باعث بدتر شدن تراز بازرگانی خارجی ایران نیز خواهد شد. به هر حال علیرغم این وضعیت کلی برای اقتصاد کشور به همه بخش‌ها قابل تسری نیست و الحاق به سازمان تجارت جهانی می‌تواند تراز تجاری برخی از بخش‌ها یا زیربخش‌ها یا حتی کالاها را بهبود دهد.

جنبه‌های کمی آثار الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر بازرگانی خارجی از دو منظر قابل بررسی است. منظر اول از اثر اعمال قیمت‌های جهانی و حذف یارانه‌ها بر عوامل تولید داخلی و نتیجتاً بهای تمام شده محصولات بر قابلیت رقابت کالاهای داخلی و خارجی پیدا

می‌شود. منظر دوم اثر کاهش تعرفه‌ها در اثر الحاق به آن سازمان است که قیمت کالاهای داخلی و خارجی را در خارج و داخل کشور تغییر داده و سبب تغییر در میزان صادرات و واردات می‌گردد. در این فصل به اندازه‌گیری این دو اثر اساسی الحاق به سازمان تجارت جهانی بر صنعت سیمان پرداختیم. لذا در بخش اول به اندازه‌گیری اثر قیمت جهانی منابع بر هزینه تولید سیمان هم از لحاظ نظری و هم کاربردی پرداختیم.

حمایت از صادرات کالاها بر پایه مزیت نسبی باعث می‌شود که واحدهای تولیدی برنامه‌ریزیهای خود را بر اساس بازار رقابتی در جهان طراحی و به مرحله اجرا بگذارند. موفقیت این واحدها به بازاریابی و هزینه‌های تولید بستگی دارد. به منظور مشخص نمودن توان رقابتی یک فعالیت تولیدی از معیار هزینه منابع داخلی (DRC) استفاده می‌شود. این معیار می‌تواند ضمن حذف اختلالات قیمتی ناشی از سیاستهای جایگزینی واردات، مزیت نسبی حقیقی کالاها را محاسبه نماید.

هدف ما در این فصل بررسی این موضوع بود که آیا ایران پس از الحاق به سازمان تجارت جهانی توان رقابت بین‌المللی با تولیدکنندگان سیمان را دارد یا خیر؟ برای این کار کارخانه سیمان آبیگ قزوین را به عنوان نمونه انتخاب نمودیم تا با کمک شاخص DRC مشخص نماییم که آیا سیمان آبیگ در تولید سیمان دارای مزیت نسبی بین‌المللی است یا خیر؟

مزیت نسبی یکی از نظریه‌های اقتصادی در زمینه تجارت بین‌الملل است که بیان می‌کند یک کشور زمانی در وضعیت بهتری قرار خواهد گرفت که در تولید کالاهایی تخصص یابد که آنها را کارآمدتر از دیگران تولید کند و آنگاه به صدور این کالاها و ورود دیگر کالاهایی می‌پردازد که با کارایی کمتری نسبت به دیگران آنها را تولید می‌کند.

در بخش بعدی به بررسی برخی از شاخصهای مهم که جهت تشخیص مزیت نسبی در تولید کالا در یک کشور یا منطقه‌ای خاص بکار می‌رود پرداختیم. شاخصهای مزیت نسبی آشکار که به معیارهای طرف تقاضا نیز معروفند را تشریح نموده و مشکلات استفاده از شاخصهای مزبور را بررسی نمودیم. شاخص مزیت نسبی لیزنر، شاخص مزیت نسبی بالاسا، شاخص مزیت نسبی ولراث، شاخص مزیت نسبی کونیموتو، شاخص مزیت نسبی بون و شاخص مزیت نسبی بالانس شامل شاخصهای یونیدو و دانگزی‌دیل را بررسی نمودیم و مشکلات این شاخص‌ها را در اندازه‌گیری مزیت نسبی برشمردیم.

از عمده‌ترین معایب شاخصهای مزیت نسبی آشکار عدم توجه به هزینه‌های تمام شده کالاهای صادراتی و تطبیق آن با قیمتهای بین‌المللی می‌باشد و از طرف دیگر این شاخصها مزیت نسبی را با توجه به صادرات و واردات محقق شده و سهم آنها جستجو می‌کند (مزیت نسبی بالفعل). در حالیکه ممکن است کالایی به دلایلی از جمله قوانین گمرکی و حساسیت سیاستگذار برای تأمین تقاضای داخلی صادر نشده باشد ولی مزیت نسبی داشته باشد (مزیت نسبی بالقوه). فقدان شرایط رقابت کامل در بازار کالاها، خدمات و عوامل تولید باعث شده که

بازار نقش اصلی خود را در تخصیص منابع از دست بدهد و لذا محاسبه قیمت‌های رقابتی و واقعی یک کالا از روش‌های معمول غیرممکن بوده و بجای قیمت‌های بازار از طریق محاسبه قیمت‌های سایه‌ای اقدام به برآورد قیمت‌های واقعی کالاها می‌نمائیم. عموماً کشوری که بر اساس مزیت نسبی خود تولید می‌کند به تولید کالایی می‌پردازد که به بهترین نحو قادر به تولید باشد با توجه به این شرایط شاخص‌های مزیت نسبی توانایی لازم برای توضیح این وضعیت را ندارند.

در معیارهای طرف عرضه کارایی تولید از نظر هزینه مد نظر است بدین صورت که هر کشور تنها باید کالاهایی را تولید کند که در سطح جهان مزیت نسبی در هزینه تولید آن دارد و در غیر این صورت باید آن کالا را وارد نماید. این نگرش از آن جهت که به بخش تقاضا توجهی ندارد و به کارایی تولید از دید هزینه نگاه می‌کند به دیدگاه طرف عرضه معروف است و روش‌های مختلفی جهت اندازه‌گیری سیاست‌های تشویق صادرات و جایگزینی واردات در این زمینه ارائه شده است که سه روش نرخ موثر حمایت و سودآوری خالص اجتماعی و هزینه منابع داخلی بیشتر متداول می‌باشند.

روش نرخ موثر حمایت ارزش افزوده ایجاد شده در تولید داخلی را در دو حالت سیاست حمایت از تولید داخلی و بدون حمایت از آن مقایسه می‌نماید. نرخ حمایت اقتصادی می‌تواند مثبت یا منفی باشد. اگر قیمت محصول بیشتر از قیمت جهانی آن باشد نشان دهنده یک یارانه ضمنی در تولید آن است که بیان‌کننده حمایت مثبت است، و برعکس. نرخ موثر حمایت، درصد افزایش در ارزش افزوده داخلی را در اثر وضع تعرفه اندازه‌گیری می‌کند.

معیار سودآوری خالص اجتماعی یکی دیگر از معیارهایی است که سود (یا زیان) خالص اجتماعی یک فعالیت را اندازه گیری می کند. اگر قیمت‌های سایه‌ای برای عوامل و محصولات در نظر گرفته شده باشند و همه اثرات خارجی روی اقتصاد داخلی نیز با ارزش گذاری اجتماعی لحاظ شده باشند، آنگاه، سودآوری خالص اجتماعی، منفعت (یا زیان) خالص مربوط به یک فعالیت را نشان می دهد. در این روش از ارزش جهانی محصول (برحسب پول داخلی) کل هزینه‌های تجاری (شامل مواد اولیه، و کالاهای واسطه‌ای) و داخلی (شامل نیروی کار، سرمایه) و نهاده‌های غیرتجاری محصول کسر می گردد و سودآوری خالص اجتماعی فعالیت محاسبه می گردد. مثبت بودن این معیار نشان دهنده موجه بودن فعالیت و منفی بودن آن حاکی از زیان اجتماعی در تولید آن است.

هزینه منابع داخلی معیاری است از هزینه فرصت واقعی منابع داخلی که یک واحد ارز خارجی را ایجاد یا صرفه جویی می کند. به تعریف دیگر هزینه منابع داخلی بصورت هزینه پس‌انداز ارز خارجی (از طریق جایگزینی واردات) یا هزینه کسب ارز خارجی (از طریق صادرات) می باشد. در تعاریف دیگر هزینه منابع داخلی عبارت از نسبت ارزش سایه‌ای داده‌های خالص داخلی به ارزش سایه‌ای ستانده‌های خالص مبادله شده یا عبارت از ارزش افزوده به قیمت‌های داخلی در مقایسه با ارزش افزوده به قیمت‌های جهانی است و از مقایسه هزینه فرصت نهاده‌های اصلی (منابع طبیعی، نیروی کار و سرمایه) مورد استفاده در تولید یک کالا با ارزش افزوده آن کالا به قیمت‌های مرزی، ضریب هزینه منابع داخلی حاصل می شود. چنانچه مقدار

ضریب از یک کوچکتر باشد به این معنی است که منابع مورد استفاده به شکل کارا بهره برداری شده‌اند و در نتیجه کالای تولیدی در رقابت جهانی دارای مزیت نسبی است و چنانچه ضریب DRC بزرگتر از یک باشد عدم مزیت نسبی کالا را در صحنه جهانی نشان می‌دهد و اگر برابر یک باشد ارزش منابع داخلی استفاده شده برابر با همان میزان قابلیت خرید کالا در بازارهای جهانی است.

بین هزینه منابع داخلی و خالص منفعت اجتماعی رابطه مشخصی وجود دارد. معیار هزینه منابع داخلی وقتی از قیمت سایه‌ای ارزش خارجی کسر شده و در خالص ارزش خارجی (بدست آمده یا صرفه جوئی شده) ضرب شود به خالص منفعت اجتماعی می‌رسیم.

در مقایسه معیارهای طرف عرضه باید گفت که بدلیل اهمیت سهم ارزی پروژه‌ها و نیز از آن جهت که نرخ ارزش بیشترین مزیت را دارد لذا DRC نسبت به دو معیار دیگر کارایی بالاتری دارد و DRC بیان صریحی از اصل مزیت نسبی دارد. در DRC و نرخ حمایت مؤثر ERP فرض تداوم یا برطرف شدن سیاستهای تحریفی مهم است. اگر سیاستها منجر به حمایت از نهاده‌های واسطه‌ای داخلی شوند DRC و ERP نتایج مشابهی دارند. زیرا نهاده‌های واسطه‌ای تجاری و غیرتجاری در هر دو معیار به مانند واردات به حساب می‌آیند. اگر سیاستهای تحریفی تجاری تداوم یابد. تنها باید از DRC جهت ارزیابی استفاده نمود. DRC همه مراحل ساخت کالا را می‌تواند لحاظ کند و نسبت به نرخ مؤثر حمایت که تنها آخرین مرحله ساخت را در نظر می‌گیرد رجحان دارد.

بررسی‌های کاربردی زیادی در این زمینه صورت گرفته که از میان آنها بررسی‌هایی را درباره چگونگی عدم موفقیت سیاستهای کنترل ارزی ترکیه، تعیین مزیت نسبی صنایع مختلف ماداگاسکار، بررسی مزیت نسبی پنبه، نیشکر، گندم و برنج پاکستان، ارزشیابی فعالیتهای صادراتی کشور چین و نوسازی صنعتی آن کشور، بررسی مزیت‌های کشاورزی در جمهوری چک و بلغارستان و مقایسه آن با اتحادیه اروپا، بررسی حمایت و هزینه حمایت چهارده رشته فعالیت صنعتی ایران، اندازه‌گیری مزیت نسبی و تاثیر مداخلات دولت بر محصولات عمده زراعی ایران، اندازه‌گیری مزیت‌های محصولات پتروشیمی خارک شامل گوگرد، پروپان، بوتان، پنتان، استراتژی تجاری و صنعتی در ایران برای صنایع سیمان و نساجی و پتروشیمی و صنعت تولید ورق فولاد به اختصار توضیح داده شدند.

روش محاسبه هزینه منابع داخلی و دلایل استفاده از قیمت‌های سایه‌ای و تعیین قیمت‌های سایه‌ای به روشهای گوناگون از مباحث دیگری بود که به ذکر آن پرداختیم.

در فضای ایده‌آل رقابت کامل عمل متقابل هزاران تولید کننده حداکثر کننده سود و هزاران مصرف کننده حداکثر کننده مطلوبیت به وضعیتی منجر می‌شود که بهینه پارتو نام دارد. در این حالت منابع بصورت کارا تخصیص می‌یابند و قیمت‌ها نیز کارا هستند و بهایی که مصرف کنندگان برای یک واحد بیشتر مایل به پرداخت هستند (ارزش نهایی کالا) درست برابر هزینه نهایی کالا برای تولید کننده است. با این وجود شرایط اقتصادی عملی از شرایط رقابت کامل و بهینه پارتو دور است و بین قیمت‌های بازار و قیمت‌های کارا تفاوت زیادی وجود دارد. با توجه به

موضوع بالا اغلب اقتصاددانان می‌کوشند معیارهایی را معرفی نمایند که نشان‌دهنده قیمت‌های کارا باشند و آن قیمت‌های سایه‌ای است. قیمت‌های سایه‌ای معرف هزینه واقعی اجتماعی منابع و مواد اولیه مورد استفاده در ساخت محصول می‌باشد که قیمت‌های بازار بیانگر آن نمی‌باشد.

تعیین قیمت‌های سایه‌ای مستلزم داشتن یک الگوی تعادل عمومی برای کل اقتصاد است و استفاده از الگوی تعادل عمومی برای قیمت‌های سایه‌ای کاری دشوار و پرهزینه می‌باشد و مستلزم اطلاعات زیادی است لذا در عمل از روش‌های تعادل جزئی استفاده می‌شود.

برخی از روش‌های برآورد قیمت‌های سایه‌ای عبارتند از: روش لیتل میریس یا روش OECD، روش اسکواپروون در تک که بسط روش OECD، روش یونیدو و روش موناسینگه. قیمت سایه‌ای نیروی کار، با روش بانک جهانی و روش بانک توسعه آسیایی و نحوه محاسبه قیمت سایه‌ای نیروی کار در بررسی حاضر، قیمت سایه‌ای ارز خارجی در روش یونیدو متخذ از روش برابری قدرت خرید و روش بانک توسعه آسیایی مبتنی بر اختلاف بین قیمت‌های مبادله‌ای و غیرمبادله‌ای و تخمین نرخ ارز کارا در ایران، روش محاسبه قیمت سایه‌ای سرمایه به روش جرگسون و برآورد هزینه فرصت سرمایه در ایران و قیمت سایه‌ای نهاده‌های قابل مبادله و قیمت سایه‌ای نهاده‌های غیرقابل مبادله از مباحث دیگر این بخش بود.

در بخش بعدی به محاسبه مزیت نسبی سیمان به روش اندازه‌گیری هزینه منابع داخلی تولید سیمان پرداختیم. همانطور که بدان اشاره شد، ضریب هزینه منابع داخلی (DRC) از مقایسه

هزینه فرصت نهاده‌های اصلی (کار و سرمایه) مورد استفاده در تولید یک کالا با ارزش افزوده آن کالا به قیمت‌های مرزی حاصل می‌شود. برای محاسبه این ضریب قیمت سایه‌ای ارز، قیمت سایه‌ای نیروی کار، قیمت سایه‌ای خدمات عامل سرمایه، قیمت سایه‌ای ستانده صنعت، قیمت سایه‌ای نهاده‌های قابل مبادله، قیمت سایه‌ای نهاده‌های غیر قابل مبادله را تعیین و به محاسبه DRC می‌پردازیم و نهایتاً حساسیت DRC را نسبت به تغییرات نرخ ارز و قیمت بررسی می‌نمائیم.

معیار DRC در نرخ ارز سایه‌ای ۸۳۲۳ ریال و قیمت مرزی ۳۲ دلار معادل ۰/۹ می‌شود و به دلیل اینکه این عدد کوچکتر از یک می‌باشد می‌توان بیان کرد که شرکت سیمان فارس خوزستان در تولید سیمان در عرصه جهانی دارای مزیت نسبی ایستا می‌باشد. این رقم نشان می‌دهد که با تولید هر تن سیمان با هزینه کردن ۰/۹ دلار یک دلار بدست آورده یا ۱۰ درصد تولید هر تن سیمان صرفه‌جوئی ارزی خواهد شد.

جهت مطالعه واکنش و حساسیت DRC نسبت به تغییرات نرخ ارز و قیمت مرزی سیمان مبحث کشش را مطرح می‌نماییم. لذا در ادامه این بخش به مقوله کشش ارزی و قیمتی می‌پردازیم. مطابق محاسبات به عمل آمده اگر نرخ ارز ده درصد بالا رود و قیمت سایر عوامل ثابت باشد میزان DRC به ۰/۸۲ و میزان کشش DRC به ۰/۸۸ می‌رسد که نشان دهنده حساسیت DRC نسبت به تغییرات ده درصدی نرخ ارز است. محاسبات به عمل آمده نشان می‌دهد که اگر قیمت ارز به ۷۵۰۰ ریال برسد و قیمت سایر عوامل ثابت باشد میزان DRC برابر

با یک خواهد شد. لذا می‌توان نتیجه گرفت در صورتیکه قیمت ارز به کمتر از ۷۵۰۰ ریال برسد و قیمت سایر عوامل در تولید سیمان ثابت باشد ما مزیت نسبی خود را از دست می‌دهیم.

محاسبه کششی قیمتی DRC شرکت سیمان فارس خوزستان برای سال ۱۳۸۳ نشان می‌دهد که اگر قیمت تولید سیمان تغییر کند و قیمت سایر عوامل مانند نرخ ارز ثابت بماند آنگاه میزان DRC چگونه تغییر می‌کند. اگر قیمت یک تن سیمان از ۳۲ دلار به ۳۵/۵ دلار برسد (چیزی حدود ۱۰ درصد تغییر کند) آنگاه میزان DRC به ۰/۷۴ خواهد رسید و میزان حساسیت DRC نسبت به این تغییرات قیمت ۱/۷۷ خواهد شد. اگر قیمت یک تن سیمان در بازار جهانی به ۳۰/۵ دلار کاهش یابد میزان DRC برابر با یک خواهد شد. لذا می‌توان نتیجه گرفت در صورتیکه قیمت یک تن سیمان به کمتر از ۳۰/۵ دلار برسد قیمت سایر عوامل ثابت باشند ما مزیت نسبی خود را در تولید سیمان در عرصه جهانی از دست خواهیم داد. از طرف دیگر اگر قیمت سایر عوامل ثابت باشند و فقط قیمت برق از ۴ سنت به ۵/۵ سنت به ازای هر کیلو وات ساعت برسد. میزان DRC بدست آمده مطابق جدول بعدی یک می‌شود. به این ترتیب اگر قیمت مرزی برق به بیش از ۵/۵ سنت به ازای هر کیلو وات ساعت برسد DRC محاسبه شده بزرگتر از یک خواهد شد و ما مزیت نسبی خود را در تولید سیمان از دست خواهیم داد.

محاسبه مزیت نسبی شرکت سیمان فارس خوزستان بر اساس قیمت‌های داخلی ما را به هزینه منابع داخلی (DRC) ۰/۴۶ می‌رساند که در مقایسه با شاخص DRC بر اساس قیمت‌های مرزی (۰/۹۰) دارای فاصله زیادی است. علت این اختلاف را می‌توان در سوبسیدهای پنهانی به

سوخت و انرژی جستجو کرد. قیمت‌های داخلی برق، مازوت همگی اختلافات زیادی با قیمت‌های مرزی خود دارند که نشان می‌دهد دولت سوبسیدهای بالایی را به مصرف‌کنندگان حامل‌های انرژی می‌پردازد.

با توجه به مفروضات بالا شاخص DRC بر اساس قیمت‌های سایه‌ای و عملکرد تولید یک تن سیمان برابر با ۰/۹۰ گردید. بدلیل اینکه این شاخص کمتر از یک می‌باشد، تولید سیمان دارای مزیت نسبی بسیار کمی است، لذا در صورت نزدیک شدن قیمت‌ها به قیمت‌های جهانی توانایی رقابت زیادی در عرضه بین‌المللی نخواهیم داشت.

اگر قیمت یک تن سیمان به ۳۰/۵۰ دلار در عرضه بین‌المللی برسد (با ثابت در نظر گرفتن قیمت سایر عوامل) شاخص DRC برابر یک خواهد بود. یعنی زیر قیمت فوق تولید سیمان متوجه زیان است.

اگر نرخ برابری دلار به ۷۵۰۰ ریال تنزل کند (با ثابت در نظر گرفتن قیمت سایر عوامل) شاخص DRC برابر یک خواهد بود. یعنی زیر نرخ فوق تولید سیمان متوجه زیان است.

کشش ارزی DRC نسبت به تغییرات ده درصدی نرخ ارز ۰/۸۸ محاسبه گردید.

از تحلیل حساسیت DRC نسبت به تغییر قیمت می‌توان فهمید در صورتیکه قیمت

سیمان ۱۰ درصد افزایش یابد آنگاه میزان DRC به ۰/۷۴ خواهد رسید.

اگر قیمت مرزی برق به ازای هر کیلو وات ساعت از ۴ سنت به ۵/۵ سنت افزایش یابد و قیمت سایر عوامل ثابت باشد $DRC=1$ خواهد شد. لذا با افزایش قیمت جهانی برق از ۵/۵ سنت به ازای هر کیلو وات ساعت مامزیت نسبی خود را از دست می دهیم.

این وضعیت در مورد سوخت مازوت نیز مشابه است یعنی اگر قیمت مرزی مازوت از ۹ سنت به ۱۱ سنت برسد میزان $DRC=1$ خواهد شد. لذا در عین حالت نیز با افزایش قیمت مرزی مازوت به بیش از ۱۱ سنت مامزیت نسبی خود را از دست می دهیم.

مقایسه DRC محاسبه شده ($DRC = 0/90$) یا قیمت‌های جهانی و DRC بدست آمده با قیمت‌های داخلی ($DRC = 0/46$) ما را به این موضوع می رساند که ما در صنعت سیمان از سوبسیدهای پنهانی بالایی برخوردار هستیم با این وجود ما در تولید سیمان در عرصه جهانی توانایی رقابت داریم و از مزیت نسبی ایستا برخوردار هستیم اما لازم است در سیاست‌های تجاری کشور و سیاست‌های صنعتی بنگاه‌ها اصلاحاتی در جهت بهره گیری از مزیت نسبی فوق بعمل آید.

در بخش بعدی به بررسی اثر کاهش تعرفه‌ها بر صنعت پرداختیم. با بررسی تقاضای واردات و عرضه صادرات زیربخش‌های صنعتی موضوع را آغاز می‌نماییم. از لحاظ نظری واردات، تابع نرخ ارز، قیمت کالاهای خارجی، قیمت کالاهای داخلی و میزان درآمد می‌باشد. هدف از آوردن قیمت کالاهای خارجی و نرخ ارز در تابع تقاضای واردات، احتساب قیمت

فروش رفته (تمام شده برای خریدار) کالای وارداتی می‌باشد و قیمت کالاهای داخلی، رقابت بین کالاهای داخلی و خارجی را در تابع تقاضای واردات مطرح می‌سازد. هزینه‌های گمرکی و موانع غیرتعرفه‌ای نیز به عنوان هزینه‌ای بر قیمت فروش رفته (تمام شده برای خریدار) تلقی می‌شوند.

زیربخش‌های صنعتی براساس طبقه بندی نهگانه ISIC مد نظر این بررسی بود و موانع غیرتعرفه‌ای متعددی بطور مجزا در بخشهای صادرات و واردات صنعت شناسایی و در الگوها لحاظ شدند. دو دستگاه معادلات همزمان هرکدام با نه معادله برای بخش‌های صادرات و واردات طراحی گردیدند و با استفاده از متغیرهای کیفی موانع غیرتعرفه‌ای و متغیرهای کیفی وقایع خاص دستگاه معادلات مورد نظر را کامل نموده و با توجه به اینکه واردات زیربخش‌های صنعت در ارتباط با یکدیگر هستند لذا از روش "رگرسیون‌های به نظر نامرتبط" برای برآورد سیستم معادلات مزبور استفاده نمودیم که در یک زمان، ۹ معادله دستگاه را یکجا برآورد می‌نماید. برآورد دستگاه مورد نظر نشان داد که از قدرت توضیح دهنده‌گی قابل قبولی برخوردار می‌باشد و علی‌رغم وجود نقاط پرت در رگرسیون‌ها معذالک برآوردها در سال‌های آخر نمونه به سمت مقادیر واقعی نزدیک‌تر شده‌اند و مبین خوبی رگرسیون‌ها برای برآورد در زمان‌های آینده نزدیک به سال‌های آخر نمونه می‌باشند. بررسی‌ها نشان داد که موانع غیرتعرفه‌ای عملاً همانند نرخ هزینه مؤثر واردات عمل می‌کنند و چنانچه در الحاق به سازمان جهانی تجارت بخواهیم از آن استفاده کنیم می‌توان این استنباط را داشت که به راحتی می‌توان به جای موانع

غیرتعرفه‌ای از افزایش تعرفه یا نرخ ارز مؤثر استفاده نمود. این موضوع علیرغم سادگی آن در فرآیند تعرفه‌سازی (Tariffication) بسیار مهم است که بجای هر کدام از موانع تعرفه‌ای به چه میزان تعرفه می‌توان وضع نمود که همان میزان اثر را بر بازرگانی داشته باشد. این موضوع در مفاد موافقتنامه دور اروگوئه که بر حذف موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آن به تعرفه تأکید دارد، بسیار قابل اهمیت می‌تواند باشد.

موانع غیرتعرفه‌ای در کوتاه مدت می‌توانند اثرات بسزایی در حجم واردات داشته باشند، ولی در بلند مدت با توجه به اینکه وارد کنندگان تدابیری اندیشیده و موانع غیرتعرفه‌ای را دور می‌زنند و راه‌هایی برای آنها پیدا می‌کنند، این موانع عملاً کم اثر می‌شود. به عبارت دیگر وارد کنندگان مقرهای قانونی و غیرقانونی موجود برای فرار از موانع مزبور را می‌یابند و با استفاده از این مقرها از محدودیت‌های نسبی این موانع می‌گریزند.

مشابه تابع تقاضای واردات، عرضه صادرات، تابعی از نرخ ارز، قیمت کالاهای خارجی، قیمت کالاهای داخلی و میزان درآمد خارجی می‌باشد. همانند بخش واردات، سیاست‌های غیرتعرفه‌ای را ورود متغیرهای کیفی در الگوه وارد کردیم. با توجه به محاسبات انجام شده در حالت‌های مختلف الگوی بخش صادرات، می‌توان نتیجه گرفت که موانع غیرتعرفه‌ای، دارای اثرات زیادی در تحدید یا تشویق صادرات کالاهای صنعتی دارند. موانع غیرتعرفه‌ای صادرات همچنان در کوتاه مدت اثر چشمگیری داشته ولی در بلند مدت، صادر کنندگان راه‌هایی برای رفع آنها پیدا نموده و نتیجتاً موانع را دور زده و به کار خود

ادامه می دهند. با توجه به این امر در بلند مدت، اثرات موانع غیر تعرفه‌ای را ناکارآمد تلقی می‌کنیم.

در بخش‌های قبلی توانستیم به الگوهای واردات و صادرات در زیربخش‌های مختلف صنعتی برسیم. این الگوها عملاً ساختار بازرگانی خارجی در زیربخش‌های صنعتی را مشخص نمودند. از لحاظ مباحث عضویت در سازمان تجارت جهانی اهمیت و تأیید، بیشتر بر ضریب متغیر تعرفه می‌باشد. به عبارت دیگر می‌خواهیم بدانیم اثر کاهش تعرفه‌های وارداتی بر کالاهای خارجی و همچنین بر تعرفه وارداتی خارجیان بر کالاهای صادراتی ما چه اثر بر حجم واردات و صادرات زیربخش‌های صنعتی دارد. این موضوع را با بررسی سناریوهایی در ارتباط با آثار و تبعات الحاق به سازمان تجارت جهانی بررسی نمودیم تا بتوان به این سؤال اساسی پاسخ داد که آیا الحاق مزبور سبب بهبود تراز بازرگانی خارجی زیربخش‌های صنعتی خواهد شد یا خیر؟

افزایش یکسان در نرخ موثر ارز یا قیمت‌های خارجی یا کاهش یکسان در قیمت کالاهای صادراتی و وارداتی در داخل کشور سبب بدتر شدن تراز تجاری زیربخش‌های صنعتی خواهد شد. حالا با توجه به شرایط سازمان تجارت جهانی، اثر تغییر در میزان واردات و صادرات و تراز تجاری زیر بخش‌های صنعتی را بررسی می‌کنیم. بر اساس مفاد موافقتنامه‌ها، کاهش تعرفه خارجیان بر کالاهای صادراتی ما بیشتر از کاهشی خواهد بود که ما بر تعرفه وارداتی کالاهای آنها وضع کرده‌ایم. در این حالت، میزان افزایش در صادرات و واردات به یک میزان نخواهد بود. در این ارتباط سناریویی را در نظر می‌گیریم که از جداول تعرفه کشورهای توسعه نیافته بر

کالاهای صنعتی و تعرفه کشورهای پیشرفته بر کالاهای صنعتی استفاده شده است.

فرض می‌کنیم سطح تولید جهانی، درآمدهای نفتی ایران، شاخص‌های قیمت عمده فروشی جهانی، ارزش واحد صادرات، نرخ مؤثر ارز، شاخص قیمت کالاهای وارداتی در داخل کشور و شاخص قیمت کالاهای صادراتی در داخل کشور، همگی در سطح قبلی خود باقی بماند و فقط نرخ تعرفه کاهش یابد و با احتساب این موضوع، میانگین بیست ساله مقادیر متغیرهای تراز تجاری، صادرات و واردات برحسب اسمی و به قیمت ثابت و شاخص مزیت نسبی آشکار زیر بخش‌های صنعتی و کل صنعت محاسبه می‌شوند. میانگین‌ها برای شرایط قبل از عضویت و بعد از عضویت و تفاوت‌های قبل و بعد از عضویت محاسبه و متوسط درصد تغییر آنها بعد از عضویت نسبت به قبل از عضویت نشان داده شدند.

با توجه به اینکه روش شبیه‌سازی انتخاب شده، ex-post simulation می‌باشد، ارزیابی نتایج به این شرح است که چنانچه در دوره مورد بررسی با همه وقایع متنوعی که اتفاق افتاده اگر ما عضو سازمان جهانی تجارت می‌شدیم چه اثراتی در متغیرهای واردات و صادرات اعم از دلاری و حقیقی و تراز تجاری دلاری و حقیقی و مزیت نسبی آشکار بر زیربخش‌های صنعتی اتفاق می‌افتاد.

بر اساس نتایج بدست آمده پس از الحاق به سازمان جهانی تجارت به طور متوسط سالانه میزان $0/57\%$ به کسری تراز تجاری کل بخش صنعت افزوده خواهد شد. این رقم برای

تراز تجاری حقیقی برابر با ۰/۶۲٪- می‌باشد. میزان صادرات کلیه زیربخش‌ها افزایش خواهد یافت و در مجموع الحاق به این سازمان سالانه ۲/۷۴٪ بر صادرات بخش صنعت می‌افزاید. این رقم برای واردات دلاری ۰/۶۳٪ است. الحاق به سازمان جهانی تجارت سبب بهبود وضعیت زیربخش صنایع محصولات شیمیایی از لحاظ مزیت نسبی آشکار ولی باقی بخش‌ها از لحاظ این شاخص متضرر خواهند شد یا شاخص آنان تغییر نخواهد کرد. در مجموع، کل صنعت، مزیت نسبی آشکار ۰/۱۱٪ بهتر خواهد شد. گرچه نرخ رشد صادرات بیش از واردات است لیکن با توجه به سهم بسیار کم صادرات صنعتی از کل صادرات کشور (نفتی و غیرنفتی)، این افزایش در صادرات به آن میزان نیست که بتواند جبران افزایش واردات را در اثر الحاق به سازمان جهانی تجارت بنماید.

عدم تعادل نسبی در تراز بازرگانی خارجی زیربخش‌های صنعتی عملاً باعث شد که در شبیه‌سازیها علیرغم کاهش زیادتر نرخهای تعرفه خارجی‌ان نسبت به کاهش نرخهای تعرفه ایران، همچنان تراز تجاری بعد از الحاق بدتر شود. علت بدتر شدن تراز تجاری فزونی بسیار زیاد واردات بر صادرات در این زیربخش‌ها می‌باشد که نیازمند کاهش تعرفه خارجی‌ان (به میزان بسیار بیشتر) و کاهش تعرفه ایران (به میزان بسیار کمتر) از نرخهای استفاده شده برای شبیه‌سازی است. چنانچه ما به شرایطی از تعادل نسبی در واردات و صادرات در زیربخش‌های صنعتی برسیم می‌توان گفت که الحاق به سازمان جهانی تجارت سبب بهبود وضعیت تجارت خارجی بخش صنعت می‌شود. در غیر این صورت الحاق به سازمان جهانی تجارت تراز تجاری بخش صنعت را

بدتر خواهد کرد. از طرفی با توجه به موانع مختلف غیر تعرفه‌ای باید اذعان داشت که گرچه موانع غیر تعرفه‌ای سبب کنترل کوتاه مدت صادرات و واردات می‌شود ولی عملاً در بلند مدت کنار گذاشته شده و موانع غیر کارآمد تلقی می‌شوند.

بر اساس محاسبات انجام شده می‌توان گفت چه در بخش‌های صادرات و چه در بخش‌های واردات زیر بخش‌های صنعتی، مجوز صدور یا ورود یا محدودیت ناشی از اجازه صادرات یا واردات، طولانی‌ترین و مستمرترین و مؤثرترین نحوه کنترل‌های غیر تعرفه‌ای می‌باشند. با توجه به همخطی موانع غیر تعرفه‌ای و تعرفه واضح گردید که می‌توان موانع غیر تعرفه‌ای را با موانع تعرفه‌ای جایگزین نمود و این موضوع در هر یک از زیر بخش‌های صنعتی بر اساس شدت اثر موانع غیر تعرفه‌ای متفاوت است. به هر حال این مباحث، همگی اثرات اولیه الحاق به سازمان جهانی تجارت و اثرات ثانویه ناشی از تخصیص مجدد منابع در اثر الحاق به سازمان جهانی تجارت را عنوان نمی‌دارد.

باید به این موضوع اشاره نمود که الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت به عنوان یک هدف بلند مدت پس از شفاف کردن بازرگانی خارجی صنعت و اصلاح ساختار صنعت در افزایش کیفیت و کمیت کالاهای تولید شده و اختلال زدایی نظام اقتصادی صنعت همچنان قابل بررسی مجدد است. نتایج این تحقیق، صنعت ایران را با شرایط فعلی در رقابت با صنایع جهانی نمی‌بیند و چنانچه این شرایط بهبود یابد، الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت می‌تواند سبب بهبود وضعیت بازرگانی و تولید صنعتی ایران بشود. از طرفی باید اذعان داشت که ارقام به کار

گرفته شده در سناریوی این تحقیق بر اساس کلیت متداول در جهان از لحاظ کاهش تعرفه‌های داخلی و خارجی انتخاب شده، ولی این ارقام همگی باید در دور مذاکرات تعیین شود. الگوی ارائه شده، این ابزار را در اختیار تصمیم‌گیران قرار می‌دهد تا ضمن بررسی سناریوهای مختلف، آثار و تبعات الحاق به سازمان جهانی تجارت را ارزیابی کنند و از آن میان، بهترین حالت را برای انجام مذاکرات مشخص نمایند. نکته قابل توجه دیگر در این بررسی، ثابت انگاشتن باقی متغیرهای کمی و کیفی اقتصادی و غیراقتصادی است که تغییر آنان می‌تواند به نوبه خود اثرات بسزایی در نتایج حاصله بگذارند. در هر حال پیام این تحقیق را می‌توان در نیاز مبرم و ضروری به بازبینی کلیه وجوه بخش صنعت ایران و اصلاح ساختار موجود خلاصه نمود. شاید به طور خلاصه بتوان گفت:

- سیاستهای غیرتعرفه‌ای در ایران در بخش‌های صنعتی هماهنگ و یکسو تعریف نشده‌اند و اکثراً اثر یکدیگر را خنثی می‌کنند یا الاقل با هم همبستگی و انسجام ندارند.
- زیربخش‌های نساجی، پوشاک و چرم و صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی هر کدام به ترتیب ۲۵/۴٪ و ۲۳/۶٪ و جمعاً حدود ۵۰٪ از اشتغال صنعتی را به خود اختصاص داده‌اند.
- زیربخش نساجی، پوشاک و چرم در بین زیربخش‌های صنعتی دارای مزیت نسبی آشکار ۶۸۵/۰ و زیربخش تولید فلزات اساسی دارای مزیت نسبی آشکار به میزان ۵۸۸/۰ می‌باشد که در بین زیربخش‌های صنعتی از وضعیت بهتری برخوردار هستند. در

باقی زیر بخش های این شاخص منفی می باشد.

▪ با حفظ شرایط موجود، عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت سبب افزایش سالانه ۲/۷۴٪ صادرات بخش صنعت و ۰/۶۳٪ درصد افزایش سالانه در واردات خواهد شد. گرچه نرخ افزایش صادرات بیش از واردات است ولی به دلیل اینکه میزان واردات بسیار بیشتر از میزان صادرات است، این افزایش در صادرات نمی تواند تراز تجاری بخش صنعت را به صفر برساند. به طور متوسط در اثر الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت سالانه حدود ۰/۶٪ به کسری تراز تجاری کل صنعت افزوده خواهد شد. این نتیجه فقط ارائه شاخصی برای گمانه زنی اثر کاهش تعرفه در نتیجه الحاق می باشد و نه اینکه در واقعیت دقیقاً چنین چیزی اتفاق بیافتد.

▪ با توجه به بررسی های انجام شده، باید اذعان داشت که عضویت در سازمان جهانی تجارت با شرایط فعلی ساختار صنعت ایران چندان حسنی برای این بخش بوجود نخواهد آورد. ولی چنانچه صنعت ایران بتواند در شرایط رقابت با کشورهای دیگر در عرصه بین المللی قرار گیرد می توان از عضویت در آن سازمان بهره جست.

▪ این نتایج، همگی در شرایط ساختار فعلی صنعت پیدا شده اند و چنانچه این ساختار بهبود یابد مسلماً نتایج تغییر خواهد نمود. از طرفی ما با یک سناریوی خاص مشابه شرایط سایر کشورهای عضو سازمان این اثرات را ارزیابی کردیم. حال چنانچه درصد تغییر نرخ های تعرفه که باید در مذاکرات مشخص گردد، عوض شود (که حتماً این چنین است)

پاسخ‌ها نیز تغییر خواهد کرد.

در بخش بعدی به اثر تغییر تعرفه بر صنعت سیمان پرداختیم و با طرح یک الگوی همزمان دستگاه معادلات اقتصادسنجی اقدام به بررسی اثر تغییر تعرفه بر متغیرهای تولید، مصرف، تجارت (واردات و صادرات) و قیمت سیمان نمودیم. روش اتخاذ شده یک الگوی رفتاری همزمان است که اثر تغییرات قیمت ناشی از مازاد عرضه یا تقاضا را مد نظر قرار می‌دهد و بطور همزمان آن را در رفتار تولید و مصرف و بازرگانی سیمان ملحوظ می‌دارد. با این خصوصیت نام این الگو را که سیاق نوینی در الگوسازی نیز دارد با نام "الگوی تعدیل عدم تعادل پویا" (DDAM) Dynamic Disequilibrium Adjustment Model معرفی نمودیم^۱. این مدل از ۵ معادله استوکستیک و ۲ اتحاد تشکیل شده است. ارتباطات درونی مدل بدین شکل است که واردات، صادرات، تولید و مصرف داخلی سیمان توسط چهار معادله اول تعیین می‌شوند و اتحاد ششم تغییرات در موجودی انبار را محاسبه می‌کند. تغییرات قیمت سیمان در معادله پنجم که یک معادل تفاضلی است از تغییرات موجودی انبار تعیین می‌گردد و مجدداً قیمت سیمان بطور همزمان بدلیل حضور متغیر قیمت در چهار معادله اول بر مقادیر تولید، مصرف، واردات و صادرات سیمان تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر بستار الگو با متغیر قیمت

^۱ این الگو در کنفرانس سیمان اروپا ۲۰۰۴ در بارسلون اسپانیا ارائه گردید و به بحث گذاشته شد و در کتاب و CD مجموعه مقالات کنفرانس نیز منتشر گردید

B. Bidbad, N.Kalbasi Anaraki, "Effects of Iran's WTO Accession on the cement Industry", 4th European Cement Conference, March 2004, Barcelona, Spain. Propubs publication company, U.K..

کامل می‌شود.

نتایج برآورد شده نشان می‌دهد که واردات سیمان با تولید ناخالص داخلی ارتباط مثبت و معنی دار و با نرخ موثر ارز واقعی دارای ارتباط منفی است. معادلات صادرات نشان می‌دهد که صادرات سیمان در ارتباط مثبت و معنی داری با ظرفیت اسمی تولید سیمان و نرخ موثر ارز می‌باشد. تولید سیمان دارای ارتباط مثبت و معنی داری با شاخص عمده فروشی قیمت سیمان است اگرچه ضریب اهمیت قابل اغماض و کوچک می‌باشد. اما ظرفیت اسمی دارای ارتباط مثبت و معنی داری و با تولید داخلی سیمان دارد. مصرف داخلی در ارتباط منفی و معنی داری با شاخص قیمت عمده فروشی است و دارای ارتباط مثبت و معنی داری با GDP می‌باشد.

برای تحلیل نتایج تاثیر کاهش تعرفه‌ها بر صنعت سیمان اقدام به شبیه‌سازی الگوی فوق نمودیم. براساس تعرفه‌های کاهش یافته برای دنیای توسعه یافته و در حال توسعه و با عنایت به مطالعات قبلی نسبت به ۰/۶۹ کاهش تعرفه بر واردات سیمان از کشورهای در حال توسعه و ۱۴٪ کاهش برای صادرات به کشورهای در حال توسعه استفاده می‌کنیم. اگرچه این ارقام برآوردهای خامی هستند اما می‌توانند شمای کلی اثرات الحاق را بر صنعت سیمان نشان دهند. مقایسه نتایج شبیه‌سازیها نشان می‌دهند که الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی از بعد کاهش تعرفه‌ها منجر به:

▪ تغییری در مصرف داخلی سیمان نمی‌شود.

- دارای اثرات قابل اغماض بر صادرات سیمان است.
- واردات سیمان را به مقدار قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهد.
- تعدیل قیمت‌ها توسط عرضه و تقاضا بطور دینامیک انجام شده و بعد از الحاق به سازمان تجارت جهانی با سرعت بیشتری تعدیل می‌شود.
- تاثیر کاهش تعرفه‌ها بر عرضه سیمان پس از الحاق بسیار جزئی خواهد بود.
- در مجموع الحاق به سازمان تجارت جهانی ممکن است کسری تراز تجاری سیمان را تشدید نماید.

مطالعه انجام شده نشان می‌دهد که اثر کاهش تعرفه‌ها ناشی از الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی اثرات قابل اغماضی بر تولید و مصرف داخلی داشته و بر صادرات سیمان نیز تاثیر بسیار جزئی دارد. در حالیکه واردات سیمان را به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد داد. گفتنی است ایران نیز به عنوان یک کشور منطقه که با موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای و حمایت‌های دولتی بسیاری مواجه است باید هرچه سریعتر نسبت به حذف این موانع و آغاز مذاکرات مبادرت نماید تا از منافع حاصل از عضویت از قبیل دسترسی به بازارهای جهانی و امکان رشد سرمایه‌گذاری خارجی منتفع شود.

خاتمه

ایران خواسته یا ناخواسته نمی‌تواند سیاست انزوا را پیش گیرد و بایست نهایتاً به سازمان تجارت جهانی بپیوندد. لذا بهتر است تا خود را برای پذیرش شرایطی که در آینده به وی تحمیل خواهد شد مهیا سازد.

در راستای الحاق به سازمان تجارت جهانی قوانین و مقررات داخلی زیادی باید اصلاح شوند که این اصلاحات باعث ایجاد بسیاری از شفافیت‌ها در بخشهای مختلف اقتصادی کشور خواهد شد که بخش سیمان نیز از آن منتفع می‌گردد.

شرایط آتی اقتصاد جهان شرایط رقابت فشرده است و ایران باید خود را برای این رقابت در آینده آماده سازد. مسلماً الحاق به سازمان تجارت جهانی این شرایط را نیز به تصویر می‌کشد. بخش سیمان بایست شرایطی را برای خود در نظر بگیرد که حمایت داخلی از او برداشته خواهد شد. در این ارتباط همهٔ قیمت‌ها اعم از مواد اولیه، کالاهای سرمایه‌ای و نرخهای ارز و مالیات و سوبسیدهای پنهان و آشکار به ارقام متعادل و یکسان و به سمت ارقام بین‌المللی نزدیک خواهند شد.

الزاماً قیمت‌گذاری سیمان در فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی بایست حذف شود و مکانیزم عرضه و تقاضا قیمت سیمان را معلوم کند. بر این اساس این مهم بایست هرچه زودتر انجام شود.

رقبای تجاری و سرمایه‌گذاران خارجی از جمله گروه‌هایی هستند که نقش و اثر مهمی در مسائل سیمان ایران خواهند گذاشت زیرا بعد از الحاق واردات سیمان و سرمایه‌گذاری خارجی در بخش سیمان ایران از موارد قابل پیش‌بینی است.

جهت‌گیری صادراتی سیمان نیازمند ایجاد تأسیسات حمل و بارگیری و تخلیه و تأسیسات بندری است که با توجه به مازاد عرضه سیمان در سالهای آینده بایست مدنظر قرار گیرد.

در حال حاضر الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی در کوتاه مدت و میان مدت خطری را برای صنعت سیمان ایجاد نخواهد کرد و صنعت سیمان در اثر کاهش تعرفه‌ها آسیب نخواهد دید ولی افزایش قیمت برق و سوخت به سطح قیمتهای بین‌المللی می‌تواند وضعیت رقابتی تجارت خارجی سیمان را در حد تنگ و فشرده قرار دهد. لذا بنگاه‌های تولید سیمان باید بهای تمام شده خود را پائین آورند. در غیر این صورت در آینده توان رقابت با تولیدکنندگان خارجی را نخواهند داشت.

مسائل محیط زیست در آینده برای ایران از لحاظ کنوانسیونهای بین‌المللی می‌تواند محدودکننده باشد لذا باید برای رفع مسائل آتی در این باره نیز تدابیری اندیشید. صرفه‌جویی در مصرف سوخت و جایگزینی سوخته‌های فسیلی از راهکارهای بین‌المللی در این موضوع می‌باشد. بسیاری از شرایط الحاق به سازمان تجارت جهانی در آینده پس از مراحل الحاق و در

مذاکرات چندجانبه مشخص خواهد شد که بخش سیمان بایست با تجهیز گروه‌های تخصصی

آموزش دیده از هم‌اکنون خود را برای مذاکرات مربوطه آماده نماید.

بر اساس موارد فوق اقدامات زیر ضروری هستند:

❖ اقدامات بنگاه‌های تولید سیمان:

۱. اجرای سیاستهای کاهش هزینه تولید در بنگاه‌های تولیدی سیمان.
۲. اجرای سیاستهای افزایش بازدهی تولید.
۳. تحقیق و توسعه در بهبود ویژگی‌های محیط زیستی سیمان در ارتباط با سوخت‌های جایگزین و سایر موارد مرتبط با آلاینده‌گی محیط زیست.

❖ اقدامات دولت در ارتباط با صنعت سیمان:

۱. حذف قیمت‌گذاری سیمان و ایجاد شرایط رقابت در بازار سیمان.
۲. حذف موانع و محدودیت‌های مختلف تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای واردات و صادرات سیمان.
۳. قبول جهت‌گیری افزایش صادرات سیمان ایران جهت تسلط بر بازارهای جهانی - حتی به بهای افزایش قیمت داخلی سیمان.
۴. آموزش گروه‌های تخصصی در اقتصاد و بازرگانی سیمان برای انجام مذاکرات الحاق به سازمان تجارت جهانی.
۵. حذف تدریجی - برنامه‌ای یارانه‌های سوخت و انرژی جهت اعمال فشار بر تولیدکنندگان سیمان در کاهش میزان مصرف انرژی.
۶. آزادسازی‌های اولیه در جهت سرمایه‌گذاری خارجی سیمان در ایران و بلعکس.
۷. اعمال فشارهای لازم بر تولیدکنندگان سیمان جهت کاهش آلاینده‌گی آنها.